آقای محمد حسین فلاح زاده صاحب قبلہ

حوزۂ علمیہ امام حسن عسکری کاؤدہ گجرات
مسین فلکری روڈ

آموزش احکام

سطح متوسط آموزش احکام

ویژه پسران

۳۰۲

نام سید محمود ... نام علی اصغر

1.6 گھنٹہ

1.8

1.5 دن 15 گھنٹہ لا فرق

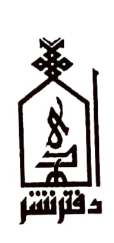
آموزش احکام

(سطح متوسط)

ویژه برادران

مطابق با فتاوای مراجع بزرگ تقلید

تدوین: محمّد حسین فلاح زاده



آموزش احکام ویژه پسران

محمد حسین فلاح‌زاده
دفتر نشر الهادی
مؤسسه چاپ الهادی
چاپ بیست و سوم، پاییز ۷۸
تیراژ: ۱۰۰۰۰ نسخه
قیمت: ۶۰۰ تومان
شابک: ۶ ـ ۱۵۱ ـ ۴۰۰ ـ ۹۶۴ ISBN

دفتر مرکزی: قم، میدان الهادی، تلفن: ۶۱۱۱۲۵ فاکس: ۶۱۶۱۳۰
فروشگاه: قم، انتهای صفائیه، پلاک ۷۵۹ تلفن: ۷۳۷۰۰۱

حضرت آیۃ اللہ العظمیٰ سید علی خامنہ‌ای مدظلہ العالی
حضرت آیۃ اللہ العظمیٰ سید علی حسینی سیستانی

نام علی اصغر

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد للہ رب العالمین والصلاۃ والسلام علی محمد و
آل محمد و عجل فرجہم و نشرنا معہم

بسمه تعالی

لطفاً موارد زیر را قبل از مطالعه اصلاح فرمایید:

صفحه	سطر	نادرست	درست
۲۲	۱۸	صد و شصت و شش روز	صد و شصت و یک روز
۲۴	۱۶	دو یا چند نفر عادل	دو یا یک نفر عادل
۴۶	۲	بالای سر	جلوی سر
۱۲۵	۳	در سجده شک کند، حاشیهٔ شک ۲ و ۳ در شک ۲ و ۴ و شک ۴ و ۵ نیز جاری است	
۱۶۸	۱۵	به فتوای حضرت آیة الله خویی (ره) غبار غیرغلیظ هم روزه را باطل می‌کند.	
۱۷۴	۴	«و چنانچه اینها برایش ممکن نباشد» در این مسأله مقلدین سایر مراجع به رسالهٔ توضیح السمائل مراجعه کنند.	
۱۷۹	۱۲	به علت اختلافی بودن مسأله، از کلمهٔ «ولی» تا آخر حذف شود.	
۲۳۸	۶	«علیکم» را مقدم بدارد یعنی بگوید «علیک السلام» یا «علیهم السلام»	«سلام» را مقدم بدارد، مثلاً بگوید: «سلام علیک» یا «سلام علیکم»

بسم الله الرحمن الرحیم

امام خمینی (قدس سره):

فقه، تئوری واقعی و کامل ادارهٔ انسان

از گهواره تا گور است.

صحیفهٔ نور، جلد ۲۱، ص ۹۸

پیشگفتار

بسم الله الرّحمن الرّحیم

در طول تاریخ، همواره مصلحان و نیک‌اندیشان در فکر پی‌ریزی جامعه‌ای بوده‌اند که در آن ارزشها حاکم شود و از زشتیها به دور باشد.

برای رسیدن به این مقصود و تشکیلِ چنین جامعه‌ای که از آن، گاهی به «مدینهٔ فاضله» تعبیر می‌کرده‌اند، قوانین و مقرراتی نیز می‌اندیشیده‌اند، تا افراد جامعه در زندگی فردی و اجتماعی خود و چگونگی استفادهٔ از طبیعت و ارتباط با همنوعان، راه درست را طی کنند.

اسلام به عنوان آخرین مکتبِ تضمین کنندهٔ سعادت بشری، زیربنای تشکیل چنین جامعه‌ای را اعتقاد صحیح می‌داند، و برای سالم‌سازی اندیشه و اعتقاد انسانها، به اصول خاصّی باور دارد که آغاز و پایان هستی را مشخص می‌کند و انسانها را از افکار پوچ و خیالهای بیهوده می‌رهاند و به زندگی هدفدار راهنمایی می‌کند.

البته اسلام، تنها اعتقاد صحیح را کارساز نمی‌داند، بلکه مردم در مرحلهٔ عمل و رفتار نیز باید راه درست را از نادرست بازشناسند و خوبیها را عمل کنند و از بدیها بپرهیزند.[1]

آنچه عهده‌دار این بخش از برنامه‌های اسلام است «فِقه» یا «احکام» نام دارد، که در حقیقت مجموعهٔ قوانین عملی اسلام است و از وحی الهی سرچشمه گرفته و با بیان

---

۱ ـ قال علی (علیه‌السلام): الایمان معرفة بالقلب، و قول باللسان، و عملٌ بالارکان. (شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۹، ص ۵۱).

معصومین - علیهم‌السلام - تفسیر و تبیین شده است، قوانینی که هرگز تغییر پذیر نیست و تمام موضوعات و مصادیق خارجی و حوادث واقعه[۱] را دربرمی‌گیرد، بدون آنکه به اصول آن خدشه‌ای وارد شود.[۲]

شناخت این قوانین، همواره یکی از درسهای زنده و اساسی مدارس علوم دینی بوده است و می‌توان گفت: یکی از پایه‌های اصلی تشکیل مجامع علمی اسلامی علم فِقه است و فقیهان، در ردهٔ ارزشمندترین دانشمندان علوم اسلامی به شمار می‌روند و نام آنها همیشه بر تارک تاریخ حوزه‌های علمی می‌درخشد و به گفته امام خمینی(قدس سره): «صدها سال که روحانیّت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده‌اند».[۳]

آنان که برای حفظ فقاهت اسلامی و دفاع از شریعت مقدس، تلخیها و سختیهای بسیاری را تحمل کرده و مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج کرده‌اند. چه بسیار از کتابها که در شرایط تقیّه و یا گوشهٔ زندان نگاشته شده است،[۴] و چه بسیار از کتابخانه‌ها که حاصل صدها سال رنج و تلاش آنان بوده، به تاراج رفته، یا در آتش خشم و کینهٔ دشمنان سوخته است، و بالاتر از همه، بزرگانی که در راه آرمان و حفظ دین خدا سر و جان داده‌اند و خون سرخشان، اوراق کتاب فقاهت را رنگین کرده است و گاه اجسادشان نیز سوزانده و خاکسترش به باد داده شده است.[۵]

امّا با همهٔ این مشکلات و سختیها، هرگز از پای ننشسته و دست از تلاش نکشیده‌اند و مسائل فقهی را پس از استنباط از منابع آن، به بهترین گونه تنظیم کرده و برای برآوردن نیازهای دینی مردم همت گماشته‌اند.

آنچه امروزه به نام «رسالهٔ توضیح المسائل» از مراجع بزرگوار تقلید در دسترس مردم قرار می‌گیرد، از ثمرات آن رنج و تلاشهاست. و گاهی تنها برای استنباط یک حکم

---

۱ - اشاره به نوشتهٔ حضرت ولی عصر(عج) که روایان احادیث اهل بیت را مرجع این‌گونه حوادث معرفی کرده‌اند. (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱).

۲ - عن الصادق (علیه‌السلام): «... حتّیٰ جاءَ محمّد(ص) فجاء بالقرآن و بشریعته و منهاجه فحلاله حلالٌ الی یوم القیامة و حرامه حرامٌ الی یوم القیامة...» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷، حدیث ۲).

۳ - صحیفهٔ نور، ج ۲۱، ص ۸۹.

۴ - مانند کتاب «اللّمعة الدمشقیّه» تألیف فقیه نامدار محمد بن مکی العاملی معروف به «شهید اوّل».

۵ - همچون شهید اوّل.

از احکام آن مدتها صرف وقت شده است. ولی از آنجاکه رساله‌های موجود برای مطالعه و مراجعهٔ عمومِ مردم نگاشته شده و بیش از پنجاه سال بر عمر آن می‌گذرد و در این مدت، تغییر چندانی در نثر و شیوهٔ نگارش آن داده نشده و برخی از اصطلاحات مربوط به اهل فن و لغات مشکل و نامأنوس - برای نسل جوان - و عبارتهای پیچیده در آن دیده می‌شود، نمی‌تواند یک متن آموزشی مناسب - به ویژه برای جوانان - باشد، گرچه به جای خود و برای هدفی که نگاشته شده و فراتر از نیاز یک قشر خاص می‌باشد، مفید و ارزشمند است، و می‌توان گفت: مانند داروخانه‌ای است که تمام افراد جامعه باید از آن بهره‌مند شوند.

از دیرباز واکنون نیز در حوزه‌های علوم دینی، برای رشته‌های مختلف دانش از جمله «فقه» کتابهای ویژه‌ای برای سطوح مختلف آموزشی در نظر گرفته شده است و چنین نبوده و نیست که برای افراد تازه وارد «مکاسبِ شیخ انصاری»[1] را تدریس کنند و یا در علم اصول از ابتدا به آموزش «کفایهٔ محقّق خراسانی»[2] بپردازند و یا در فلسفه «اسفارِ ملاصَدرا»[3] را آغاز کنند، بلکه در ابتدا کتابهای ساده و روان و مختصر را می‌آموزند و رفته رفته کتابهای مفصّلتر و عمیقتر را فرامی‌گیرند.

اکنون، آموزش فقه در حوزه‌های علمیه به سه مرحله تقسیم می‌شود:

- فقه غیراستدلالی، مانند: *«رسالهٔ توضیح المسائل»* و *«العروةالوثقیٰ»*.[4]
- فقه نیمه استدلالی؛ مانند: *«الروضة البَهیّه»*[5] و *«شرایع الاسلام»*.[6]

---

۱ ـ کتابی است در احکام معاملات تألیف فقیه عالیمقدار، شیخ مرتضی انصاری دزفولی، و امروزه یکی از متون درسی سطح عالی حوزه‌های علمیه می‌باشد.

۲ ـ کتابی است در علم اصول فقه، تألیف دانشمند گرانمایه محمد کاظم خراسانی، و اکنون یکی از متون درسی سطح عالی حوزه‌های علمیه می‌باشد.

۳ ـ کتابی است در فلسفهٔ اسلامی که در آن رشته بی‌نظیر است، تألیف صدرالدین محمّد شیرازی.

۴ ـ کتابی است در فقه که بخش عمدهٔ مسائل فقهی را دربردارد و در حدّ خود از نظر برخورداری از فروع مسائل کم نظیر است، تألیف فقیه بزرگوار سید محمد کاظم یزدی.

۵ ـ کتابی در فقه، تألیف دانشمند گرانقدر، زین‌الدین علی بن احمد عاملی معروف به «شهید ثانی». این کتاب شرحی است بر کتاب «اللّمعة الدمشقیّه» تألیف شمس‌الدین محمد بن مکی معروف به «شهید اول».

۶ ـ کتابی در فقه، تألیف علامهٔ محقق، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید معروف به «محقق حلّی». نویسنده در این کتاب تنظیم جدیدی برای مسائل فقه پدید آورد، و سالها از متون درسی حوزه علمی بوده است.

● *فقه استدلالی؛ مانند: «جواهرالکلام»*[1] *و «الحدائق الناضره»*.[2]

بر این اساس، باید در خور فهم افراد جامعه و نیاز آنها، رساله‌هایی تدوین شود، تا بدون هیچگونه مشکلی، وظایف شرعی خود را فراگیرند، و به بهترین شیوه بر دانش دینی خود بیفزایید.

گرچه تاکنون در این خصوص، تلاشهای ارزشمندی شده است و کتابهایی منتشر گشته که هریک در جای خود قابل استفاده می‌باشد، ولی نوشته‌هایی که بتواند با در نظر گرفتن مقاطع تحصیلی افراد و نیاز صنفی آنها، احکام دین را آموزش دهد، نگاشته نشده و نیاز به تدوین چنین کتابهایی کاملاً محسوس است.

این نیاز ما را بر آن داشت تا با در نظرگرفتن مقاطع تحصیلی موجود در کشورمان مسائل فقهی را، بدون هیچگونه تغییر در فتاوای فقیهان و تنها تغییر عبارت و جایگزین کردن لغات و اصطلاحات مأنوس و تنظیم مطالب و بیان برخی از مثالها و نمونه‌های آنها بدین صورت تدوین کنیم.

از آنجاکه برخی از مسائل فقه، اختصاص به خواهران یا برادران دارد وگروه دیگر را نیازی به آنها نیست و یاکمتر مورد نیازشان می‌باشد علاوه بر مقاطع تحصیلی و توجه به سطح علمی افراد، به تقسیم صنفی هم توجه شده وکتابهای ویژۀ برادران و خواهران، جدای از یکدیگر تهیه شده است.

ناگفته نماند که در جامعه ممکن است افراد زیادی، حتی مدرک تحصیلی ابتدائی هم نداشته باشند ولی بهتر از بسیاری از دانشگاهیان به مسائل دینی آشنایی داشته باشند؛ امّا در تدوین این نوشته‌ها سطح غالب افراد، در نظر گرفته شده است.

آنچه تاکنون تهیه شده و یا در دست تهیه می‌باشد بدین قرار است:

*** آموزش احکام ـ ویژه کودکان**

*** آموزش احکام ـ سطح یک ـ مقطع راهنمایی (ویژۀ برادران ـ ویژۀ خواهران)**

*** آموزش احکام ـ سطح متوسط ـ مقطع دبیرستانی (ویژۀ برادران ـ ویژۀ خواهران)**

---

۱ ـ دائرة المعارف بزرگ فقه شیعه، تألیف فقیه سخت کوش، شیخ محمد حسن نجفی؛ این کتاب از مآخذ و منابع فقه شیعه است.

۲ ـ تألیف محدث ارزشمند و فقیه گرانمایه شیخ یوسف بحرانی، که‌یکی از کتابهای تفصیلی فقه شیعه می‌باشد.

* آموزش احکام ـ سطح عالی ـ مقطع دانشگاهی (ویژهٔ برادران ـ ویژهٔ خواهران)
* روش تدریس احکام ـ ویژهٔ استادان محترم و طلاب علوم دینی.

یادآوری چند نکته:

۱ ـ متن کتاب مطابق با فتاوای بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت آیةالله العظمی امام خمینی(قدس سره) می‌باشد.

۲ ـ فتاوای سه تن از مراجع بزرگ تقلید یعنی؛ حضرت آیةالله العظمی اراکی (دام ظله) و حضرت آیةالله العظمی گلپایگانی (دام ظله) و حضرت آیةالله العظمی خوئی (قدس سره) به آن افزوده شده که موارد اختلاف، در همان صفحه، با علامت ستاره (*) مشخص شده است.

۳ ـ در متن کتاب بیشتر مسائل ضروری و کلی آمده و به مسائل جزئی کمتر پرداخته شده است و اختلاف چندانی در آنها وجود ندارد، بعلاوه، همهٔ اختلاف فتواها به گونه‌ای نیست که اگر مقلّد به مسائل متن عمل کند، خلاف فتوای مرجع تقلیدش عمل کرده، و یا واجبی را ترک کرده باشد، مثلاً اگر مسأله‌ای که در متن آمده، فتوا باشد و مرجع تقلید کسی در همان مسأله، احتیاط واجب داشته باشد، اگر مقلد به آن فتوا عمل کند، به همان احتیاط نیز عمل کرده است و مشکلی پیش نمی‌آید.

۴ ـ در انتخاب مسائل، تلاش شده است تا مقدار مورد نیاز اولیهٔ جوانانِ مقطع دبیرستانی آورده شود، و در مواردی که فرعی از فروع مسائل حذف شده، عنوان مسأله بگونه‌ای آمده که اشکالی در فتوا پیش نیاید، به عنوان مثال؛ در بحث مُطهّرات، با اینکه مطهرات ده‌تاست، در این نوشته تنها به پنج مورد آن اکتفا شده ولی عنوان مسأله اینگونه نگاشته شده است:

«همهٔ اشیاء نجس پاک می‌شود و عمدهٔ پاک کننده‌ها عبارتند از:»

۵ ـ کتاب حاضر جنبهٔ آموزشی دارد و توسط استادان محترم، تدریس می‌شود، و شاگردان، نزد معلم خود، آن را می‌آموزند، گرچه تلاش شده تا شیوهٔ نگارش چنان باشد که مطالعهٔ آن هم مفید باشد و مسائل شرعی را به مطالعه کنندگان نیز بیاموزد.

۶ ـ برای آنکه خوانندگان عزیز اگر خواستند جزئیات مسائل را بدانند و یا متن مسائل را از منابع آنها ببینند، آدرس مسائل در پایان هر صفحه آمده است، بعلاوه،

حواشی مراجع تقلید نیز همراه با شمارهٔ مسأله ـ مطابق رسالهٔ ایشان ـ آورده شده است.

۷ ـ با ادای احترام مجدّد به مراجع بزرگوار تقلید، جهت اختصار در حواشی، القاب آنان حذف گردیده و تنها به لقب مشهور اکتفا شده است.

۸ ـ کتاب حاضر، قبل از چاپ، چند دوره تدریس شده و نواقص آن ـ در حدّ توان ـ برطرف گردیده، بعلاوه که چند تن از دوستان فاضل حوزه، عنایت فرموده و بخش‌هایی از آن را مطالعه کرده و رهنمودهایی ارائه فرموده‌اند، و همچنین تنی چند از جوانان مقطع دبیرستانی، بخشهایی از آن را مطالعه کرده‌اند و قبل از چاپ مورد آزمایش قرار گرفته، تا از نظر محتوا، متناسب با نیاز سطح علمی مخاطبان آن باشد، که در اینجا از همهٔ آن عزیزان تشکر می‌شود.

۹ ـ جهت اختصار در آدرس مطالب علائم زیر به کار رفته است:

ج = جلد، ص = صفحه، م = مسأله، س = سؤال

۱۰ ـ در تهیهٔ این کتاب از متون زیر استفاده شده است:

* *تحریرالوسیله ـ امام خمینی ـ ناشر، دارالانوار، بیروت.*
* *العروة الوثقی (دوجلدی) با حاشیهٔ مراجع تقلید ـ ناشر، انتشارات علمیه اسلامیه.*
* *وسیلة النجاة با حاشیهٔ آیةالله العظمی گلپایگانی ـ ناشر، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.*
* *رسالهٔ توضیح المسائل ـ امام خمینی ـ ناشر، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان‌قدس رضوی.*
* *رسالهٔ توضیح المسائل ـ آیةالله العظمی گلپایگانی ـ ناشر، دارالقرآن الکریم.*
* *رسالهٔ توضیح المسائل ـ آیةالله العظمی اراکی ـ ناشر، دفترتبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.*
* *رسالهٔ توضیح المسائل ـ آیةالله العظمی خوئی ـ چاپ، چاپخانهٔ علمی.*
* *استفتاآت ـ امام خمینی ـ ناشر، دفتر انتشارات اسلامی.*

سخنی با استادان محترم

۱ ـ محتوای هر درس ـ با استفاده از تجربهٔ چندین ساله ـ برای نیم ساعت تا ۴۵ دقیقه تدریس، تنظیم شده است، که همراه با توضیحات استاد این مقدار از زمان را

دربرخواهد گرفت، ولی در چند درس از این کتاب چون مطالب یک بحث ناقص می‌ماند، حجم بیشتری پیدا کرده و ممکن است وقت بیشتری بطلبد، مانند درسها: ۳۵، ۳۶، ۳۹ و ۴۲، که در صورت تمام نشدن مطالب در یک جلسه، باید باقیماندهٔ آن برای جلسه بعد بماند و در چند درس دیگر؛ از آنجا که یک بخش از مسائل تمام شده و درس جدید از ابتدای بخش بعدی آغاز می‌شود، حجم کمتری دارد که باید فرصت باقیمانده را از درس بعد استفاده کرد؛ مانند درسهای: ۲۲، ۲۶، ۳۲ و ۳۳.

۲ ـ برای تدریس این کتاب، هرگز نباید تنها به مطالعهٔ مطالب آن اکتفا شود بلکه استادان محترم خوب است، قبل از تدریس متنِ سطوح بالاتر و یا رسالهٔ توضیح‌المسائل و یا کتابهای فقهی مفصل را مطالعه کنند.

۳ ـ در پایان هر درس، خلاصهٔ مطالب در قالب چند مسأله آورده شده که می‌تواند این فایده‌ها را داشته باشد:

* *استاد، می‌تواند در پایان هر درس، در چند دقیقه با خواندن خلاصهٔ درس مطالب بیان شده را برای حاضران بطور مختصر بازگو کند.*

* *شاگردان می‌توانند، برای به خاطر سپردن مطالب و مرور درسهای گذشته، اگر فرصت مطالعهٔ تمام درس را ندارند، خلاصه آن را مطالعه کنند.*

* *برای استادان، می‌تواند یادداشتی مناسب برای تدریس در کلاس باشد تا از همراه داشتن کتاب، در هنگام تدریس بی‌نیاز باشند.*

۴ ـ خلاصهٔ درسها برگرفته از متن کتاب است و مسائل فرعی و حواشی مراجع تقلید در آنها نیامده است.

۵ ـ برای هر درس، چند سؤال نوشته شده که اغلب آنها از مصادیق و نمونه‌های احکام است که استادان محترم جواب آنها را از شاگردان بخواهند و آنها را در یافتن پاسخها یاری دهند.

۶ ـ استادان محترم بخشی از وقت را به پاسخگویی سؤالهای حاضران اختصاص دهند.

۷ ـ استادان محترم با استفاده از مثالهای مناسب واجرای عملِی برخی از مسائل؛ مانند وضو و تیمم، مطالب را به شاگردان خود تفهیم کنند.

امید است این نوشته، جوانان عزیز را در راه فهم احکام دین یاری کند. و از خدای

بزرگ می‌طلبیم که آنان را در تمام مراحل زندگی یار و یاور باشد.

در پایان بار دیگر از تمامی برادرانی که با مطالعهٔ این کتاب رهنمودهایی فرموده‌اند تشکر کرده و خدای را بر این توفیق سپاس می‌گوییم و از نظرات و پیشنهادهای سازندهٔ عزیزان استقبال می‌کنیم.[۱]

رَبّنا تَقبَّل مِنّا اِنَّك اَنْتَ السَمیعُ العَلیم[۲]

تابستان ۱۳۷۲، هـ. ش.

محمد حسین فلاح زاده ابرقوئی

---

۱ - پیشنهادات و نظرات خود را برای ما به آدرس: قم - صندوق پستی ۳۶۹۸ - ۳۷۱۸۵ بفرستید.

۲ - سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۲۷.

درس ۱

جایگاه احکام در اسلام

اسلام، آخرین و کامل‌ترین مکتبی است که تمامی برنامه‌های آن، مطابق فطرت و مصلحت انسانهاست، و با پیاده کردن آن، سعادت انسانها تأمین خواهد شد، و جامعه‌ای که در آن قوانین اسلام اجراء شود، جامعهٔ ایده‌آل خواهد بود، آنچه که موضوع این درسهاست یعنی احکام، یکی از پایه‌های اصلی و اساسی مقررات و قوانین انسان‌ساز اسلام است، چراکه: برنامه‌های نجات بخش اسلام عبارت است از:

الف) برنامه‌های اعتقادی که به اصول دین تعبیر می‌شود.

ب) دستورات عملی که فروع دین یا احکام نامیده می‌شود.

ج) مسائل روانی و رفتاری که اخلاق نام دارد.

دسته اول: برنامه‌هائی است در رابطه با سالم‌سازی فکر و اعتقاد انسان، که باید آنها را از روی دلیل پذیرفته و معتقد باشد (هرچند دلیل ساده) و چون این دسته از برنامه‌های اسلام، امور اعتقادی است و محتاج به یقین می‌باشد پیروی از دیگران (تقلید) در آنها راه ندارد.

دسته دوم: برنامه‌های عملی است که وظیفهٔ انسانها را نسبت به کارهائی که باید انجام دهند و یا از آن دوری جویند مشخص می‌کند، اینگونه برنامه‌ها «احکام» نام دارد، و برای شناخت آنها تقلید و پیروی از مجتهد (کارشناس) این فن مانع ندارد.

* تقسیم احکام

هر کاری که انسان انجام می‌دهد، در اسلام دارای حکم خاصی است، که عبارت است از:

۱ـ واجب: عملی که انجام آن لازم است و ترک آن عذاب دارد؛ مانند نماز و روزه.

۲ـ حرام: عملی که ترک آن لازم است و انجامش عذاب دارد؛ مانند دروغ و ظلم.

۳ـ مستحب: عملی که انجام آن نیکو است و ثواب دارد ولی ترک آن هم عذاب ندارد؛ مانند نماز شب و صدقه.

۴ـ مکروه: عملی که ترک آن نیکو است و ثواب دارد ولی انجامش عذاب ندارد؛ مانند فوت کردن به غذا و خوردن غذای داغ.

۵ـ مباح: عملی که انجام و ترک آن مساوی است، نه عذابی دارد و نه ثوابی؛ مانند راه رفتن، نشستن.[1]

تقلید

تقلید به معنای پیروی کردن و دنباله روی است و در اینجا پیروی از «فقیه» می‌باشد یعنی کارهای خود را مطابق فتوای مجتهد انجام دهد.[2]

۱ـ کسی که مجتهد نیست و نمی‌تواند احکام و دستورهای الهی را بدست آورد باید از مجتهد تقلید کند.

۲ـ وظیفه اکثر مردم در احکام دین، تقلید است چون افراد کمی هستند که بتوانند در احکام، اجتهاد کنند.

۳ـ به مجتهدی که دیگران از او تقلید می‌کنند «مرجع تقلید» می‌گویند.

۴ـ مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند باید دارای این شرائط باشد:

---

۱. الفتاوی الواضحه ـ ج ۱ ص ۸۳.

۲. تحریرالوسیله ـ ج ۱ ص ۵.

۳. تحریرالوسیله ـ ج ۱ ص۵.

۴. همان مدرک.

* عادل باشد.
* زنده باشد.
* مرد باشد.
* بالغ باشد.
* شیعهٔ دوازده امامی باشد.
* بنابر احتیاط واجب أعلَم بوده و حریص به دنیا نباشد.[۱]

توضیح شرایط مرجع تقلید

۱ ـ عادل کسی است که در مرتبه‌ای از تقوا قرار دارد که در پی انجام واجبات و پرهیزاز گناهان است و نشانهٔ عدالت آن است که گناهان کبیره* را انجام نمی‌دهد، و گناه صغیره را تکرار نمی‌کند.[۲]**

۲ ـ کسی که تازه به سن بلوغ رسیده است و یا تاکنون تقلید نمی‌کرده باید مجتهدی را مرجع تقلید خود قرار دهد که زنده باشد و نمی‌توان از مجتهدی که فوت کرده است تقلید کند.[۳]

۳ ـ کسی که از مجتهدی تقلید می‌کند، اگر مرجع تقلیدش از دنیا برود می‌تواند با اجازهٔ مجتهد زنده، بر تقلید وی باقی بماند.[۴]

۴ ـ کسی که بر تقلید میت باقی مانده است در مسائلی که میت در آنها فتوا ندارد و همچنین مسائل جدید مانند جنگ و صلح و... باید از مجتهد زنده تقلید کند.[۵]

---

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۲.
۲. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۱۰، م ۲۸.
* گناه کبیره، گناه بزرگ است که بر آن وعدهٔ عذاب و آتش داده شده است مانند ـ دروغ، تهمت؛ غیر آن را گناه صغیره گویند.
** (گلپایگانی ـ خوئی) نشانهٔ عدالت آن است که اگر از اهل محلّ یا همسایگان او یا کسانی که با او معاشرت دارند حال او را بپرسند، خوبی او را تصدیق کنند. (مسألهٔ ۲)
۳. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۷،م ۱۳.
۴. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۷،م ۱۳.
۵. استفتائات ـ ج ۱ص۱۲،س ۲۰.

۵ـ مجتهدی‌که انسان‌از او تقلید می‌کند باید پیرو مذهب جعفری؛ یعنی شیعهٔ دوازده امامی باشد، پس شیعیان نمی‌توانند در احکام، به فتوای علمای غیر دوازده امامی عمل کنند.[۱]

٦ـ اسلام وظیفه زن و مرد را متناسب با طبیعت و چگونگی خلقت وی قرار داده است، برداشتن مسئولیت بسیار خطیر و سنگین مرجعیّت از دوش بانوان، سلب آزادی از آنها نیست چون در اسلام، بانوان هم می‌توانند در علوم اسلامی تا اجتهاد هم پیش بروند و احکام خدا را از منابع آن (قرآن و روایات) استخراج کنند و از کسی تقلید نکنند.

۷ـ اعلم کسی است که در استخراج احکام (از قرآن و روایات) از مجتهدان دیگر استادتر باشد.[۲]

۸ـ بر مُکلّف واجب است که جهت شناختن مجتهد اعلم جستجو کند.[۳]

۹ـ انسان در تقلید مستقل است و تابع دیگران نمی‌باشد، مثلاً زن در این مسئله تابع شوهر نیست و هر کس را دارای شرائط تشخیص داد از او تقلید می‌کند هرچند شوهرش مقلد مجتهد دیگری باشد.[۴]

خلاصه درس ۱

۱ـ مجموعه برنامه‌های اسلام عبارت است از: عقاید، احکام، اخلاق.

۲ـ احکام تکلیفی عبارت است از: واجب، حرام، مستحب. مکروه و مباح.

۳ـ تقلید عبارت است از عمل کردن به فتوای مجتهد.

۴ـ باقی بودن بر تقلید میت با اجازهٔ مجتهد زنده، مانع ندارد.

۵ـ کسی که باقی بر تقلید میت است در مسائل جدید باید از مجتهد زنده تقلید کند.

٦ـ هر کس در تقلید مستقل است و تابع دیگران نمی‌باشند.

---

۱. توضیح المسائل، م ۲.
۲. العروة الوثقی، ج ۱ص۷، م ۱۷.
۳. تحریر الوسیله، ج ۱ص٦، م ۵.
۴. استفتائات ـ ج ۱ص۱۳، س ۲۵.

؟ پرسش:

۱ ـ اصول دین را برشمارید.

۲ ـ وظیفه مکلف در اصول و فروع دین را بیان کنید.

۳ ـ پنج نمونه از برنامه‌های عملی اسلام را نام ببرید.

۴ ـ آیا بانوئی که به درجه اجتهاد رسیده می‌تواند طبق فتوای خودش عمل کند یا باید از دیگران تقلید کند؟

۵ ـ عادل کیست و چگونه شناخته می‌شود؟

۶ ـ وظیفه کسی که بر تقلید میت باقی مانده، در مسائلی که شرائط زمانی پیش می‌آورد ـ مانند مسائل جنگ و جهاد ـ چیست؟

درس ۲

اجتهاد و تقلید

۱ ـ راههای شناخت مجتهد و اعلم:

الف) خود انسان یقین کند، مثل آنکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

ب) دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.*

ج) عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفتهٔ آنان اطمینان پیدا می‌شود مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.[1]

۲ ـ راههای بدست آوردن فتوای مجتهد:

* شنیدن از خود مجتهد.
* شنیدن از دو نفر یا یک نفر عادل.
* شنیدن از یک نفر مورد اطمینان و راستگو.

---

۱. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۸، م ۱۹.

* (خویی) به گفتهٔ یک نفر اهل خُبره نیز ثابت می‌شود. (مسألهٔ ۳)

* دیدن در رسالهٔ مجتهد.[۱]

۳ـ اگر مجتهد اعلم در مسأله‌ای فتوا نداشته باشد، مُقلِّد می‌تواند به مجتهد دیگری که در آن مسئله فتوا دارد رجوع کند، و بنابر احتیاط واجب باید مجتهدی که به فتوایش رجوع می‌شود از دیگران اعلم باشد.[۲]

۴ـ اگر فتوای مجتهد در مسأله‌ای عوض شود، مقلّد باید به فتوای جدید عمل کند و عمل کردن به فتوای گذشته جایز نیست.[۳]

۵ـ مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد.

مکلّف کیست؟

افراد عاقل و بالغ مکلّفند، یعنی نسبت به احکام وظیفه دارند و باید آنها را به کار بندند، پس کودکان (غیربالغ) و دیوانه‌ها (غیرعاقل)، مکلّف نیستند.

سنّ بلوغ

پسرها، پس از تمام شدن پانزده سال و دخترها، پس از نه سالگی بالغ می‌باشند و باید تمام وظایف شرعی را انجام دهند، گرچه، کودکانِ کمتر از این سن هم اگر کارهای نیک، مانند نماز را بطور صحیح انجام دهند پاداش و ثواب خواهند داشت، باید توجه داشت که سن بلوغ، به سال قمری حساب می‌شود و چون هر سال قمری سیصد و پنجاه و چهار روز و شش ساعت است، ده روز و هیجده ساعت از سال شمسی کمتر می‌باشد، بنابراین، با کم کردن نود و شش روز و هیجده ساعت از نه سال شمسی، نه سال قمری بدست می‌آید، و با کم کردن صد و شصت و شش روز و شش ساعت از پانزده سال شمسی، پانزده سال قمری معلوم خواهد شد.

---

۱. تحریر الوسیله ـ ج ۱ ص ۸، م ۲۱.
۲. تحریرالوسیله ـ ج ۱ ص ۷، م ۱۱.
۳. العروة‌الوثقی ـ ج ۱ ص ۱۲، م ۳۱.

فرق بین احتیاط واجب و احتیاط مستحب

«احتیاط مستحب» همیشه همراه با فتواست، یعنی در آن مسأله، مجتهد پس از اظهارنظر، راه احتیاط را هم نشان داده است و مقلّد می‌تواند در آن مسأله، به فتوای مجتهد و یا به احتیاط عمل کند و نمی‌تواند به مجتهد دیگری رجوع کند، مانند این مسأله:

اگر نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده نماز او صحیح است ولی «احتیاط» آن است که اگر وقت دارد، نماز را دوباره بخواند.

«احتیاط واجب» همراه با فتوا نمی‌باشد و مقلّد باید به همان احتیاط عمل کند و یا به فتوای مجتهد دیگر مراجعه کند، مانند این مسأله:

احتیاط آن است که بر برگ درخت انگور، اگر تازه باشد سجده نکنند.

خلاصه درس ۲

۱ ـ راههای شناخت مجتهد و اعلم عبارت است از:

* خود انسان یقین کند.
* دو نفر عادل عالم شهادت بدهند.
* عده‌ای از اهل علم شهادت بدهند.

۲ ـ بگونه‌های زیر می‌توان فتوای مجتهد را بدست آورد:

* شنیدن از خود مجتهد.
* شنیدن از دو یا چند نفر عادل یا حداقل یک نفر مورد اطمینان و راستگو.
* دیدن در رسالهٔ مجتهد.

۳ ـ افراد بالغ و عاقل، باید به احکام الهی عمل کنند.

۴ ـ پسرها پس از تکمیل ۱۵ سال قمری و دخترها پس از تکمیل ۹ سال قمری بالغ می‌باشند.

۵ ـ در احتیاط واجب می‌توان به فتوای مجتهد دیگر مراجعه کرد ولی در احتیاط مستحب نمی‌توان مراجعه کرد.

؟ پرسش:

۱ ـ چه کسانی می‌توانند بر اجتهاد یا اعلمیّت دیگری شهادت دهند؟

۲ ـ چه کسانی باید اعمال واجب را انجام دهند؟

۳ ـ پسر بچه‌ای در تاریخ ۱۲/۱/۵۸ (ه. ش) به دنیا آمده است، محاسبه کنید در چه تاریخی به سن بلوغ خواهد رسید؟

۴ ـ در مسألهٔ زیر مشخص فرمائید، احتیاط، واجب است یا مستحب؟ «احتیاط آن است که برای یاد دادن واجبات نماز مزد نگیرند، ولی برای مستحبات آن اشکال ندارد».

درس ۳

طهــارت

همانگونه که در درس اول گذشت، مجموعهٔ برنامه‌های عملی اسلام «احکام» نامیده می‌شود و از جمله آنها؛ واجبات است و نماز یکی از مهمترین و اساسی‌ترین آنهاست.

مسائل مربوط به نماز را به سه دستّه تقسیم می‌کنیم:

۱ ـ مُقدّمات

۲ ـ مُقارنات

۳ ـ مُبطلات

مقدمات نماز: نمازگزار باید قبل از نماز آنها را مراعات کند.

مقارنات نماز: مسائلی که مربوط به متن نماز است، از تکبیرةالاحرام تا سلام.

مبطلات نماز: مسائلی‌که دربارهٔ چیزهایی است که نماز را باطل می‌کند.

مقدّمات نماز

از جمله مسائلی که قبل از انجام این عبادت بزرگ باید مورد توجه نمازگزار قرار گیرد، طهارت و پاکی است.

نمازگزار باید بدن و لباس خود را از ناپاکیها (نجاسات) پاک کند و برای پاکی از

نجاست، شناخت آنها و راه پاک کردن اشیاء نجس نیز لازم است. بنابراین به بیان آنها می‌پردازیم:

قبل از شناخت ناپاکیها، به یک قاعده کلّی اسلامی توجه کنید:

> «در عالَم همه چیز پاک است، مگر یازده چیز و آنچه براثر برخورد با اینها نجس شود».

نجاسات:

- ۱ـ ادرار (بول)
- ۲ـ مدفوع (غائط)
  - انسان و حیوانهای حرام گوشتِ خون جهنده‌دار * مانند گربه و موش.
- ۳ـ منی
- ۴ـ مردار
- ۵ـ خون
  - انسان و حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند: گوسفند.
- ۶ـ سگ
- ۷ـ خوک
  - که در خشکی زندگی می‌کند ولی دریایی آن نجس نمی‌باشد.
- ۸ـ شراب و هر مایع مست‌کننده
- ۹ـ آبجو (فُقّاع) ـ آبجوی غیر طبی
- ۱۰ـ کافر
- ۱۱ـ عرق شتر نجاستخوار

---

* حیوانی که اگر رگ آنرا بِبُرند خون از آن جستن می‌کند خون جهنده دارد.

«طهارت» غیر از «نظافت» است و «نجاست» غیر از «کثافت» است، ممکن است چیزی تمیز باشد ولی از نظر احکام اسلام، پاک نباشد، خواستهٔ اسلام، هم طهارت است و هم نظافت، یعنی انسان باید به فکر پاکی و تمیزی خود و محیط و زندگی خود باشد، و اکنون سخن دربارهٔ طهارت است.

۱ ـ ادرار و مدفوع انسان و تمامی حیوانهای حرام گوشت که خون جهنده دارند نجس است.*

۲ ـ ادرار و مدفوع حیوانهای حلال گوشت، مانند گاو و گوسفند و حیوانهائی که خون جهنده ندارند، مانند مار و ماهی پاک است.[۱]

۳ـ بول و غائط حیوانهائی که گوشت آنها مکروه است پاک می‌باشد مانند اسب و الاغ.[۲]

۴ ـ فضلهٔ پرندگان حرام‌گوشت، مانند کلاغ، نجس است.[۳]**

احکام مردار***

۱ ـ انسان مرده هر چند تازه مرده باشد و بدنش سرد نشده باشد (بجز اجزاء بی‌روح او مانند ناخن و مو و دندان) تمام بدنش نجس می‌باشد، مگر آنکه:[۴]

الف: شهید معرکه**** باشد.

ب : او را غسل داده باشند (سه غسلش تمام شده باشد).

---

۱. العروة‌الوثقی - ج ۱ص۵۵.

* (گلپایگانی) بنابر احتیاط واجب باید از بول و غائط حیوان حرامگوشتی که خون آن جستن نمی‌کند اجتناب کرد. (مسألهٔ ۸۵)

۲. العروة‌الوثقی -ج ۱ص۵۵.

۳ـ توضیح المسائل، م ۸۵.

** (سایر مراجع) پاک است. (مسألهٔ ۸۶)

***مردار، حیوانی است که خود مرده است یا به غیر طریق شرعی ذبح شده است.

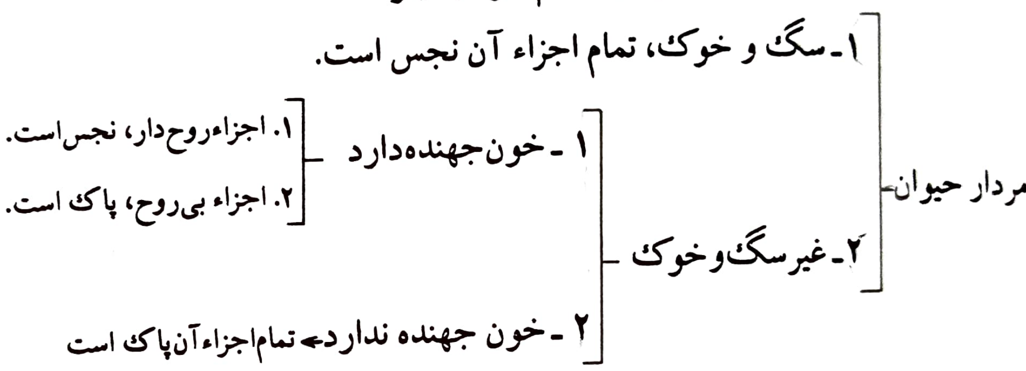
۴. العروة‌الوثقی -ج ۱ص۵۸. الرابع و ص ۶۱، م ۱۲.

****شهیدی که در میدان نبرد جان داده است.

مردار حیوان

۱ـ مردار حیوانی که خون جهنده ندارد پاک است، مانند ماهی.

۲ـ مردار حیوانی که خون جهنده دارد، اجزاء بی‌روح آن مانند؛ مو و شاخ، پاک و اجزاء روح‌دارش مانند گوشت و پوست، نجس است.[1]



احکام خون

۱ـ خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است، مانند مرغ و گوسفند.

۲ـ خون حیوانی که خون جهنده ندارد پاک است، مانند ماهی و پشه.

۳ـ خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می‌شود نجس نیست، ولی بنابر احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کرد و اگر خون را با زردهٔ تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود، خوردن زرده هم مانعی ندارد.*

۴ـ خونی که از لای دندان (لثه) می‌آید، اگربا آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.[2]

۱. العروة الوثقی -ج ۱ص۵۸؛ الرابع - تحریرالوسیله ج ۱ص۱۱۵، الرابع.

* (سایر مراجع) بنابر احتیاط واجب، از تخم مرغی که ذرّه‌ای خون در آن است باید اجتناب کرد. ولی اگر خون در زرده باشد، تا پوست نازک روی آن پاره نشده، سفیده پاک می‌باشد. (مسألهٔ ۹۹)

۲. توضیح المسائل -م ۹۶ و ۹۸ تا ۱۰۱.

خلاصه درس ۳

۱ ـ برای خواندن نماز باید بدن و لباس نمازگزار پاک باشد.

۲ ـ در عالَم همه چیز پاک است بجز یازده چیز.

۳ ـ انسان مرده اگر شهید در معرکه نباشد و او را غسل نداده باشند نجس است، بجز اجزاء بی‌روح بدن او.

۴ ـ مردار سگ و خوک و اجزاء روح‌دار مردار حیوانهائی که خون جهنده دارند نجس است.

۵ ـ مردار حیوانهائی که خون جهنده ندارند و همچنین اجزاء بی‌روح مردار حیوانهای خون جهنده‌دار پاک است.

۶ ـ حیوانهائی که خون جهنده دارند، خون آنها هم نجس است.

۷ ـ خون در تخم مرغ نجس نیست ولی بنابر احتیاط واجب باید از خوردن آن خودداری کرد، مگر به قدری کم باشد که وقتی با زرده بهم زده شود از بین برود.

۸ ـ خونی که از لای دندانها می‌آید، اگر با آب دهان مخلوط شود و از بین برود پاک است و فرو بردن آب دهان اشکال ندارد.

؟ پرسش:

۱ ـ مار و عقرب و قورباغه مرده چه حکمی دارد؟

۲ ـ سرگین الاغ و فضلهٔ کلاغ چه حکمی دارد؟

۳ ـ خونی که هنگام مسواک زدن در دهان مشاهده می‌شود چه حکمی دارد؟

۴ ـ کدام انسان از دنیا رفته‌ای بدنش پاک است؟

۵ ـ آیا از پشم گوسفند مرده می‌توان استفاده کرد؟

درس ۴

چگونه چیز پاکی نجس می‌شود؟

در درس پیش بیان شد که در عالَم، همه چیز پاک است، مگر برخی از آنها، ولی، چیزهای پاک هم ممکن است با برخورد با ناپاکیها نجس شود، در صورتی که یکی از آن دو (چیز پاک یا نجس) طوری تر باشد که رطوبت یکی از آن دو به دیگری برسد.[۱]

۱ ـ اگر چیز پاکی به نجسی برخورد کند و یکی از آن دو طوری تر باشد که رطوبت یکی به دیگری برسد، چیز پاک نجس می‌شود.

۲ ـ در موارد زیر حکم به پاکی می‌شود.

* نداند پاک و نجس به هم برخورد کرده‌اند یا نه.
* نداند چیز پاک و نجس مرطوب بوده‌اند یا نه.
* نداند رطوبت یکی به دیگری سرایت کرده است یا نه.[۲]

چند مسئله:

۱ ـ اگر انسان نداند چیز پاکی نجس شده یا نه؟ پاک است و جستجو و وارسی

۱ ـ توضیح المسائل ـ م ۱۲۵

۲ ـ توضیح المسائل ـ م ۱۲۶؛ و العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۹، م ۱.

هم لازم نیست، هر چند بتواند نجس‌بودن یا پاک بودن آن را بفهمد.[۱]

۲ـ خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.[۲]

۳ـ اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می‌خورد، یا با لباس نجس نماز می‌خواند، لازم نیست به او بگوید.[۳]

مُطهِّـرات (پاک کننده‌ها)

چگونه چیز نجس پاک می‌شود؟

همهٔ اشیاء نجس پاک می‌شود و عمدهٔ پاک کننده‌ها عبارتند از:

۱ـ آب

۲ـ زمین

۳ـ آفتاب

۴ـ اسلام

۵ـ برطرف شدن نجاست[۴]

آب، بسیاری از چیزهای نجس را پاک می‌کند امّا اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای یادگرفتنِ بهترِ مسائل مربوط به آنِ کمک می‌کند.

اقسام آبها
- ۱ـ مُضاف ـ شربت
- ۲ـ مُطلق
  - ۱ـ آب چاه
  - ۲ـ آب جاری
  - ۳ـ آب باران
  - ۴ـ آب راکد:
    - کُر
    - قلیل

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۱۲۳.
۲. توضیح‌المسائل ـ م ۱۴۱.
۳ـ توضیح المسائل ـ م ۱۴۳.
۴. توضیح‌المسائل ـ م ۱۴۸.

آب مضاف: آبی است که یا ازچیزی گرفته باشند (مانند آب سیب و هندوانه) و یا با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که به آن، آب نگویند مانند شربت.

آب مطلق: آبی است که مضاف نباشد.

احکام آب مضاف

۱ ـ چیز نجس را پاک نمی‌کند (از مطهرات نمی‌باشد).

۲ ـ با برخورد نجاست نجس می‌شود، هر چند نجاست کم باشد و بو یا رنگ یا مزه آب عوض نشود.

۳ ـ وضو و غسل با آن باطل است.[1]

اقسام آب مطلق

آب یا از زمین می‌جوشد.

و یا از آسمان می‌بارد.

و یا نه می‌جوشد و نه می‌بارد.

به آبی که از آسمان ببارد «باران» گویند.

و به آبی که از زمین می‌جوشد، اگر جریان داشته باشد «آب جاری» گویند و اگر بدون جریان باشد، «آب چاه» گویند.

آبی که از زمین نمی‌جوشد و از آسمان نمی‌بارد، «آب راکد» است.

«آب راکد» اگر مقدار آن زیاد باشد، «کر» و اگر کم باشد «قلیل» است.

مقدار کُر:[2] ـ حجم: ۴۲/۸۷۵ وجب، مقدار آبی که اگر در ظرفی که درازا و پهناوگودی آن هریک حداقل ۳/۵ وجب باشد بریزند پر شود، به‌مقدار کر است.*

وزن: ۳۷۷/۴۱۹ کیلوگرم.

۱ ـ توضیح المسائل، م ۴۷ ـ ۴۸.

۲ . تحریرالوسیله ـ ج ۱ ص ۱۴، م ۱۴؛ توضیح‌المسائل ـ م ۱۶.

* (خوئی) اگر طول و عرض و ارتفاع آن سه وجب باشد، کُر است. (مسألهٔ ۹۶)

مقدار آب قلیل: آبی که از کر کمتر باشد قلیل است.

تنها آب مطلق، آلودگیها را پاک می‌کند. گرچه ممکن است آب مضاف چیز کثیفی را تمیز کند ولی هرگز نجس را پاک نمی‌کند.

در درس آینده، با احکام آبهای مطلق و چگونگی تطهیر با آنها آشنا می‌شویم.

خلاصه درس ٤

۱ ـ مطهّرات همهٔ نجاسات را پاک می‌کنند، یعنی چیز نجسی نیست که پاک نشود.

۲ ـ عمدهٔ مطهرات عبارت است از: آب، زمین، آفتاب، اسلام، برطرف شدن نجاست.

۳ ـ از جمله مطهرات آب است و آن هم آب مطلق نه مضاف.

۴ ـ آبی که از زمین می‌جوشد و جریان دارد «جاری» است. آبی که از زمین می‌جوشد ولی جاری نمی‌شود، «آب چاه» نام دارد.

آبی که نه می‌جوشد و نه می‌بارد، راکد است، آب راکد اگر زیاد باشد، «کر» و اگر کم باشد «قلیل» نام دارد.

۵ ـ اگر وزن آب به ۳۷۷/۴۱۹ کیلوگرم برسد «کر» است.

؟ پرسش:

۱ ـ فرق بین آب مطلق و مضاف چیست؟

۲ ـ فرق بین آب چاه با جاری چیست؟

۳ ـ برکهٔ آبی که طول آن ۲۵ وجب و عرض آن ۵ وجب و عمق آب یک وجب است، محاسبه فرمائید آیا کر است یا نه؟

۴ ـ شخصی پای مرطوب بر فرش نجس گذاشته است ولی نمی‌داند رطوبت پایش به فرش سرایت کرده است یا نه؟ آیا پایش نجس است؟

درس ۵

احکام آبها

آب قلیل:

۱ ـ آب قلیل با برخورد نجاست نجس می‌شود (روی چیز نجس ریخته شود یا چیز نجس به آن برسد).[۱]

۲ ـ اگر آب کر یا جاری به آب قلیلِ نجس، متصل و با آن مخلوط شود پاک می‌گردد. (مثلاً ظرف آب قلیلی که نجس شده زیر شیر آبی که به منبع کر متصل می‌باشد گذاشته و آب را بر آن بازکرده و با آن مخلوط شود*).[۲]

آب کر ـ جاری ـ چاه:

۱ ـ تمام اقسام آبهای مطلق بجز آب قلیل تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می‌شود (بنابراین، آب جاری، چاه، کر و حتّی باران در این حکم مشترکند).[۳]

---

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۲۶.

* در تطهیر آب شرط است که بو یا رنگ یا مزه نجاست نداشته باشد. و چنانچه بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته است، باید به قدری با آب کر یا جاری مخلوط شود که بو و رنگ و مزه نجاست از بین برود.

۲. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۱۴، م ۱۱.

۳. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۱۳، م ۴.

۲ ـ آب لوله‌های عمارات که متصل به منبع کر می‌باشد در حکم آب کر است.[۱]

برخی از خصوصیات آب باران:

۱ ـ اگر بر چیز نجسی که عینِ نجس* در آن نیست یکبار ببارد پاک می‌شود.

۲ ـ اگر بر فرش و لباس نجس ببارد پاک می‌شود و فشار لازم ندارد.**

۳ ـ اگر بر زمین نجس ببارد پاک می‌شود.

۴ ـ هرگاه باران در جائی جمع شود، اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه تا موقعی که باران می‌بارد چیز نجسی را در آن بشویند، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته، پاک است.[۲]

احکام شک در آب:

۱ ـ مقدار آبی که معلوم نیست کر است یا نه؟ با برخورد نجاست نجس نمی‌شود، اما سایر احکام آب کر را ندارد.

۲ ـ مقدار آبی که قبلاً کر بوده و شک در آن است که قلیل شده یا نه؟ حکم آب کر را دارد.

۳ ـ آبی که معلوم نیست، پاک است یا نجس؟ پاک می‌باشد.

۴ ـ آبی که پاک بوده و شک در آن است که نجس شده یا نه؟ حکم آب پاک را دارد.

۵ ـ آبی که نجس بوده ولی معلوم نیست پاک شده یا نه؟ حکم آب نجس را دارد.

۶ ـ آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده است یا نه؟ حکم آب مطلق را

---

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۳۵.

* عین نجس چیزی است که خودبخود نجس است مانند بول و خون.

** در صفحهٔ ۳۸ خواهد آمد، که در شستن فرش و لباس و مانند آن بعد از هر مرتبه شستن باید آن را فشار داد تا آبهای داخل آن بیرون آید.

۲. توضیح المسائل ـ م ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۲.

دارد.[1]

چگونگی تطهیر اشیاء نجس با آب:

آب، مایه زندگی و پاک کنندهٔ بیشترین نجاسات است و از جمله مطهراتی است که همه روزه تمام افراد با آن سروکار دارند. اینک چگونگی تطهیر چیزهای نجس با آن را فرا می‌گیریم.

تطهیراشیاءنجس:[2]

- ۱ ـ ظرف
  - ۱ ـ با آب کر: یک مرتبه
  - ۲ ـ با آب قلیل: سه مرتبه
- ۲ ـ غیر ظرف
  - ۱ ـ به بول نجس شده
    - ۱ ـ با آب کر: یک مرتبه *
    - ۲ ـ با آب قلیل: دو مرتبه
  - ۲ ـ به غیر بول نجس شده
    - ۱ ـ با آب کر: یک مرتبه
    - ۲ ـ با آب قلیل: یک مرتبه

توضیح:

الف: برای تطهیر اشیاء نجس، ابتدا باید عین نجس را برطرف کرده سپس به همان تعداد که در نمودار آمده است آن‌را آبکشید. مثلاً، ظرف نجس را بعد از برطرف کردن آلودگی اگر یک مرتبه در آب کر بشویند کافی است.

۱. العروة‌الوثقی ـ ج ۱ص۴۹؛ تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۱۵، م ۱۵.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۵۰ ـ ۱۵۹ ـ ۱۶۰.

* (خویی) اگر لباس و مانند آن به بول نجس شده باشد درکُر نیز دو مرتبه شستن لازم است. (مسأله ۱۶۰)

ب: فرش و لباس و چیزهایی مانند فرش و لباس که آب را به خود می‌گیرد و قابل فشردن است چنانچه با آب قلیل تطهیر می‌کنند باید بعد از هر بار شستن، آن را فشرده تا آبهای داخل آن بیرون آید و یا به گونه‌ای دیگر آب آن گرفته شود و در آب کر و جاری هم احتیاط واجب آن است که آب داخل آن گرفته شود.*

ج: آب جاری و چاه در احکامی که برای تطهیر اشیاء نجس بیان شد مانند آب کر است.

مسأله:

ظرف نجس را می‌توان این گونه آب کشید:

با آب کر: یک بار آن را در آب برده و بیرون آورند.

با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده و خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن ریخته و هر مرتبه آب را به طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.

خلاصه درس ۵

۱ ـ آب قلیل با برخورد نجاست نجس می‌شود.

۲ ـ آب کر، جاری، چاه و باران، اگر بر اثر برخورد با نجاست بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می‌شود.

۳ ـ آبهائی که در حکم آب کر است تا زمانی که بو یا رنگ یا مزهٔ نجاست نگرفته است پاک می‌باشد.

۴ ـ آب باران پاک کننده است و در فرش و لباس فشار لازم ندارد و تا بو یا رنگ یا مزهٔ نجاست نگرفته است پاک می‌باشد.

۵ ـ آبی که معلوم نیست، کر است یا نه؟ با برخورد نجاست نجس نمی‌شود.

۶ ـ آبی که معلوم نیست پاک است یا نه؟ حکم آب پاک را دارد.

---

* (خوئی) فشردن آن لازم است. (اراکی، گلپایگانی) در آب کُر فشار لازم نیست. (مسألهٔ ۱۶۱)

۷ـ آبی که معلوم نیست مطلق‌است یا مضاف، حکم آب مطلق را دارد.

۸ـ همهٔ چیزهای نجس (بجز ظروف) با یک مرتبه شستن پاک می‌شود، مگر آنکه به بول نجس شده باشد که در این صورت با آب قلیل باید دو بار شسته شود.

۹ـ در تطهیر فرش و لباس و مانند آن پس از هر بار شستن باید آن را فشرد، یا به گونه‌ای دیگر آبهای داخل آن را گرفت.

؟ پرسش:

۱ـ آب کر چگونه نجس می‌شود؟

۲ـ آیا آب باران که در یک جا جمع شده است و هم اکنون باران بر آن نمی‌بارد حکم آب باران را دارد؟

۳ـ اگر منبع آبی که بیشتر از کر ظرفیت داشته، شک کنیم که آب موجود در آن کر است یا نه؟ چه حکمی دارد؟

۴ـ لباسی که به خون نجس شده با آب قلیل یا در جوی آب چگونه باید آب کشید؟

درس ۶

کیفیّت آب کشیدن زمین نجس

تطهیر زمین[1]

- ۱ - با آب کر: ابتدا آلودگی را برطرف کرده، سپس آب کر یا جاری بر آن گرفته، به مقداری که تمام جاهای نجس را فراگیرد.
- ۲ - با آب قلیل
  - ۱ - زمین به گونه‌ای است که آب بر آن جاری نمی‌شود (به اصطلاح آب را به‌خود گرفته و می‌خورد): با آب قلیل پاک نمی‌شود.*
  - ۲ - آب بر زمین جاری می‌شود: جائی که آب جاری شده، پاک می‌شود.

مسأله ۱ - دیوار نجس هم مانند زمین نجس تطهیر می‌شود.[2]

---

۱ - توضیح‌المسائل، م ۱۷۹ - ۱۸۰.

* (اراکی) روی زمین پاک می‌شود (مسألهٔ ۱۷۸)؛ (خوئی) پاک می‌شود. (مسألهٔ ۱۸۰)

۲ - توضیح المسائل، م ۱۸۰.

مسأله ۲ ـ هنگام تطهیر زمین، اگر آبها جاری شده و به داخل چاه می‌رود یا از آن محل بیرون می‌رود، تمام جاهائی که آب جاری شده، پاک می‌شود.

زمیـــن

۱ ـ اگر کف پا یا کف کفش، هنگام راه‌رفتن، نجس شود، و به سبب تماس با زمین، آلودگی‌ها برطرف گردد، پاک می‌شود. پس زمین، فقط پاک کنندهٔ کف پا و کف کفش است، آنهم با این شرایط:

* زمین پاک باشد.
* زمین خشک باشد، (تر نباشد).
* زمینی پاک کننده است که خاک، شن، سنگ، آجر فرش و مانند اینها باشد.[1]

مسأله: اگر بر اثر تماس ته کفش یا کف پا با زمین، نجاست برطرف شود پاک می‌گردد، ولی بهتر است حداقل پانزده قدم راه برود.[2]

آفـتـــاب

آفتاب هم با شرائطی که خواهد آمد، این اشیاء را پاک می‌کند.

* زمین.
* ساختمان و چیزهائی که در آن بکار رفته است، مانند در و پنجره.
* درخت و گیاه.[3]

شرایط مُطهّر بودن آفتاب

* چیز نجس تر باشد به قدری که اگر چیزی به آن برسد تر شود.
* با تابش آفتاب خشک شود، اگر مرطوب بماند، پاک نشده است.

---

۱. توضیح‌المسائل، مسأله ۱۸۳ ، ۱۹۲ .
۲. العروة‌الوثقی، ج ۱ ، ص ۱۲۵ .
۳. العروة‌الوثقی، ج ۱ ، ص ۱۲۹ ، و تحریرالوسیله، ج ۱ ، ص ۱۳۰ .

* چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آنکه رقیق و نازک باشد و از تابش آفتاب جلوگیری نکند.

* آفتاب، به تنهائی آن را خشک کند، مثلاً به کمک باد خشک نشود.

* هنگام تابش آفتاب، عین نجاست* در آن نباشد، پس اگر عین نجاست هست، پیش از تابش آفتاب برطرف کنند.

* قسمت بیرون و درون دیوار یا زمین را یکباره خشک کند، پس اگر روی آن امروز خشک شود و درون آن فردا، تنها روی آن پاک می‌شود.

مسأله: اگر زمین و مانند آن نجس باشد، ولی رطوبتی نداشته باشد، می‌توان مقداری آب، یا چیز دیگری که سبب مرطوب شدن آن بشود، بر آن ریخته و سپس آفتاب بتابد و آن را پاک کند.[1]

اسلام

اگر کافر، شهادتین را بگوید، مسلمان می‌شود و با اسلام، تمام بدن او پاک می‌گردد؛ یعنی بگوید:

«اَشهَدُ اَنْ لااِلهَ اِلاّ الله، وَ اَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رسولُ الله».[2]

برطرف شدن عین نجاست

در دو مورد، با برطرف شدن آلودگی، چیز نجس پاک می‌شود و نیازی به آب کشیدن ندارد.

الف: بدن حیوان، مثلاً منقار مرغی که غذای نجس خورده است، هنگامی که نجاست برطرف شود پاک است.

ب: باطن بدن انسان، مانند داخل دهان و بینی و گوش، مثلاً اگر هنگام مسواک

---

۱. العروةالوثقی، ج ۱، ص ۱۲۹ تا ۱۳۱ و تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۳۰.

* آنچه خودبخود نجس است مانند خون «عین نجاست» است.

۲. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۳۱ و توضیح المسائل، م ۲۰۷.

کردن، از لثه‌ها خون بیاید، وقتی که آب دهان رنگ خون نداشته باشد، پاک است و آب کشیدن داخل دهان لازم نیست.[۱]

خلاصهٔ درس ۶

۱ـ زمینی که آب بر آن جاری نمی‌شود با آب قلیل پاک نمی‌گردد.

۲ـ اگر زمینی را با آب قلیل تطهیر کنند، جائی که آب جاری شده، پاک است و جائی که آب جمع شده، نجس است.

۳ـ کف پا و ته کفش نجس، اگر بر اثر راه رفتن بر زمین، آلودگیش برطرف گردد، پاک می‌گردد.

۴ـ آفتاب، با شرائطی، زمین و ساختمان و درخت و گیاه را پاک می‌کند.

۵ـ اگر کافر مسلمان شود، پاک می‌شود.

۶ـ داخل دهان و بینی، با برطرف شدن نجاست پاک می‌شود و نیاز به آب کشیدن ندارد.

؟ پرسش:

۱ـ قسمتی از دیوار منزل، نجس شده است، توضیح دهید چگونه می‌توان آن را تطهیر کرد.

۲ـ کف کفشی که به گِلِ نجس آلوده شده است، با راه رفتن، چه وقت پاک می‌شود؟

۳ـ آیا آفتاب، چوب و گندم و برنج را پاک می‌کند؟

۴ـ آیا اگر کافر، شهادتین را به فارسی یا انگلیسی بگوید، پاک می‌شود؟

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۶، ۲۱۷.

درس ۷

وضـــو

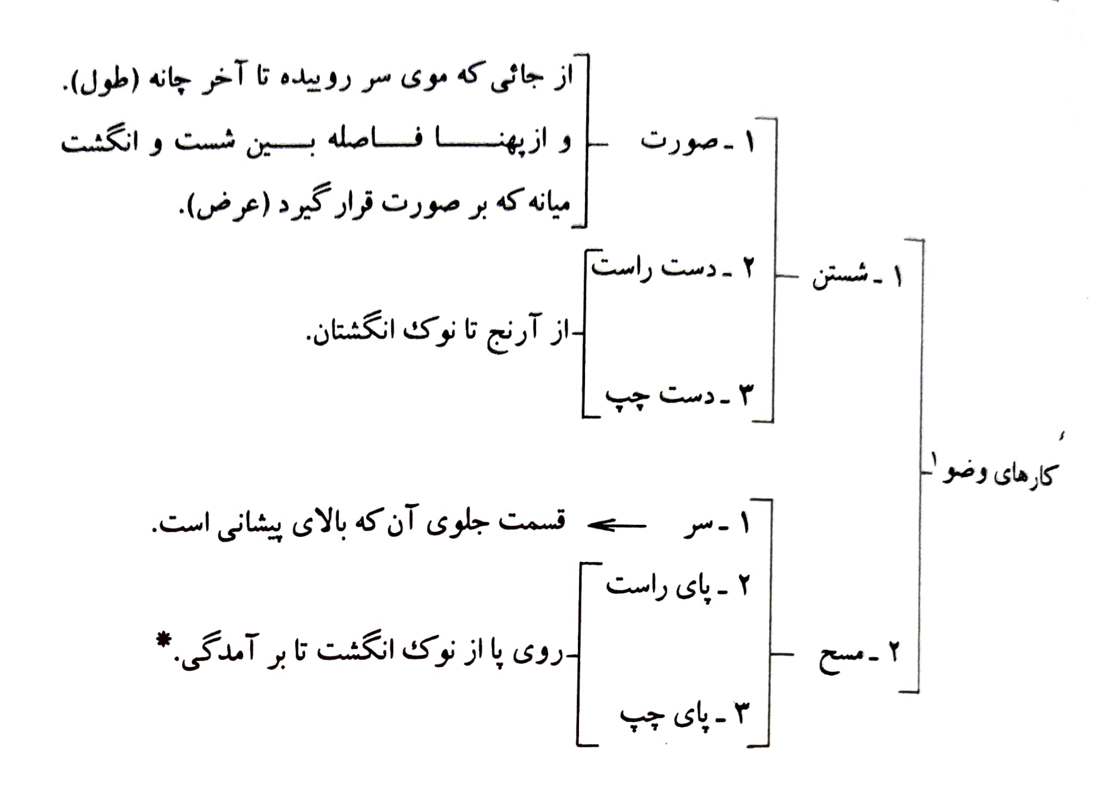
پس از فراگیری اوّلین مقدمهٔ نماز، یعنی پاک کردن بدن و لباس از آلودگیها به بیان دومین مقدمه که «وضو» است می‌پردازیم.

نمازگزار باید قبل از انجام نماز، وضو گرفته و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند.

در برخی از موارد هم باید «غُسل» کند، یعنی؛ تمام بدن را بشوید و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن عملِ دیگری به نام «تیمّم» انجام دهد که در این درس و درسهای آینده با احکام هریک آشنا خواهید شد.

چگونگی وضو

در وضو باید ابتدا صورت را بشوید و سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را، بعد از شستن این اعضا باید با رطوبتی که از شستن دست بر کف آن است سر را مسح کند یعنی دست را بر آن بکشد و سپس پای راست و در آخر پای چپ را مسح کند، اکنون برای آشنایی بیشتر با اعمال وضو به نمودار صفحهٔ بعد توجه کنید:



توضیح اعمال وضو

شستن

۱ ـ مقدار واجب در شستن صورت و دستها، همان است که گذشت، ولی برای آنکه یقین کند مقدار واجب را شسته، باید کمی اطراف آن را هم بشوید.[۲]

۲ ـ بنا بر احتیاط واجب،** باید صورت و دستها را از بالا به پائین شست و اگر از پائین به بالا بشوید وضو باطل است.[۳]

---

۱. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۲۱، م ۱.

* (سایر مراجع) احتیاط واجب آن است که تا مفصل را هم مسح کند. (مسألهٔ ۲۵۸)

۲. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۲۱، م ۱ و ۲.

** (سایر مراجع) باید از بالا به پائین بشوید. (مسألهٔ ۲۴۹)

۳. توضیح‌المسائل ـ م ۲۴۳.

مسح

مسح سر

۱ـ جای مسح: یک قسمت از چهار قسمت سر که بالای پیشانی است (بالای سر).

۲ـ مقدار واجب مسح: هر قدر باشد کافی است (به مقداری که اگر کسی ببیند بگوید مسح کرد).

۳ـ مقدار مستحب آن: به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت.

۴ـ مسح با دست چپ: جایز است.*

۵ـ لازم نیست مسح برپوست سرباشد، بلکه بر موی جلوی سرهم صحیح است، مگر موی سربه قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، به صورتش بریزد، که باید، پوست سر یا قسمت پائین (بیخ) مو را مسح نماید.

۶ـ مسح بر موی جاهای دیگر سر صحیح نیست، هر چند بر محل مسح جمع شده باشد.[1]

مسح پا

۱ـ جای مسح: روی پا است.

۲ـ مقدار واجب مسح: طول؛ از سرانگشت تا بر آمدگی روی پا.** عرض؛ هر اندازه باشد کافی است هر چند به قدر یک انگشت باشد.

۳ـ مقدار مستحب مسح: همه روی پا.

۴ـ پای راست را باید قبل از پای چپ مسح کند،*** ولی لازم نیست پای راست

---

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۷ و تحریرالوسیله ـ ج ۱ ص۲۳، م ۱۴.

* (سایر مراجع) بنابر احتیاط واجب باید با دست راست مسح کند. (مسألهٔ ۲۵۵)

** (سایر مراجع) احتیاط واجب آن است که تا مفصل را هم مسح کند. (مسألهٔ ۲۴۹)

*** (گلپایگانی ـ اراکی) باید پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند؛ (خوئی) بنابر احتیاط پای چپ را بعد از پای راست مسح کند. (شرایط وضو، شرط نهم)

را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کند.[1]

مسائل مشترک مسح سر و پا

۱ـ در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر دست را نگه دارد، و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.[2]

۲ـ اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب خارج تر کند بلکه باید از اعضاء دیگرِ وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند.[3]

۳ـ رطوبت دست باید بقدری باشد که بر سر و پا اثر بگذارد.[4]

۴ـ محل مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد، بنابراین اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد ولی اگر رطوبت آن بقدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست، بر آن نباشد مانع ندارد.[5]

۵ـ بین دست و سر یا پاها باید چیزی مانند چادر و کلاه، یا جوراب و کفش فاصله نباشد. هر چند بسیار رقیق و نازک باشد و رطوبت به پوست برسد (مگر در حال ناچاری).[6]

۶ـ محل مسح باید پاک باشد، پس اگر نجس است و نمی‌تواند آن را آب بکشد باید تیمم کند.[7]

---

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۲۵۲ و ۲۵۳ و العروة‌الوثقی ـ ج ۱ص۲۰۹.
۲. توضیح‌المسائل . م ۲۵۵.
۳. توضیح‌المسائل ـ م ۲۵۷.
۴. العروة‌الوثقی ـ ج ۱ص۲۱۲، م ۲۶.
۵. العروة‌الوثقی ـ ج ۱ص۲۱۲، م ۲۶.
۶. العروة‌الوثقی ـ ج ۱ص۲۱۲، م ۲۷.
۷. توضیح‌المسائل ـ م ۲۶۰.

خلاصه درس ۷

۱ـ وضو عبارت است از شستن صورت و دستها و مسح سر و پا، با شرائطی که خواهد آمد.

۲ـ بنا بر احتیاط واجب صورت و دستها باید از بالا به پائین شسته شود.

۳ـ در وضو پس از شستن صورت و دستها، باید جلوی سر و روی پاها را مسح کرد.

۴ـ مقدار واجب مسح سر بقدری است که بگویند سر را مسح کرد.

۵ـ مسح سر باید بر قسمت جلوی سر که بالای پیشانی است باشد.

۶ـ مسح پا هر اندازه باشد کافی است، هر چند یک انگشت، ولی از نظر طول باید از نوک انگشت تا برآمدگی روی پا مسح شود.

۷ـ در مسح باید:

* دست بر محل مسح کشیده شود.
* محل مسح پاک باشد.
* چیزی بین دست و جائی که مسح می‌کند فاصله نشود.

؟ پرسش:

۱ـ اعمال وضو را بر شمارید.

۲ـ فردی که موهای یک طرف سر را بر قسمت جلوی آن شانه کرده وظیفه‌اش نسبت به مسح سر چیست؟

۳ـ چهار مسأله از مسایلی را که در مسح سر و پاها مشترک است بیان کنید.

۴ـ آیا در حال راه رفتن می‌توان سر را مسح کرد؟

۵ـ آیا در سرمای شدید می‌توان بر جوراب یا کفش مسح کرد؟

۶ـ مقدار واجب و مستحب مسح سر و پاها را بیان کنید.

درس ۸

شرایط وضو

با شرائطی که خواهد آمد وضو صحیح است، و با از بین رفتن هر یک از آنها وضو باطل است.

- شرایط وضو
  - ۱ ـ شرایط آب وظرف وضو
    - ۱ ـ آب وضو پاک باشد (نجس نباشد).
    - ۲ ـ آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد).*
    - ۳ ـ آب وضو مطلق باشد (مضاف نباشد).
    - ۴ ـ ظرف آب وضو مباح باشد.
    - ۵ ـ ظرف آب وضو طلا ونقره نباشد.
  - ۲ ـ شرایط اعضای وضو
    - ۱ ـ پاک باشد.
    - ۲ ـ مانعی از رسیدن آب در آن نباشد.
  - ۳ ـ شرایط کیفیت وضو
    - ۱ ـ رعایت ترتیب (به همان ترتیب که در اعمال وضو گذشت).
    - ۲ ـ رعایت موالات (بین اعمال وضو فاصله نیفتد).
    - ۳ ـ شخصاً انجام دهد (از دیگری کمک نگیرد).
  - ۴ ـ شرایط وضو گیرنده
    - ۱ ـ استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.
    - ۲ ـ با قصد قربت وضو بگیرد (ریا نکند).

* (سایر مراجع) آب وضو و فضائی که در آن وضو می‌گیرد نیز مباح باشد. (بعد از مسألهٔ ۲۷۲، شرط سوّم)

شرایط آب وضو و ظرف آن

۱ـ وضو با آب نجس و مضاف باطل است، خواه بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند، یا فراموش کرده باشد.[۱]

۲ـ آب وضو باید مباح باشد، بنابر این در موارد زیر وضو باطل است:

* وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست (راضی نبودن او معلوم است).
* آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه.
* آبی که وقف افراد خاصی است، مانند حوض برخی از مدارس و وضوخانهٔ بعضی از هتلها و مسافرخانه‌ها و...[۲]

۳ـ وضو گرفتن از نهرهای بزرگ، گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه اشکال ندارد، امّا اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که وضو نگیرند.[۳]

۴ـ اگر آب وضو در ظرف غصبی باشد و با آن وضو بگیرد باطل است.[۴]

شرایط اعضای وضو

۱ـ اعضای وضو در موقع شستن و مسح باید پاک باشد.[۵]

۲ـ اگر چیزی بر اعضای وضو باشد (اعضای شستن) که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند، یا بر اعضای مسح است، هر چند از رسیدن آب جلوگیری نکند، برای وضو باید برطرف شود.[۶]

۳ـ خطوط قلم خودکار و لکه‌های رنگ و چربی و کِرِمْ در صورتی که رنگ

---

۱. توضیح‌المسائل ـ ۲۶۵.
۲. العروةالوثقی ـ ج ۱ص۲۲۵، م ۶، ۷، ۸ و توضیح‌المسائل ـ م ۲۶۷ تا ۲۷۲.
۳. توضیح‌المسائل، مسأله ۲۷۱.
۴. توضیح‌المسائل ـ شرایط وضو ـ شرط چهارم.
۵. توضیح‌المسائل ـ ص ۳۵، شرط ششم.
۶. توضیح‌المسائل ـ ص ۳۷، شرط سیزدهم و مسألهٔ ۲۵۹.

بدون جِرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جِرم داشته باشد (روی پوست را گرفته) باید بر طرف شود.[1]

شرایط کیفیت وضو

▣ ترتیب[2]

کارهای وضو بدین ترتیب باید انجام شود:

* شستن صورت
* شستن دست راست
* شستن دست چپ
* مسح سر
* مسح پای راست
* مسح پای چپ

اگر ترتیب اعمال وضو بهم بخورد وضو باطل است، حتی اگر پای چپ و راست را همزمان مسح کند.*

▣ مُوالات

۱ ـ موالات یعنی؛ پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.

۲ ـ اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است.[3]

▣ از دیگران کمک نگیرد

۱ ـ کسی که می‌تواند اعمال وضو را انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر شخص دیگری صورت و دست او را بشوید و یا مسح او را انجام دهد وضو باطل

---

۱. استفتاآت ـ ج ۱ص۳۶ و ۳۷، س ۴۰ تا ۴۵.
۲. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۲۸.
* پاورقی ص۴۶را نگاه کنید.
۳. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۲۸،م۱۵ و توضیح‌المسائل ـ م ۲۸۳.

است.[۱]

۲ ـ کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید نائب بگیرد که او را وضو دهد و چنانچه مزد هم بخواهد، در صورتی که بتواند باید بدهد، ولی خود او باید نیّت وضو کند.[۲]

شرایط وضوگیرنده:

۱ ـ کسی که می‌داند اگر وضو بگیرد مریض می‌شود و یا می‌ترسد که مریض شود، باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد باطل است. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است.[۳]*

۲ ـ وضو، باید به قصد قربت انجام شود، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد.[۴]

۳ ـ لازم نیست نیّت رابه زبان آورد، یا از قلب خود بگذراند، بلکه همین مقدار که می‌داند وضو می‌گیرد کافی است، بطوری که اگر از او بپرسند، چه می‌کنی؟ بگوید وضو می‌گیرم.[۵]

مسأله:

اگر وقت نماز به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن، بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند.[۶]

---

۱. العروة‌الوثقی ـ ج ۱ص۲۳۴.
۲. توضیح‌المسائل ـ م ۲۸۶.
۳. العروة‌الوثقی ـ م ج ۱ص ۲۳۲ ـ توضیح‌المسائل ـ م ۲۸۸ و ۶۷۲.
* (خوئی) اگر بعد از وضو بفهمد ضرر داشته و ضرر به حدی که شرعاً حرام است نبوده، وضویش صحیح است؛ (گلپایگانی) اگر بعد از وضو بفهمد ضرر داشته، احتیاط واجب آن است که علاوه بر وضو، تیمم نیز بنماید. (مسألهٔ ۲۹۴)
۴. توضیح المسائل، ص ۳۱، شرط هشتم.
۵. توضیح المسائل، م ۲۸۲.
۶. توضیح المسائل، م ۲۸۰.

خلاصه درس ۸

۱ـ آب وضو باید پاک، مطلق و مباح باشد، و وضوگرفتن با آب نجس و مضاف در هر حال باطل است، چه مضاف یا نجس بودن آن را بداند یا نداند.

۲ـ وضوگرفتن با آب غصبی، اگر بداند غصبی است باطل است.

۳ـ اگر اعضاء وضو نجس باشد، وضو باطل است همچنین اگر مانعی در آن باشد که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند.

۴ـ اگر ترتیب و موالات در وضو از بین برود وضو باطل است.

۵ـ کسی که می‌تواند وضو بگیرد نباید در شستن و مسح از دیگران کمک بگیرد.

۶ـ وضو باید برای انجام فرمان خداوند عالم انجام شود.

۷ـ اگر انسان بخواهد وضو بگیرد تمام نماز یا قسمتی از آن خارج وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند.

؟ پرسش:

۱ـ وضوگرفتن از وضوخانهٔ مؤسسات دولتی برای غیر کارمندان آن مؤسسه چه حکمی دارد؟

۲ـ وضوگرفتن با آب منبع یا آبسردکنی که مخصوص نوشیدن است چه حکمی دارد؟

۳ـ کسی که خودش نمی‌تواند وضو بگیرد وظیفه‌اش چیست؟

۴ـ قصد قربت در وضو را توضیح دهید.

۵ـ فرق بین ترتیب و موالات در وضو چیست؟

درس ۹

وضوی جَبیره‌ای

تعریف جبیره: دوائی که بر زخم می‌زنند و چیزی که با آن زخم را می‌بندند، «جَبیره» نام دارد.

۱ ـ شخصی که بر اعضای وضویش، زخم یا شکستگی است اگر بتواند بطور معمول وضو بگیرد، باید بطور معمول وضو بگیرد.[۱]

مثلاً؛

الف: روی زخم باز است و آب برای آن ضرر ندارد.

ب: روی زخم بسته است ولی باز کردن آن امکان دارد و آب ضرر ندارد.

۲ ـ چنانچه زخم بر صورت یا دستهاست و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد،* اگر اطراف آن را بشوید کافی است.[۲]

۳ ـ اگر زخم یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها است (محل مسح) و روی آن

---

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۳۲۴ ـ ۳۲۵.

۲. همان.

* (اراکی) چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، دست تر بر آن بکشد و اگر ممکن نیست، پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر بر پارچه بکشد، و اگر این مقدار هم ضرر دارد و یا زخم نجس است و نمی‌شود آب کشید، باید اطراف زخم را از بالا به پائین بشوید و بنابر احتیاط واجب باید تیمم هم بنماید؛ (گلپایگانی) باید دست تر روی آن بکشد و اگر این هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی‌شود آب کشید باید اطراف زخم را از بالا به پائین بشوید و کافی است. (مسألهٔ ۳۳۱)

باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچهٔ پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده، مسح کند.*[۱]

کیفیت انجام وضوی جبیره‌ای

در وضوی جبیره‌ای، باید جاهائی که شستن یا مسح آن امکان دارد به طور معمول بشوید یا مسح کند، و مواردی که امکان ندارد، دست‌تر بر جبیره بکشد.

چند مسئله:

۱ ـ اگر جبیره بیش از حد معمول اطراف زخم را پوشانده باشد، و برداشتن آن ممکن نیست باید** وضوی جبیره‌ای گرفته و بنابر احتیاط واجب تیمم هم انجام دهد.[۲]

۲ ـ کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای است یا تیمم بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را انجام دهد.[۳]

۳ ـ اگر جبیره، تمام صورت یا تمام یکی از دست‌ها را فراگرفته باشد، وضوی جبیره‌ای کافی است.[۴]***

۴ ـ کسی که در کف دست و انگشتها جبیره دارد و در موقع وضو، دست تر روی آن کشیده است، می‌تواند**** سر و پا را با همان رطوبت مسح کند، یا از جاهای دیگر

---

۱. توضیح المسائل ـ م ۳۲۶.

* (گلپایگانی) و بنابر احتیاط لازم تیمم هم بنماید؛ (خوئی) باید تیمم کند و بنابر احتیاط وضوی جبیره‌ای هم بگیرد. (مسألهٔ ۳۳۲)

** (خوئی) باید تیمم کند، مگر آنکه جبیره در مواضع تیمم باشد که در این‌صورت لازم است هم وضو بگیرد و هم تیمم کند. (مسألهٔ ۳۴۱)

۲. توضیح المسائل ـ م ۳۳۵.

۳. توضیح المسائل ـ م ۳۴۳.

۴ ـ توضیح المسائل ـ م ۳۳۰.

***(خوئی) بنابر احتیاط باید تیمم کند و وضوی جبیره‌ای نیز بگیرد؛ (گلپایگانی) باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و بنابر احتیاط واجب اگر تمام یا بعضِ مواضع تیمم پوشیده نیست تیمم هم بنماید. (مسألهٔ ۳۳۶)

****(خویی، گلپایگانی) باید سر و پاها را با همان رطوبت مسح کند. (مسأله ۳۳۸)

وضو رطوبت بگیرد.[۱]

۵ـ اگر در صورت و دستها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد باید بین آنها را مسح کند و در جاهائی که جبیره است باید به دستور جبیره عمل کند.[۲]

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

۱ ـ برای انجام نماز (بجز نماز میت).

۲ ـ برای انجام طواف کعبه.

۳ ـ برای رساندن جائی از بدن به نوشتهٔ قرآن و اسم خداوند.[۳]*

چند مسأله:

۱ ـ اگر نماز یا طواف بدون وضو انجام شود باطل است.

۲ ـ کسی که وضو ندارد نباید جائی از بدن خود را به این نوشته‌ها برساند:

* خط قرآن، ولی ترجمهٔ آن اشکال ندارد.
* اسم خداوند به هرزبانی نوشته شده باشد، مانند: «الله»، «خدا»، «God».
* نام پیامبر اکرم ـ صلی الله علیه و آله ـ (بنابر احتیاط واجب).
* اسامی امامان ـ علیهم السلام ـ (بنابر احتیاط واجب).
* نام حضرت زهرا ـ علیها السلام ـ (بنابر احتیاط واجب).[۴]

۳ ـ برای این کارها وضو گرفتن مستحب است:

* رفتن به مسجد و حرم امامان.
* خواندن قرآن.

---

۱. توضیح المسائل ـ م ۳۳۲.
۲. توضیح المسائل ـ م ۳۳۴.
۳. توضیح المسائل ـ م ۳۱۶.
* تفصیل این مسأله در درس ۴۴ خواهد آمد.
۴. توضیح المسائل ـ م ۳۱۷ و ۳۱۹.

* همراه داشتن قرآن.
* رساندن جائی از بدن به جلد یا حاشیهٔ قرآن.
* زیارت اهل قبور.[1]

چگونه وضو باطل می‌شود؟

۱ـ خارج شدن ادرار یا مدفوع یا باد از انسان.

۲ـ خواب، چنانچه گوش نشنود و چشم نبیند.

۳ـ چیزهائی که عقل را از بین می‌برد، مانند: دیوانگی، مستی، بیهوشی.

۴ـ استحاضه زنان.*

۵ـ آنچه سبب غسل شود، مانند جنابت و مَسّ میّت.[2]

خلاصه درس ۹

۱ـ شخصی که بر اعضاء وضوی او زخم یا دُمَل، یا شکستگی است ولی می‌تواند بطور معمول وضو بگیرد باید بطور معمول وضو بگیرد.

۲ـ شخصی که نتواند اعضای وضو را بشوید یا آب را به آن برساند چنانچه اطراف زخم را بشوید کافی است و تیمم لازم نیست.

۳ـ چنانچه روی زخم یا شکستگی بسته باشد، ولی باز کردن آن امکان دارد (سختی ندارد) باید جبیره را باز کند و بطور معمول وضو بگیرد.

۴ـ در صورتی که روی زخم بسته باشد و آب برای آن ضرر داشته باشد باز کردن آن لازم نیست، هر چند باز کردن ممکن باشد.

۵ـ برای انجام نماز و طواف و برای رساندن جائی از بدن به خط قرآن و اسم خداوند باید وضو گرفت.

۱. توضیح المسائل ـ م ۳۲۲.

* این مسأله مربوط به بانوان است که می‌توانند برای توضیح بیشتر به رسالهٔ توضیح‌المسائل مسأله ۳۲۹ تا ۵۲۰ رجوع کنند.

۲. توضیح المسائل ـ م ۳۲۳.

۶ـ رساندن جائی ازبدن به اسم پیامبر اکرم و امامان و حضرت زهرا (سلام الله علیهم اجمعین) بدون وضو بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

۷ـ بول و غائط وضو را باطل می‌کند.

۸ـ خواب، دیوانگی، بیهوشی، مستی، جنابت و مس میّت وضو را باطل می‌کند.

؟ پرسش:

۱ـ شخصی که سه انگشت پای او را جبیره پوشانده است، وظیفه‌اش نسبت به وضو چیست؟

۲ـ کیفیت انجام وضوی جبیره‌ای را با ذکر مثال توضیح دهید.

۳ـ آیا با رطوبتی که بر جبیره است می‌توان مسح کرد؟

۴ـ اگر جبیره نجس باشد و برداشتن آن هم ممکن نباشد تکلیف چیست؟

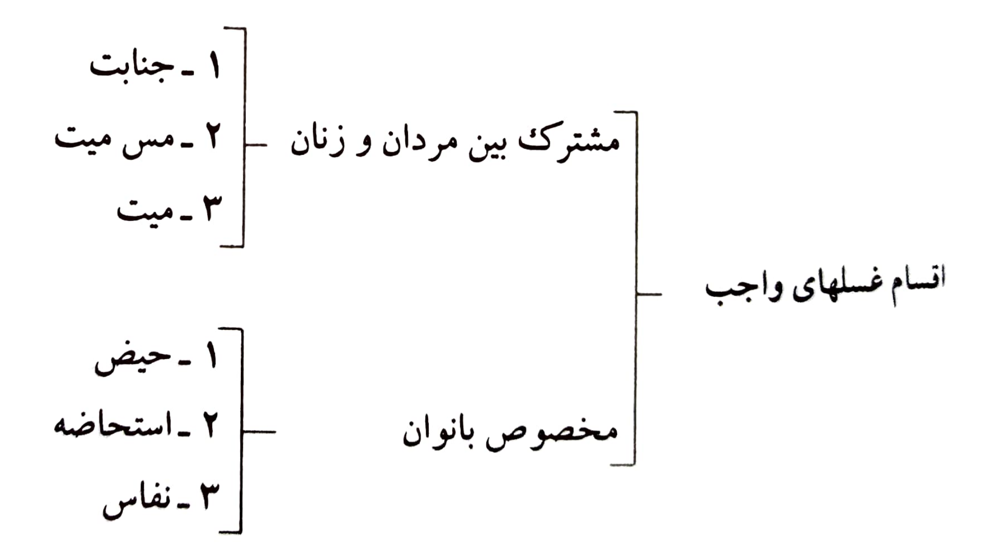
۵ـ آیا چُرت زدن وضو را باطل می‌کند؟

۶ـ شخصی دست به میت زده، آیا وضویش باطل شده است؟

درس ۱۰

غسل

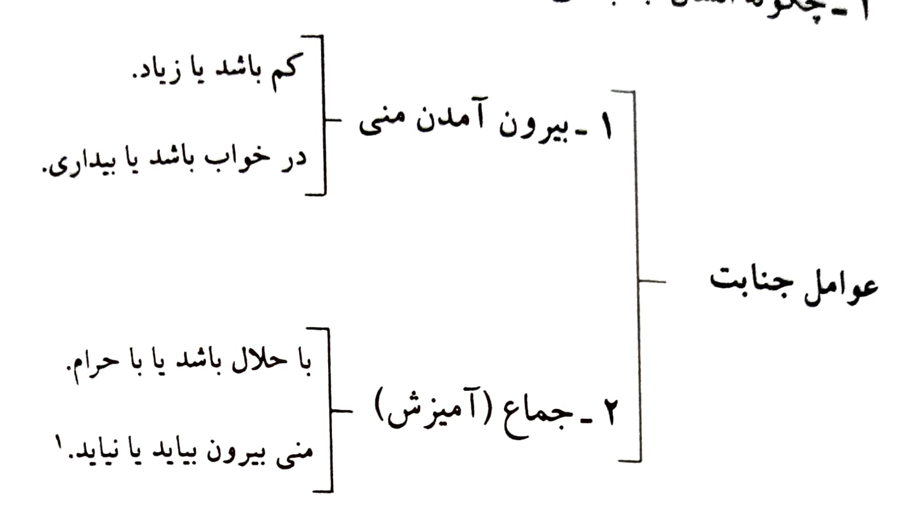
گاهی اوقات باید برای نماز (و هر کاری که باید با وضو انجام شود) غسل کرد، یعنی برای اطاعت فرمان خداوند تمام بدن راشست، اکنون به بیان موارد غسل و چگونگی آن می‌پردازیم.



پس از تعریف و تقسیم غسل به بیان مسائل هر یک از غسلهای واجب می‌پردازیم.

غسل جنابت

۱ـ چگونه انسان جنب می‌شود؟



۲ـ اگر منی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید سبب جنابت نمی‌شود.[۲]

۳ـ کسی که می‌داند منی از او خارج شده است و یا می‌داند آنچه بیرون آمده است منی می‌باشد، جنب است و باید غسل کند.[۳]

۴ـ کسی که نمی‌داند آنچه از او بیرون آمده منی است یا نه در صورتی که علایم منی را داشته باشد جنب است و در غیر این صورت حکم به جنابت نمی‌شود.[۴]

۵ـ نشانه‌های منی:[۵]

* با شهوت بیرون آید.
* با فشار و جستن بیرون آید.
* بعد از بیرون آمدن، بدن سست شود.*

بنابراین کسی که آبی از او خارج شده و نمی‌داند منی است یا نه، در صورتی

---

۱. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۳۶.
۲. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۳۶، م ۱.
۳. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۱۳۶ و العروةالوثقی ـ ج ۱ص۳۷۸.
۴. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۱۳۶ و العروةالوثقی ـ ج ۱ص۳۷۸.
۵. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۱۳۶ و العروةالوثقی ـ ج ۱ص۳۷۸.
* (گلپایگانی) چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و یا با جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شده، آن رطوبت حکم منی دارد. (مسألهٔ ۳۵۲)

که‌تمام این نشانه ها را داشته باشد جنب است وگرنه جنب نمی‌باشد، حتی اگر یکی از علامتها وجود نداشته باشد، بجز زن و مریض که وجود یک نشانه یعنی بیرون آمدن از روی شهوت، کافی است.*

۶ـ مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد.[1]

کارهائی که بر جنب حرام است[2]

* رساندن جائی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنابر احتیاط واجب اسامی پیامبران و ائمه و حضرت زهرا (علیهم‌السلام).**
* رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی(صلی‌الله علیه وآله) هر چند از یک در داخل شود و از در دیگر بیرون رود.
* توقف در مساجد.
* گذاشتن چیزی در مسجد هر چند از بیرون مسجد باشد.***
* خواندن سورهائی از قرآن که سجده واجب دارد حتی یک حرف از آن.****
* توقف در حرم امامان علیهم‌السلام (بنابر احتیاط واجب).*****

سوره‌های سجده‌دار قرآن:[3]

● سورهٔ شمارهٔ ۳۲ = سجده - 32

---

۱. توضیح‌المسائل م ۳۴۸.

* (خوئی) اگر با شهوت بیرون آید و بدن سست شود، در حکم منی است. (مسألهٔ ۳۵۲)

۲. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۳۸ ـ ۳۹.

** (خوئی) اسامی پیامبران و امامان (علیهم السلام) هم حرام است. (مسألهٔ ۳۶۱)

***(اراکی) اگر توقف نداشته باشد، گذاشتن چیزی در مسجد، اشکال ندارد؛ (خوئی) وارد شدن برای برداشتن چیزی هم حرام است. (مسألهٔ ۳۵۲)

****(گلپایگانی ـ خوئی) تنها خواندن آیات سجدهٔ واجب حرام است. (مسألهٔ ۳۶۱)

*****(اراکی) توقف در حرم امامان هم در حال جنابت حرام است. (مسألهٔ ۳۵۲)

۳. تحریرالوسیله ـ ج ۱ص۳۸ ـ ۳۹.

● سورهٔ شمارهٔ ۴۱ = فُصِّلت
● سورهٔ شمارهٔ ۵۳ = نَجم
● سورهٔ شمارهٔ ۹۶ = عَلَق

۳ـ اگر جنب از یک درِ مسجد وارد شود و از در دیگر خارج شود (عبور بدون توقف) مانع ندارد، بجز مسجدالحرام و مسجدالنبی که عبور هم جایز نیست.[1]

۴ـ اگر شخصی در خانه‌اش مکانی را برای نماز قرار دهد (و همچنین در مؤسسه یا اداره‌ای) حکم مسجد ندارد.[2]

خلاصه درس ۱۰

۱ـ غسلهای واجب به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف: مشترک بین زنان و مردان

ب: مخصوص بانوان

۲ـ اگر از انسان منی بیرون آید و یا آمیزش کند جنب می‌شود.

۳ـ کسی که می‌داند، جنب شده است باید غسل جنابت کند، و کسی که نمی‌داند، جنب شده است یا نه؟ غسل بر او واجب نیست.

۴ـ نشانه‌های منی عبارت است از:

* با شهوت بیرون می‌آید.
* با فشار و جستن بیرون می‌آید.
* بعد از آن بدن سست می‌شود.

۵ـ این اعمال بر جنب حرام است:

* مَسّ نوشته قرآن و اسم خداوند و پیامبران و امامان و حضرت زهرا ـ علیهم السلام ـ
* ورود به مسجدالحرام و مسجدالنبی و توقف در سایر مساجد.
* گذاشتن چیزی در مسجد.

---

۱. تحریرالوسیله ـ ج ۱ ص ۳۸ ـ ۳۹.
۲. العروةالوثقی ـ ج ۱ ص ۲۸۸، م ۳.

* خواندن سوره‌هایی از قرآن که سجده واجب دارد.

٦ـ عبور از مساجد، اگر توقف نداشته باشد، بلکه از یک در وارد شود و از در دیگر بیرون برود اشکال ندارد، بجز مسجدالحرام و مسجدالنبی که عبور هم جایز نیست.

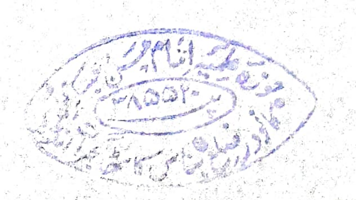
؟ پرسش:

۱ ـ غسلهای مشترک بین مردان و زنان را نام ببرید.

۲ ـ شخصی از خواب بیدار شده و چیزی بر لباس خود می‌بیند، ولی هر چه فکر می‌کند، نشانه‌های منی را بیاد نمی‌آورد، وظیفه‌اش چیست؟

۳ ـ رفتن شخص جنب به حرم امامزاده‌ها چه حکمی دارد؟

۴ ـ آیا شخص جنب می‌تواند در نمازخانه‌های پادگانها و ادارات و مؤسسات توقف کند؟



درس ۱۱

انجام غسل

در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد مانند جنابت، و یا مستحب، مانند غسل جمعه، به عبارت دیگر تمام غسلها در انجام فرقی ندارند مگر در نیّت.

غسل، به‌گونه‌های زیر انجام می‌شود:

نحوهٔ انجام غسل:

۱ـ ترتیبی[1]
- اول سر و گردن را بشوید.
- و سپس نیمه راست بدن.
- و بعد از آن نیمه چپ بدن را.

۲ـ ارتماسی
- * با نیت غسل یکباره زیر آب می‌رود به‌طوری که تمام بدن در آب قرار گیرد.
- * یا به تدریج زیر آب می‌رود، که در نهایت تمام بدن در آب قرار گیرد.
- * و یا زیر آب رفته و در آب به نیت غسل بدن را تکان می‌دهد.

---

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۳۶۱ و ۳۶۷ و ۳۶۸.

توضیح:

غسل را به دو صورت می‌توان انجام داد «ترتیبی» و «ارتماسی». در غسل ترتیبی، ابتدا سر و گردن شسته می‌شود، سپس نیمهٔ راست بدن و بعد از آن نیمهٔ چپ.

در غسل ارتماسی، تمام بدن یکباره در آب قرار می‌گیرد پس در صورتی می‌توان غسل ارتماسی کرد که به قدری آب باشد، تا بتوان تمام بدن را زیر آب برد.

شرایط صحیح بودن غسل:

۱ ـ تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، در صحیح بودن غسل هم شرط است، بجز موالات. و همچنین لازم نیست بدن را از بالا به پائین بشوید.[۱]

۲ ـ کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیّت همهٔ آنها یک غسل بجا آورد.[۲]

۳ ـ کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی با غسلهای دیگر نمی‌شود نماز خواند و باید وضو هم بگیرد.[۳]*

۴ ـ در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، و اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادن همان قسمت تطهیر کند کافی است.[۴]**

۵ ـ غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است ولی بنابر احتیاط واجب*** باید

---

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۳۸۰.

۲. توضیح‌المسائل ـ م ۳۸۹.

۳. توضیح‌المسائل ـ م ۳۹۱.

* (خوئی) با غسلهای دیگر واجب غیر از غسل استحاضهٔ متوسطه و غسلهای مستحب نیز می‌تواند بدون وضو نماز بخواند اگر چه احتیاط مستحب آن است که وضو هم بگیرد. (مسألهٔ ۳۹۷)

۴. توضیح‌المسائل ـ م ۳۷۲.

** (خوئی) در غسل ارتماسی یا ترتیبی پاک بودن تمام بدن پیش از غسل لازم نیست، بلکه اگر به فرو رفتن در آب یا ریختن آب به قصد غسل، بدن پاک شود، غسل محقق می‌شود. (مسأله ۳۷۸)

***(اراکی) احتیاط مستحب است، آن را ترتیبی بجا آورند نه ارتماسی؛ (خوئی) باید آن را ترتیبی بجا آورند. (مسألهٔ ۳۳۷)؛ (گلپایگانی) اگر ترتیبی انجام دهند بهتر است، گر چه ارتماسی هم صحیح است. (مسألهٔ ۳۴۵)

آن را ترتیبی بجا آورد.[۱]

۶ـ کسی که روزهٔ واجب گرفته، نمی‌تواند در حال روزه غسل ارتماسی انجام دهد، چون روزه‌دار نباید تمام سر را در آب فرو برد ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند صحیح است.[۲]

۷ـ در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود، و چنانچه با نیت غسل، آب به تمام بدن برسد کافی است.[۳]

غسل مَسّ میّت

۱ـ اگر کسی جائی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل مَسّ میت کند.[۴]

۲ـ در این موارد مس بدن انسان مرده سبب غسل نمی‌باشد:

* انسانی که در میدان نبرد به شهادت رسیده است، در صورتی که در میدان جان دهد.*

* مرده‌ای که بدنش گرم است و هنوز سرد نشده است.

* مرده‌ای که غسلش داده‌اند.[۵]

۳ـ غسل مس میت را باید مانند غسل جنابت انجام دهند، ولی کسی که غسل مَسّ میّت کرده، اگر بخواهد نماز بخواند، باید وضو هم بگیرد.[۶]

---

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۳۳۹.
۲. توضیح‌المسائل ـ م ۳۷۱.
۳. استفتائات ـ ج ۱ ص۵۶، س ۱۱۷.
۴. توضیح المسائل ـ م ۵۲۱.
* (خوئی) مسّ بدن شهید بنا بر احتیاط واجب غسل دارد. (العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۹۰، م۱۱)
۵. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۳، م. و توضیح المسائل ـ م ۵۲۲ و ۵۲۶ و استفتاءات، ص ۷۹؛ و العروةالوثقی، ج ۱، ص ۳۹۰، م۱۱.
۶. توضیح المسائل ـ م ۵۳۰.

غسل میّت

۱ـ هرگاه مؤمنی* از دنیا برود، بر همهٔ مکلفین واجب است که او را غسل داده و کفن کنند و بر او نماز بخوانند و سپس دفن کنند، و اگر بعضی انجام دهند، از دیگران ساقط می‌شود.[۱]

۲ـ واجب است میّت را سه غسل بدهند:

اول: به آبی که با سدر مخلوط باشد.

دوم: به آبی که با کافور مخلوط باشد.

سوم: با آب خالص.[۲]

۳ـ غسل میّت مثل غسل جنابت است، و احتیاط.واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است، میّت را غسل ارتماسی ندهند.[۳]

غسلهای اختصاصی بانوان

حیض، نِفاس، استحاضه:

۱ـ خونی که زن هنگام تولد بچه می‌بیند خون نفاس است.[۴]

۲ـ خونی که زن در ایّام عادت ماهانه می‌بیند، حیض است.[۵]

۳ـ وقتی که زن از خون حیض و نفاس پاک شد، باید برای نماز و کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل کند.[۶]

۴ـ یکی دیگر از خون‌هایی که زنها می‌بینند، استحاضه است و در برخی از موارد

---

۱. توضیح المسائل ـ م ۵۴۲.

* (سایر مراجع) مسلمانی (مسألهٔ ۵۴۸).

۲. توضیح‌المسائل ـ م ۵۵۰.

۳. توضیح‌المسائل ـ م ۵۶۵.

۴. توضیح‌المسائل ـ م ۵۰۸.

۵. توضیح المسائل ـ ص ۵۵.

۶. توضیح‌المسائل ـ م ۵۱۵ و ۴۴۶.

آن باید برای نماز و عبادتهایی که نیاز به طهارت دارد غسل کنند.[۱]

خلاصهٔ درس ۱۱

۱ـ در غسل باید تمام بدن شسته شود به گونهٔ ترتیبی یا ارتماسی.

۲ـ شرائط صحت غسل، همان شرائط صحت وضو است، بجز موالات و از بالا به پائین شستن اعضا.

۳ـ کسی که غسل جنابت کرده نباید برای نماز وضو بگیرد مگر آنکه در بین غسل یا بعد از آن چیزی که وضو را باطل می‌کند از او سر زند.

۴ـ کسی که چند غسل بر او واجب باشد، می‌تواند به نیّت همهٔ آنها یک غسل انجام دهد، بلکه می‌تواند به همراه آن نیّت غسل استحبابی هم داشته باشد (مثل غسل جمعه).

۵ـ رساندن جائی از بدن به بدن انسان مرده سبب غسل مسّ میّت است.

۶ـ اگر جائی از بدن را به بدن شهید، یا مرده‌ای که بدنش سرد نشده است و یا غسلش داده‌اند برساند، غسل واجب نمی‌شود.

۷ـ اگر مؤمنی از دنیا برود باید او را سه بار غسل دهند و سپس کفن کرده و بر آن نماز بخوانند و دفن کنند.

۸ـ غلسهای میّت عبارت است از:

الف: غسل با آب سدر.

ب: غسل با آب کافور.

ج: غسل با آب خالص.

۹ـ غسلِ حیض، نفاس و استحاضه تنها بر بانوان واجب می‌شود.

---

۱. توضیح المسائل - م ۳۹۵ و ۳۹۶.

؟ پرسش:

۱ـ غسل ترتیبی چگونه انجام می‌شود؟

۲ـ آیا در آبی که کمتر از مقدار کر است می‌توان غسل ارتماسی انجام داد؟

۳ـ شخص جنب در روز جمعه به نیّت جنابت و جمعه یک غسل انجام می‌دهد، آیا می‌تواند با آن غسل نماز بخواند یا باید وضو هم بگیرد؟

۴ـ نیت غسل را توضیح دهید.

۵ـ آیا در جائی (مثلاً جبهه) از آب تانکری که برای نوشیدن افراد آورده شده می‌توان غسل کرد؟

۶ـ فرق غسل میت با غسل مسّ میت چیست؟

۷ـ در چه صورتی شهید را نباید غسل داد؟

درس ۱۲

تیمُّـــم

(جانشین وضو وغسل)

در این موارد باید بجای وضو و غسل تیمم کرد:

۱ ـ آب نباشد و یا دسترسی به آن نداشته باشد.

۲ ـ آب برای او ضرر داشته باشد (مثلاً؛ به سبب استعمال آب مرضی در او پیدا می‌شود).

۳ـ اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خودش یا همسر او یا فرزندانش یا رفیقش یا کسانی که به او مربوطند از تشنگی بمیرند یا مریض شوند (حتی حیوانی که در اختیار اوست).

۴ ـ بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر آن ندارد، و لباس دیگری هم ندارد.

۵ ـ وقت برای وضو گرفتن یا غسل کردن ندارد.[۱]

---

۱. توضیح المسائل ـ تیمم.

چگونه تیمم کنیم؟

اعمال تیمم

۱ـ زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.

۲ـ کشیدن هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جائی که موی سر روئیده است تا روی ابروها و بالای بینی.

۳ـ کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست.

۴ـ کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.

تمام کارهای تیمم باید با قصد تیمم و برای اطاعت دستور الهی انجام شود، و همچنین باید معلوم کند که تیمم بجای وضو است یا غسل.[1]

چیزهائی که تیمم بر آنها صحیح است:

* خاک
* ریگ
* اقسام سنگها مانند: سنگ سیاه، سنگ مرمر، سنگ گچ (قبل از پخته شدن)، سنگ آهک (قبل از پخته شدن).
* گل پخته مانند: آجر، کوزه.[2]*

چند مسئله:

۱ـ تیمّمی که بجای وضو است با تیممی که به جای غسل است فرقی ندارد مگر در نیّت.[3]

---

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۷۰۰.

۲. توضیح‌المسائل ـ م ۶۸۴ و ۶۸۵؛ و العروة الوثقی، ج ۱ ص ۴۸۵.

* (اراکی ـ گلپایگانی) تیمم بر گل پخته صحیح نیست؛ (خوئی) بنا بر احتیاط تیمم بر گل پخته صحیح نیست. (العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۸۵)

۳. توضیح‌المسائل ـ م ۷۰۱.

۲ـ کسی که بجای وضو تیمم کرده است، اگر یکی از چیزهائی که وضو را باطل می‌کند از او سر بزند تیممش باطل می‌شود.[۱]

۳ـ کسی که به جای غسل تیمم کرده است هرگاه یکی از اسباب غسل، مثل جنابت یا مسّ میت پیش آید تیممش باطل می‌شود.[۲]

۴ـ تیمم در صورتی صحیح است که نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند بنابراین اگر بدون عذر تیمم کند، صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود، مثلاً آب نداشته، و آب پیدا کند، تیمم او باطل می‌شود.[۳]

۵ـ اگر به جای غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست* برای نماز وضو بگیرد ولی اگر به جای غسلهای دیگر تیمم کند، با آن تیمم نمی‌تواند نماز بخواند و باید برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری به جای وضو انجام دهد.[۴]

شرایط صحیح بودن تیمم:

* اعضای تیمم پاک باشد، یعنی پیشانی و دستها.
* پیشانی و پشت دستها را از بالا به پائین مسح کند.
* چیزی که بر آن تیمم می‌کند پاک و مباح باشد.
* ترتیب را رعایت کند.
* موالات را رعایت کند.
* چیزی بین دست و پیشانی و همچنین کف دست و پشت دست در هنگام مسح فاصله نباشد.[۵]

---

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۷۲۰.
۲. توضیح‌المسائل ـ م ۷۲۰.
۳. توضیح‌المسائل، ـ م ۷۲۲.
* (گلپایگانی) نباید وضو بگیرد. (مسألهٔ ۷۳۱)
۴. توضیح‌المسائل ـ م ۷۲۳.
۵. العروة الوثقی ج ۱ ص ۴۹۵ و توضیح‌المسائل ـ م ۶۹۲ ـ ۶۹۴ ـ ۷۰۴ تا ۷۰۶.

خلاصه درس ۱۲

۱ ـ شخصی که آب ندارد و یا دسترسی به آب ندارد و یا مانعی از مصرف آب وجود دارد باید به جای وضو و غسل تیمم کند.

۲ ـ در تیمم باید پیشانی و پشت دستها باکف دستها مسح شود.

۳ ـ تیمم بر خاک و ریگ و سنگ و گل پخته صحیح است.

۴ ـ تیمم، چه بجای غسل باشد و چه وضو باهم فرقی ندارد (مگر در نیت).

۵ ـ اگر بجای وضو تیمم کرده باشد مبطلات وضو آن را باطل می‌کند. و اگر بجای غسل باشد آنچه سبب غسل است آن را باطل می‌کند.

٦ ـ تیمم بدون عذر صحیح نیست.

۷ ـ در تیمم رعایت ترتیب و موالات لازم است و باید اعضای تیمم و چیزی که بر آن تیمم می‌کند، پاک باشد.

؟ پرسش:

۱ ـ در چه مواردی باید بجای وضو و غسل، تیمم کرد؟

۲ ـ آیا از ترس درندگان می‌توان بجای وضو تیمم کرد؟

۳ ـ تیمم بر آجر و کلوخ چه حکمی دارد؟

۴ ـ تیمم بر چوب و برگ درختان چه حکمی دارد؟

۵ ـ شخص جنب که از غسل کردن خجالت می‌کشد، می‌تواند بجای غسل تیمم کند یا نه؟

درس ۱۳

وقت نماز

پس از فراگرفتن مسائل طهارت، کم کم برای انجام نماز، آماده می‌شویم.
برای آشنائی با مسائل و احکام نماز ابتدا یادآور می‌شویم که نماز یا واجب است و یا مستحب، نمازهای واجب هم دو دسته‌اند؛ بعضی از آنها تکلیف هر روزه می‌باشد و در هر شبانه‌روز، در زمانهای خاصی باید بجا آورده شود و برخی دیگر نمازهائی هستند که گاهی اوقات به سببی خاص واجب می‌شود و برنامه همیشگی و هر روزه نمی‌باشد. جهت آشنائی با نمازهای واجب به این نمودار توجه کنید.



---

۱. توضیح‌المسائل، نمازهای واجب.

وقت نمازهای روزانه:

نمازهای هر روزه، پنج نماز و مجموع آنها هفده رکعت است.

نماز صبح : دو رکعت

نماز ظهر : چهار رکعت

نماز عصر : چهار رکعت

نماز مغرب : سه رکعت

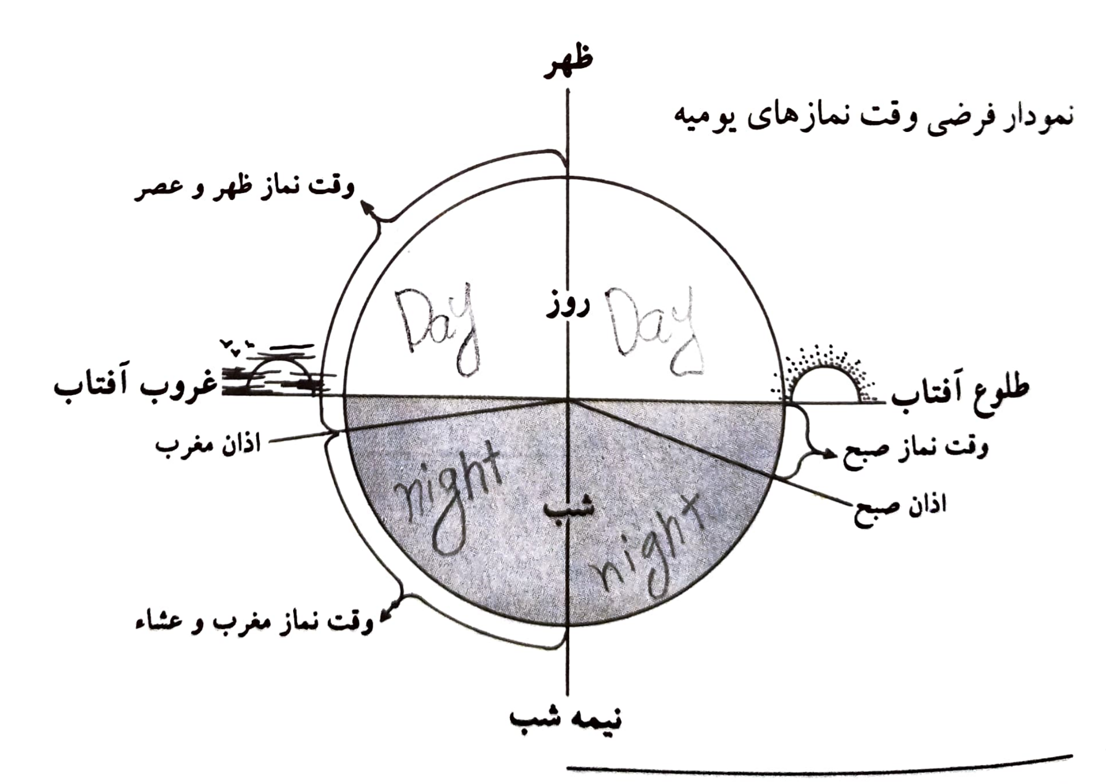
نماز عشاء : چهار رکعت

اولین سئوالی که در رابطه با نمازهای روزانه مطرح می‌باشد این است که این نمازها در چه وقتی باید خوانده شود؟

وقت نماز صبح : از اذان صبح تا طلوع آفتاب

وقت نماز ظهر و عصر : از ظهر شرعی تا مغرب

وقت نماز مغرب و عشاء: از مغرب تا نصف شب[1]



۱. توضیح‌المسائل ـ م ۷۳۱ و ۷۳۶.

توضیح

وقت اذان صبح

نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را «فجراوّل» گویند، هنگامی که آن سفیده پهن شد، «فجر دوّم»و ابتدای وقت نماز صبح است.[۱]

ظهر:

اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم، وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است.[۲]

مغرب:

«مغرب» موقعی است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود از بین برود.[۳]*

نیمه شب

اگر فاصلهٔ بین غروب آفتاب با اذان صبح** را دو نیم کنیم، وسط آن «نیمه شب» و آخر وقت نماز عشاء است.[۴]***

---

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۷۴۱.
۲. توضیح‌المسائل ـ م ۷۲۹.
۳. توضیح‌المسائل ـ م ۷۳۵.
* (سایر مراجع) از بالای سر بگذرد. (مسأله ۷۴۳)
** (خوئی) باید از اوّل غروب تا اوّل آفتاب حساب کرد. (مسألهٔ ۷۴۷)
***تقریباً یازده ساعت و ربع بعد از ظهر شرعی، آخر وقت نماز مغرب و عشاء است.
۴. احتیاط واجب آن است که برای نماز عشاء همانگونه که در متن آمده است و برای نماز شب تا اوّل آفتاب حساب شود. (توضیح المسائل ـ م ۷۳۹)

احکام وقت نماز

۱ ـ نمازهای غیر روزانه و مقطعی دارای وقت مشخصی نمی‌باشد، بلکه وقت انجام آنها بستگی به زمانی دارد که به علّتی آن نماز واجب شود.

مثلاً، نماز آیات بستگی به زلزله یا کسوف یا خسوف و یا حادثه‌ای دارد که پیش آمده است، و نماز میّت، زمانی واجب می‌شود که مسلمانی از دنیا برود، و تفصیل هر کدام در جای خود خواهد آمد.

۲ ـ اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود و یا عمداً نماز را قبل از وقت شروع کند، باطل است.[1]

اگر نماز در وقت خودش خوانده شود در اصطلاحِ احکام، گویند: نماز «اَداء» شده است. اگر نماز بعد از وقت خوانده شود، در اصطلاح احکام گویند: نماز «قضاء» شده است.

۳ ـ مستحب است انسان نماز را در اول وقت بخواند، و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.[2]

۴ ـ اگر وقت نماز تنگ باشد، که اگر بخواهد مستحبّات نماز را بجا آود، بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود باید مستحبّات را بجا نیاورد، مثلاً اگر بخواهد قنوت بخواند، وقت می‌گذرد، باید قنوت نخواند.[3]

---

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۷۴۴.
۲. توضیح‌المسائل ـ م ۷۵۱.
۳. توضیح‌المسائل ـ م ۷۴۷.

خلاصه درس ۱۳

۱ ـ نمازهای واجب بر دو دسته است: الف: نمازهای همیشگی ـ ب: نمازهائی که گاهی اوقات واجب می‌شود.

۲ ـ نمازهای هر روزه عبارتند از: صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء.

۳ ـ نمازهائی که گاهی واجب می‌شود عبارتند از: آیات، طواف، میت، قضای پدر بر پسر بزرگتر و نماز نذری.

۴ ـ وقت نمازهای روزانه بدین شرح است:

وقت نماز صبح : از اذان صبح تا طلوع آفتاب

وقت نماز ظهر و عصر : از ظهر شرعی تا مغرب

وقت نماز مغرب و عشاء: از مغرب تا نصف شب

۵ ـ زمان دمیدن فجر دوّم وقت اذان صبح و ابتدای وقت نماز صبح است.

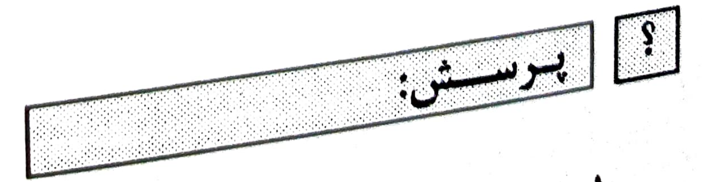
۶ ـ آنگاه که سایهٔ چیزهای عمود بر زمین به کمترین مقدار می‌رسد و رو به افزایش می‌گذارد ظهر شرعی است.

۷ ـ پس از غروب آفتاب، آنگاه که سرخی طرف مشرق از بین می‌رود، مغرب است.

۸ ـ اگر فاصله بین غروب آفتاب و اذان صبح دو نیم شود، نیمه شب و پایان وقت نماز عشاء است.

۹ ـ اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود باطل است.

۱۰ ـ نماز اداء به نمازی گویند که در وقت خود خوانده شود؛ نماز قضاء نمازی است که بعد از وقت خوانده می‌شود.



۱ ـ فرق بین نماز واجب و مستحب را توضیح دهید.

۲ ـ نمازهائی که همیشه در شب باید خوانده شود نام ببرید.

۳ ـ دو نمونه از اسباب وجوب نماز آیات را نام ببرید.

۴ ـ امروز با قراردادن چوبی عمود بر زمین، ظهر رامشخص کنید.

۵ ـ اگر غروب آفتاب ساعت $6\frac{1}{4}$ بعدازظهر و اذان صبح ساعت $4\frac{1}{4}$ باشد محاسبه فرمائید نیمه شب در چنین شبی چه وقت است.

۶ ـ برای تشخیص مغرب (ابتدای وقت نماز مغرب) باید به مشرق بنگریم یا به‌مغرب؟

درس ۱۴

قِبله، پوشش

قبـــلـه

۱ ـ خانه کعبه، که در شهر مَکّه و در مسجد الحرام قرار دارد، «قبله» است و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند.

۲ ـ کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند، کافی است.[۱]

پوشانیدن بدن در نماز

یکی از مسائلی که قبل از شروع نماز توجه به آن لازم است، مسأله پوشش است، و اکنون به بیان مقدار پوشش و شرائط آن می‌پردازیم.

مقدار پوشش

۱ ـ مردان، باید عورت را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشانند.

۲ ـ زنان، باید تمام بدن را بپوشانند بجز:

* دستها تا مچ.

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۷۷۶.

* پاها تا مچ.
* صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود.[۱]

۳ـ بر زنان پوشاندن دستها و پاها و صورت به مقداری که در مسألهٔ پیش گفته شد در نماز واجب نیست، گرچه پوشاندن آن هم مانع ندارد.[۲]

۴ـ لباس نمازگزار باید این شرائط را دارا باشد:

* پاک باشد (نجس نباشد).
* مباح باشد (غصبی نباشد).
* از اجزاء مردار[۳] نباشد، مثلاً از پوست حیوانی که مطابق دستور اسلام کشته نشده است تهیه نشده باشد، حتی کمربند و کلاه.
* از حیوان حرام گوشت نباشد، مثلاً از پوست پلنگ یا خوک تهیه نشده باشد.
* اگر نمازگزار مرد است لباس او طلاباف یا ابریشم خالص نباشد.

از شرائط بالا، آنچه ممکن است برای هر کس پیش آید شرط اول است چون کمتر کسی است که با لباس غصبی یا از اجزاء مردار نماز بخواند، بنابر این به توضیح شرط اول می‌پردازیم.

گفتنی است که علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.

در این موارد نماز خواندن با بدن یا لباس نجس، باطل است:

* عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، یعنی با این که می‌داند بدن یا لباسش نجس است با همان حال نماز بخواند.[۴]
* در یادگرفتن مسأله کوتاهی کرده* و به جهت ندانستن مسئله با بدن یا لباس

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۷۸۸ و ۸۸۹.
۲. توضیح‌المسائل، م ۷۸۹.
۳. به درس ۳ مراجعه شود.
۴. توضیح‌المسائل، م ۷۹۹.
* (گلپایگانی) کسی که نمی‌داند با بدن یا لباس نجس نماز باطل است، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، بنابر احتیاط لازم نمازش باطل است (مسألهٔ ۸۰۸۹)؛ (اراکی) کسی که نمی‌داند با بدن و لباس نجس نماز باطل است اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است. (مسألهٔ ۷۹۴)

نجس نماز خوانده است.[۱]

* نجس بودن بدن یا لباس را می‌دانسته، ولی هنگام نماز فراموش کرده و با آن نماز خوانده است.[۲]

در این موارد، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است:

* نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود.[۳]
* به واسطه زخمی که در بدن اوست، بدن یا لباسش نجس شده و آب‌کشیدن یا عوض کردن آن هم دشوار است.[۴]
* لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده است ولی مقدار آلودگی کمتر از دِرْهَم* است.
* ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، مثلاً آب برای تطهیر ندارد.

چند مسأله:

۱ ـ اگر لباسهای کوچک نمازگزار مثل دستکش و جوراب، نجس باشد، و یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزاء مردار یا حرامگوشت نباشد اشکال ندارد.[۵]

۲ ـ پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباسها و استعمال بوی خوش و دست کردن انگشتری عقیق در نماز، مستحب است.[۶]

۳ ـ پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۸۰۰.
۲. توضیح‌المسائل، م ۸۰۳.
۳. توضیح‌المسائل، م ۸۰۲.
۴ و ۵ و ۶. توضیح‌المسائل، م ۸۴۸.
* یک درهم، تقریباً به اندازهٔ یک سکهٔ دو ریالی است.
۷. توضیح‌المسائل، م ۸۶۱.
۸. توضیح‌المسائل، م ۸۶۴.

تکمه‌های لباس در نماز مکروه است.[۱]

خلاصه درس ۱٤

۱ ـ خانه کعبه که در مسجدالحرام و در شهر مکه قرار دارد قبله است و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند.

۲ ـ اگر نمازگزار طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند کافی است.

۳ ـ مردان باید در نماز عورت را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشانند.

۴ ـ زنان باید در نماز تمام بدن، بجز صورت و دستها تا مچ و پاها تا مچ را بپوشانند.

۵ ـ بدن و لباس نمازگزار باید پاک باشد.

٦ ـ لباس نمازگزار باید مباح باشد و از اجزاء مردار و حیوان حرام گوشت نباشد.

۷ ـ اگر نمازگزار قبلاً نمی‌دانسته بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود، صحیح است.

۸ ـ اگر نماز گزار قبلاً می‌دانسته که بدن یا لباسش نجس است ولی هنگام نماز فراموش کرده است نمازش باطل است.

؟ پرسش:

۱ ـ شرائط لباس نمازگزار چیست؟

۲ ـ اگر پس از نماز متوجه شود که لباسش نجس است، نمازش چه حکمی دارد؟

۳ ـ در چه صورتی نمازگزار با این که می‌داند لباسش نجس است می‌تواند نماز بخواند؟

۴ ـ اگر بین نماز متوجه شود لباسش نجس است تکلیف چیست؟

۵ ـ برای حال ناچاری که می‌توان با بدن یا لباس نجس نماز خواند، سه مثال بیاورید.

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۸٦۵.

درس ۱۵

مکان نمازگزار، اذان و اقامه

مکانی که انسان بر آن نماز می‌خواند باید دارای شرائط زیر باشد:

* مباح باشد (غصبی نباشد).
* بی‌حرکت باشد (مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد).
* تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را بطور صحیح انجام دهد.
* جائی که پیشانی را می‌گذارد (در حال سجده) پاک باشد.
* مکان نمازگزار اگر نجس است طوری‌تر نباشد که به بدن یا لباس نمازگزار سرایت کند.
* جائی که پیشانی را می‌گذارد (در حال سجده) از جای زانوها و بنا بر احتیاط واجب از جای انگشتان پا، بیش از چهار انگشت بسته پست‌تر یا بلند تر نباشد.[۱]*

---

۱. توضیح‌المسائل، مکان‌نمازگزار.

* در رساله‌های سایر مراجع برخی شرایط دیگر هم آمده است.

احکام مکان نمازگزار:

۱ـ نماز خواندن در مکان غصبی (مثلاً در خانه‌ای که بدون اجازه صاحبخانه وارد شده است) باطل است.[۱]

۲ـ در حال ناچاری نماز خواندن بر چیزی که حرکت می‌کند، مانند قطار و هواپیما و در جائی که سقف آن کوتاه است و یا جایش تنگ است، مانند سنگر و بر مکان ناهموار اشکال ندارد.[۲]

۳ـ انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر(صلی الله علیه و آله) و امام (علیه‌السلام) نماز نخواند.[۳]*

۴ـ مستحب است، انسان نماز را در مسجد بخواند، و در اسلام بر این مسأله سفارش بسیار شده است.[۴]

۵ـ از مسائلی که خواهد آمد، به اهمیت حضور در مسجد و نماز خواندن در آن پی می‌بریم:

* زیاد رفتن به مسجد مستحب است.
* رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد مستحب است.
* همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.
* مستحب است، انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود:

غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد.[۵]**

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۸۶۶.
۲. توضیح‌المسائل، م ۸۸۰.
۳. توضیح‌المسائل، م ۸۸۴.
* (گلپایگانی) بنابر احتیاط واجب، باید جلوتر یا مساوی قبر پیغمبر ـ ص ـ و امام ـع ـ نماز نخواند. (مسألهٔ ۸۹۸)
۴. توضیح‌المسائل، م ۸۹۳.
۵. توضیح‌المسائل، م ۸۹۶ و ۸۹۷.
** احکام مسجد به تفصیل در درس ۴۴ خواهد آمد.

آمادگی برای نماز

اکنون، پس از فراگرفتن مسائل وضو، غسل، تیمم، وقت نماز، پوشش و مکان نمازگزار آماده شروع نماز می‌شویم.

اذان و اقامه

۱ ـ بر نمازگزار مستحب است، قبل از نمازهای یومیه، ابتدا اذان بگوید و بعد از آن اِقامه، و سپس نماز را شروع کند.[۱]

اذان

اَللهُ اَکْبَر .... ۴ مرتبه

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ الله .... ۲ مرتبه

اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ الله .... ۲ مرتبه

حَیَّ عَلَی الصَّلوٰةِ .... ۲ مرتبه

حَیَّ عَلَی الْفَلاحِ .... ۲ مرتبه

حَیَّ عَلیٰ خَیْرِ الْعَمَلِ .... ۲ مرتبه

اللهُ اَکْبَرُ .... ۲ مرتبه

لا اِلٰه اِلاَّ الله .... ۲ مرتبه

اقـامـه

اَللهُ اَکْبَر .... ۲ مرتبه

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ الله .... ۲ مرتبه

اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ الله .... ۲ مرتبه

حَیَّ عَلَی الصَّلوٰةِ .... ۲ مرتبه

۱. توضیح‌المسائل، م ۹۲۶ و ۹۱۸.

حَيَّ عَلىَ الفَلاحِ ....۲ مرتبه
حَيَّ عَلىٰ خَيرِالعَمَلِ ....۲ مرتبه
قَدقامَتِ الصَّلوةُ ....۲ مرتبه
اللهُ اَكبَرُ ....۲ مرتبه
لااِلهَ اِلاّ الله ....۱ مرتبه

۲ ـ جملهٔ «اَشهَدُ اَنَّ عَليّاً وَليُّ الله» جزء اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از «اَشهَدُ اَنَّ مُحمَّداً رَسوُلُ الله» به قصد قربت گفته شود.[۱]

احکام اذان و اقامه

۱ ـ اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقتِ نماز گفته شود و اگر قبل از وقت بگوید باطل است.[۲]

۲ ـ اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگوید صحیح نیست.[۳]

۳ ـ بین جمله‌های اذان و اقامه باید، زیاد فاصله نشود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد.[۴]

۴ ـ اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.[۵]

۵ ـ نماز مستحبی اذان و اقامه ندارد.[۶]

۶ ـ مستحب است در روز اوّلی که بچه به دنیا می‌آید، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.[۷]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۹۱۹.
۲. توضیح‌المسائل، م ۹۳۵.
۳. توضیح‌المسائل، م ۹۳۱.
۴. توضیح‌المسائل، م ۹۲۰.
۵. توضیح‌المسائل، م ۹۲۳.
۶. العروة الوثقی، ج ۱ ـ ص ۶۰۱.
۷. توضیح‌المسائل ـ م ۹۱۷.

۷ـ مستحب است کسی که برای گفتن اذان معین می‌کنند، عادل و وقت شناس و صدایش بلند باشد.[۱]

خلاصه درس ۱۵

۱ـ مکان نمازگزار باید دارای این شرائط باشد:

* مباح باشد.
* بی‌حرکت باشد.
* جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد،
* جای پیشانی (در سجده) پاک باشد.
* پست و بلند نباشد.
* اگر مکان نجس است به بدن یا لباس نمازگزار سرایت نکند.

۲ـ نماز خواندن در مکان غصبی باطل است.

۳ـ در حال ناچاری می‌توان در مکان متحرک و در جائی که سقف آن کوتاه است و بر مکان پست و بلند نماز خواند.

۴ـ مستحب است انسان نماز را در مسجد بخواند.

۵ـ مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود، غذا نخورد، همسایه او نشود، در کارها با او مشورت نکند، به او زن ندهد و از او زن نگیرد.

۶ـ مستحب است قبل از شروع نماز ابتدا اذان بگوید و بعد از آن اقامه، و سپس نماز را شروع کند.

۷ـ اقامه باید بعد از اذان گفته شود.

۸ـ کسی که در نماز جماعت شرکت می‌کند، اگر برای آن نماز اذان و اقامه گفته باشند نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

۹ـ مستحب است در روز اوّلی که بچه به دنیا می‌آید در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.

---

۱. توضیح‌المسائل ـ م ۹۴۱.

پرسش:

۱ـ نماز خواندن بر فرش نجس چه حکمی دارد؟

۲ـ آیا بر سجاده‌ای که دیگری برای خود پهن کرده است می‌توان نماز خواند؟ چرا؟

۳ـ اذان با اقامه چه تفاوتی دارد؟

۴ـ مستحب است رفتار ما باکسی که در مسجد حاضر نمی‌شود چگونه باشد؟

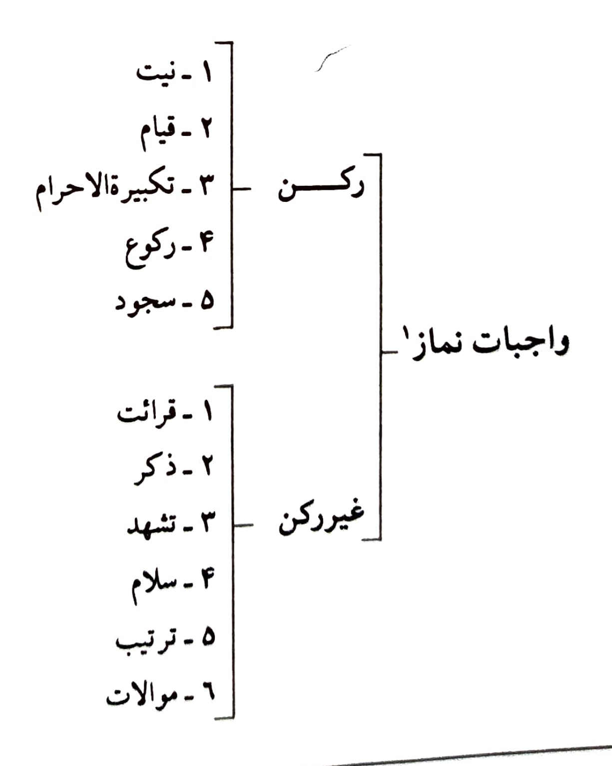
۵ـ نماز خواندن در قطار و هواپیما چه حکمی دارد؟

۶ـ دو مورد از مواردی که اذان و اقامه ساقط می‌باشد نام ببرید.

درس ۱۶

واجبات نماز

۱ـ نماز با گفتن «اَللهُ اَکبَرُ» شروع می‌شود و با سلام به پایان می‌رسد.
۲ـ آنچه در نماز انجام می‌شود یا واجب است و یا مستحب.
۳ـ واجبات‌نماز، یازده‌چیز است که برخی رُکن‌و برخی غیررکن است.



۱. توضیح‌المسائل، واجبات نماز.

فرق بین رُکن و غیر رُکن:

ارکان نماز، اجزاء اساسی آن به شمار می‌آید و چنانچه یکی از آنها بجا آورده نشود و یا اضافه شود، هر چند بر اثر فراموشی هم باشد، نماز باطل است.

واجبات دیگر، گرچه انجام آنها لازم است ولی چنانچه از روی فراموشی، کم یا زیاد شود نماز باطل نیست.[۱]

احکام واجبات نماز

▣ نیّت

۱ ـ نمازگزار، از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند و آن را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد.[۲]

۲ ـ به زبان آوردن نیت، لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد.[۳]

۳ ـ نماز، باید از هرگونه ریا و خودنمایی بدور باشد، یعنی نماز را تنها برای انجام دستور خداوند بجا آورد و چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن، برای غیر خدا باشد، باطل است.[۴]*

▣ تکبیرة‌الاحرام

همانگونه که گذشت نماز باگفتن «اَللّٰهُ اَکْبَر» آغاز می‌شود و به آن «تَکْبیرَةُ الاِحرام» می‌گویند. چون با همین تکبیر است که بسیاری از کارها که قبل از نماز جایز بوده بر نمازگزار حرام می‌شود، مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن.

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۹۴۲.
۲. همان مدرک.
۳. توضیح‌المسائل، م ۹۴۳.
۴. توضیح‌المسائل، م ۹۴۶ ـ ۹۴۷.
* (گلپایگانی) اگر در جزء مستحب نماز ریاکند، احتیاط لازم آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند. (مسألهٔ ۹۵۶)

واجبات تکبیرةالاحرام:

۱ـ به عربی صحیح گفته شود.

۲ـ هنگام گفتن «الله اکبر» بدن آرام باشد.

۳ـ تکبیرةالاحرام را طوری بگوید که اگر مانعی در کار نباشد خودش بشنود، یعنی بسیار آهسته نگوید.

۴ـ بنا بر احتیاط واجب آن را به چیزی که پیش از آن می‌خواند وصل نکند.[1]

مستحب است موقع گفتن تکبیرةالاحرام و تکبیرهای بین نماز دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد.[2]

▣ قیام

قیام یعنی ایستاده بودن، که در بعضی موارد، از ارکان نماز است و ترک آن نماز را باطل می‌کند، ولی افرادی که نمی‌توانند ایستاده نماز بخوانند، وظیفه‌ای دارند که در مسائل آینده خواهد آمد.

- اقسام قیام
  - رکن
    - ۱ ـ قیام هنگام تکبیرةالاحرام
    - ۲ ـ قیام پیش از رکوع
  - غیررکن
    - ۱ ـ قیام هنگام قرائت
    - ۲ ـ قیام بعد از رکوع.[3]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۹۴۸ و ۹۴۹ و ۹۵۱ و ۹۵۲.
۲. توضیح‌المسائل، م ۹۵۵.
۳. توضیح‌المسائل، م ۹۵۸.

احکام قیام:

۱ـ واجب است پیش از گفتن تکبیرةالاحرام و بعد از آن مقداری بایستد تا یقین کند که تکبیر را در حال قیام گفته است.[۱]

۲ـ قیام پیش از رکوع بدان معنی است که در حالت ایستاده به رکوع برود، بنابراین اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید کاملاً بایستد سپس به رکوع برود و پس از آن سجده‌ها را بجا آورد.[۲]

۳ـ اموری که در حال قیام باید از آن پرهیز شود:

* بدن را حرکت دادن.
* به طرفی خم شدن.
* به جائی یا چیزی تکیه کردن.
* پاها را زیاد باز گذاشتن.
* پاها را از زمین بلند کردن.[۳]

۴ـ نمازگزار باید موقع ایستادن هر دو پا را بر زمین بگذارد،* ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد.[۴]

۵ـ کسی که به هیچ وجه نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته رو به قبله نماز بخواند، و اگر نشسته هم نتواند نماز بخواند، باید خوابیده نماز بخواند.[۵]

۶ـ واجب است بعد از انجام رکوع بطور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام عمداً ترک شود نماز باطل است.[۶]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۹۵۹.
۲. توضیح‌المسائل، م ۹۶۰.
۳. توضیح‌المسائل، م ۹۶۱ و ۹۶۳ و ۹۶۴.
* (خوئی) احتیاط مستحب است که هر دو پا روی زمین باشد. (مسألهٔ ۹۷۲)
۴. توضیح‌المسائل، م ۹۶۳.
۵. توضیح‌المسائل، م ۹۷۰ و ۹۷۱.
۶. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۶۲، م ۱؛ و العروة الوثقی؛ ج ۱، ص ۶۶۵، الرابع.

خلاصه درس ۱۶

۱ـ واجبات نماز یازده چیز است که پنج عدد آنها رکن و بقیه غیر رکن است.

۲ـ فرق بین رکن و غیر رکن این است که اگر یکی از ارکان نماز کم یا زیاد شود هر چند از روی فراموشی هم باشد نماز باطل است، ولی کم یا زیاد شدن غیر رکن اگر از روی فراموشی باشد نماز باطل نیست.

۳ـ نیت نماز باید خالی از هرگونه ریا و خودنمایی باشد.

۴ـ تکبیرةالاحرام باید به عربی صحیح گفته شود.

۵ـ قیام هنگام تکبیرةالاحرام و قیام متصل به رکوع، رکن است ولی قیام هنگام قرائت و پس از رکوع رکن نیست امّا واجب است و چنانچه عمداً ترک شود، نماز باطل است.

۶ـ در حال قیام نباید بدن را حرکت دهد، یا به چیزی تکیه کند و باید هر دو پا را بر زمین بگذارد و پاها را زیاد باز نگذارد ولی تمام این موارد در حال ناچاری اشکال ندارد.

۷ـ کسی که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند باید نشسته نماز بخواند و کسی که نمی‌تواند نشسته بخواند باید خوابیده نماز بخواند.

؟ پرسش:

۱ـ ارکان نماز را برشمارید و فرق آن را با غیر رکن بیان فرمائید.

۲ـ چرا به اَللهُ اَکْبَر اول نماز تکبیرةالاحرام می‌گویند؟

۳ـ نیّت را توضیح دهید.

۴ـ قیام را توضیح داده و اقسام آن را بیان فرمائید.

۵ـ قیام قبل و بعد از رکوع را توضیح داده و فرق آن دو را بگوئید.

درس ۱۷

واجبات نماز

■ قرائت

خواندن حمد و یک سورهٔ دیگر در رکعت اول و دوم نماز و خواندن حمد (بدون سوره) یا تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم را «قرائت» گویند.

سوره حمد

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعَالَمِينَ * ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ * مَالِكِ يَوْمِ ٱلدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * إِهْدِنَا ٱلصِّرَاطَ ٱلْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ ٱلَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ * غَيْرِ ٱلْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا ٱلضَّالِّينَ *

در رکعت اول و دوم نماز باید پس از حمد، سوره دیگری از قرآن، خوانده شود، مثلاً سورهٔ «توحید»:

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ ٱللّٰهُ أَحَدٌ * ٱللّٰهُ ٱلصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ *

و در رکعت سوم و چهارم نماز، باید سورهٔ حمد، یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه هم بخواند کافی است.[۱]

تسبیحات اربعه:
«سُبْحانَ اللهِ وَ الْحَمْدُلِلّهِ وَ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَاللهُ اَکْبَر»

احکام قرائت

۱ ـ قرائت رکعت سوم و چهارم نماز باید آهسته خوانده شود، ولی حکم حمد و سوره در رکعت اول و دوم نماز به این شرح است:[۲]

نماز	نمازگزار	حکم
ظهر و عصر	مرد* و زن	باید آهسته بخوانند
مغرب، عشاء، صبح	مرد	باید بلند بخواند
	زن	اگر نامحرم صدای او را نمی‌شنود می‌تواند بلند بخواند و اگر می‌شنود، بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخواند

۲ ـ اگر در جائی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جائی که باید آهسته بخواند، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، صحیح است.[۳]

۳ ـ اگر در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است، (مثلاً می‌بایست بلند

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۰۰۵.
۲. توضیح‌المسائل، م ۹۹۲ تا ۹۹۴ و ۱۰۰۷.
* احکامی که برای مردان گفته می‌شود، پسرها هم همین احکام را دارند.
۳. توضیح‌المسائل، م ۹۹۵.

بخواند ولی آهسته خوانده است) لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند.[۱]

۴ ـ انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که اصلاً نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند و احتیاط مستحب* است که نماز را به جماعت بجا آورد.[۲]

۵ ـ اگر انسان، کلمه‌ای را صحیح بداند، مثلاً کلمه «عَبْدُهُ» را در تشهد «عَبَدَهُ» می‌دانسته و درنماز همانطور بخواند، و بعد بفهمد غلط خوانده است، لازم نیست** دوباره نماز را بخواند.[۳]

۶ ـ در این موارد نمازگزار نباید در رکعت اول و دوم، سوره بخواند و تنها به خواندن حمد اکتفا می‌کند:

الف: وقت نماز تنگ باشد.

ب: ناچار باشد که سوره نخواند، مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند دزد یا درنده، یا چیز دیگری به او صدمه بزنند.[۴]

۷ ـ در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید.[۵]

بعضی از مستحبات قرائت:

۱ ـ در رکعت اول پیش از حمد بگوید: «اَعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیم».

۲ ـ در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ» را بلند بگوید.

۳ ـ حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند، یعنی آن را به آیه بعد نچسباند.

---

۱. همان مدرک.
۲. توضیح المسائل، م ۹۹۷.
* (گلپایگانی) احتیاط لازم آن است که نماز را به جماعت بخواند. (مسألهٔ ۱۰۰۶)
** (گلپایگانی ـ اراکی) باید دوباره بخواند. (مسألهٔ ۱۰۱۰)
۳. توضیح المسائل، م ۱۰۰۱.
۴. توضیح المسائل، م ۹۷۹.
۵. توضیح المسائل، م ۱۰۰۶.

۴ ـ در حال خواندن حمد و سوره به معنای آن توجه داشته باشد.

۵ ـ در تمام نمازها در رکعت اول، سورهٔ «اِنّا اَنزَلْناهُ» و در رکعت دوم سوره «قُل هُوَاللهُ اَحَدٌ» را بخواند.[1]

▣ ذکــــر

یکی از واجبات رکوع و سجده ذکر است، یعنی گفتن «سُبحانَ‌الله» یا «الله اکبر» و مانند آن، که تفصیل هر یک خواهد آمد.

خلاصه درس ۱۷

۱ ـ قرائت نماز، یعنی خواندن «حمد» و سورهٔ دیگری از قرآن در رکعت اول و دوّم نماز و خواندن «حمد» (بدون سوره) یا تسبیحات در رکعت سوّم و چهارم.

۲ ـ قرائت رکعت سوم و چهارم نماز باید آهسته خوانده شود.

۳ ـ پسرها و مردان باید حمد و سوره رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند بخوانند.

۴ ـ حمد و سوره نماز ظهر و عصر باید آهتسه خوانده شود.

۵ ـ در تنگی وقت و در حال ناچاری باید سوره نخواند، و تسبیحات اربعه را هم یکبار بگوید.

٦ ـ اگر انسان کلمه‌ای را صحیح بداند و نماز را همان طور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده است، لازم نیست نماز را دوباره بخواند.

۷ ـ انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند.

؟ پرســش:

۱ ـ قرائت چیست؟ توضیح دهید.

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸.

۲ـ آیا تاکنون قرائت خود را برای کسی خوانده‌اید، اگر پاسخ منفی است، قرائت خود را برای استاد بخوانید و آن را اصلاح کنید.

۳ـ آیا می‌توان تسبیحات اربعه را بلند خواند؟

۴ـ آیا بلند خواندن حمد و سوره در نماز واجب است؟

۵ـ مردی حمد و سورهٔ نماز صبح و مغرب و عشاء را تاکنون آهسته خوانده است، تکلیف او نسبت به نمازهای گذشته چیست؟

۶ـ آیا تاکنون در نمازتان اشتباهی بوده است که اکنون متوجه آن شده باشید؟

۷ـ در چه صورتی نمازگزار نباید سوره بخواند و باید تسبیحات اربعه را نیز یک مرتبه بخواند؟

درس ۱۸

واجبات نماز

▣ رکوع

۱ ـ در هر رکعت بعد از قرائت نمازگزار باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می‌گویند.[۱]

واجبات رکوع:
- ۱ ـ خم شدن به مقداری که بیان شد.
- ۲ ـ ذکر، (گفتن حداقل، سه مرتبه سُبحان‌الله).
- ۳ ـ آرامش بدن در حال گفتن ذکر رکوع.
- ۴ ـ ایستادن بعد از رکوع.
- ۵ ـ آرامش بدن بعد از رکوع.[۲]

ذکر رکوع

در رکوع، هر ذکری گفته شود کافی است، ولی احتیاط واجب* آن‌است که به‌قدر سه‌مرتبه «سُبْحَانَ اللهِ» یا یک‌مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّیَ العَظِیمِ وَبِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.[۳]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۰۲۲.

۲. العروةالوثقی، ج ۱ ـ ص ۶۶۴.

* (اراکی) شرط است که به این مقدار باشد. (مسألهٔ ۱۰۲۰)؛ (گلپایگانی) باید به قدر سه «سبحان‌الله» باشد. (مسألهٔ ۱۰۳۷)

۳. توضیح‌المسائل، م ۱۰۲۸.

آرامش بدن در رکوع

۱ـ در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد.[۱]

۲ـ اگر پیش از آنکه به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید،* نمازش باطل است.[۲]

۳ـ اگر پیش از تمام‌شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است.[۳]

ایستادن و آرامش بعد از رکوع

بعد از تمام شدن ذکر رکوع، باید بایستد و بعد از آنکه بدن آرام گرفت به سجده برود و اگر عمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده برود نمازش باطل است.[۴]

وظیفه کسی که نمی‌تواند به طور معمول رکوع کند:

۱ـ کسی که نمی‌تواند به مقدار رکوع خم شود باید به هر اندازه که می‌تواند خم شود.**

۲ـ کسی که اصلاً نتواند خم شود*** باید نشسته رکوع کند.

۳ـ کسی که نمی‌تواند نشسته رکوع کند باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع، با سر اشاره کند.[۵]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۰۳۰.

۲. توضیح‌المسائل، م ۱۰۳۲.

* (گلپایگانی) باید بعد از آرام گرفتن بدن، دوباره ذکر را بگوید و بنابر احتیاط لازم نماز را تمام‌کرده و دوباره بخواند و اگر به همان ذکر اوّل اکتفا کند نمازش باطل است. (مسألهٔ ۱۰۴۱)

۳. توضیح‌المسائل، م ۱۰۳۳.

۴. توضیح‌المسائل، م ۱۰۴۰.

** (گلپایگانی) در این صورت احتیاط لازم آن است که نماز را دوباره بخواند و رکوع آن را نشسته بجا آورد و اگر هیچ نتواند خم شود باید موقع رکوع بنشیند و نشسته رکوع کند و احتیاط لازم آن است که نماز دیگری هم بخواند و برای رکوع آن با سر اشاره کند. (مسألهٔ ۱۰۴۵)

۵. توضیح‌المسائل، م ۱۰۳۷.

*** (خوئی) باید برای رکوع با سر اشاره کند. (مسألهٔ ۱۰۴۵)

برخی از مستحبات رکوع

۱ـ مستحب است ذکر رکوع را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگوید.

۲ـ مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید.

۳ـ مستحب است در حال رکوع بین دو قدم (روی زمین) را نگاه کند.

۴ـ مستحب است پیش از ذکر رکوع یا بعد از آن صلوات بفرستد.

۵ـ مستحب است بعد از رکوع، هنگامی که ایستاد و بدن آرام گرفت بگوید «سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ حَمِدَه».[1]

▣ سجود

۱ـ نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده بجا آورد.[2]

۲ـ سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست) را بر زمین بگذارد.

واجبات سجده:

۱ـ گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین.
۲ـ ذکـر.
۳ـ آرامش بدن در حال ذکر سجده.
۴ـ سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده.
۵ـ بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر.
۶ـ مساوی بودن جاهای سجده (پست و بلند نبودن).
۷ـ گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است.
۸ـ پاک بودن جائی که پیشانی را می‌گذارد.
۹ـ موالات بین دو سجده.[3]

تفصیل واجبات سجده در درس آینده خواهد آمد.

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۴۳.
۲. توضیح المسائل، م ۱۰۴۵.
۳. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۷۳.

خلاصه درس ۱۸

۱ـ در هر رکعت از نماز، پس از قرائت بجا آوردن یک رکوع لازم است.

۲ـ رکوع عبارت است از خم شدن به مقداری که بتواند دست را به زانو بگذارد.

۳ـ واجبات رکوع عبارت است از:

* خم شدن به مقداری که گفته شد.
* ذکر و آرامش بدن در حال ذکر.
* ایستادن و آرامش بعد از رکوع.

۴ـ احتیاط واجب آن است که ذکر رکوع از سه مرتبه «سُبْحانَ اللهِ» یا یک مرتبه «سُبْحانَ رَبِّیَ العَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.

۵ـ ذکر رکوع باید در حال آرامش بدن گفته شود و در حال رفتن به رکوع و برخاستن از آن گفته نشود.

۶ـ کسی که نمی‌تواند ایستاده رکوع کند، باید نشسته رکوع کند و کسی که نشسته هم نمی‌تواند بجا آورد، باید با سر اشاره کند.

۷ـ نمازگزار باید پس از رکوع، دو سجده بجا آورد.

۸ـ در سجده باید، پیشانی، کف دو دست، سرزانوها و نوک انگشتان بزرگ پا (شست) بر زمین باشد.

؟ پرسش:

۱ـ فرق رکوع و ذکر رکوع چیست؟

۲ـ مقدار توقف در حالت رکوع چقدر است؟

۳ـ آیا ایستادن بعد از رکوع واجب است؟

۴ـ سجده‌را تعریف کنید، و بگوئید سجده جزو کدام دسته از واجبات نماز است؟

۵ـ چهار مورد از واجبات سجده را بیان کنید.

درس ۱۹

واجبات سجـده

ذکــــر:

در سجده هر ذکری بگوید کافی است ولی احتیاط واجب* آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه «سُبْحَانَ اللهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّیَ الأَعْلیٰ وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.[۱]

آرامـــش:

۱ ـ در سجده باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد.[۲]

۲ ـ اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد و آرام گیرد عمداً ذکر را بگوید نماز باطل است** و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.[۳]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۰۴۹.

* (اراکی) شرط است که از این مقدار کمتر نباشد. (مسألهٔ ۱۰۴۱).

۲. توضیح‌المسائل، م ۱۰۵۰.

** باید بعد از رسیدن پیشانی به زمین و آرام گرفتن بدن دوباره ذکر را بگوید و بنابر احتیاط لازم نماز را تمام کرده و و دوباره بخواند. (مسألهٔ ۱۰۶۰)

۳. توضیح‌المسائل، م ۱۰۵۱ و ۱۰۵۲.

سربرداشتن از سجده:

۱ ـ بعد از تمام شدن ذکر سجدهٔ اول باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.[۱]

۲ ـ اگر پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است.[۲]

برزمین بودن هفت عضو:

۱ ـ اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود،* ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.[۳]

۲ ـ اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم بر زمین باشد مانع ندارد.[۴]

مساوی بودن مواضع سجده:

۱ ـ جای پیشانیِ نمازگزار باید از جای زانوهایش پست‌تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.[۵]

۲ ـ احتیاط واجب** آن است که جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتان پایش هم پست‌تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.[۶]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۰۵۶.
۲. توضیح‌المسائل، م ۱۰۵۲.
* (گلپایگانی) احتیاط لازم آن است که بعد از آرام گرفتن همهٔ اعضاء دوباره ذکر واجب را بگوید و نماز را تمام کند و دوباره بخواند. (مسألهٔ ۱۰۶۳)
۳. توضیح‌المسائل، م ۱۰۵۴.
۴. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۷۳، م ۴؛ و العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۷۶، م ۷.
۵. توضیح‌المسائل، م ۱۰۵۷.
** (خوئی ـ اراکی) باید پست‌تر یا بلندتر نباشد. (مسألهٔ ۱۰۶۶)
۶. توضیح‌المسائل، م ۱۰۵۷.

گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است:

۱ـ در سجده باید پیشانی را بر زمین و یا آنچه از زمین می‌روید ولی خوراکی و پوشاکی نیست قرار دهد.[۱]

۲ـ نمونه‌هائی از چیزهائی که سجده بر آنها صحیح است:

* خاک
* سنگ
* گل پخته*
* گچ
* چوب
* چمن

احکام سجده

۱ـ سجده بر چیزهای معدنی مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه، صحیح نیست.[۲]

۲ـ سجده کردن برای غیر خداوند حرام است.[۳]

۳ـ سجده بر چیزهائی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است، مثل علف و کاه صحیح است.[۴]

۴ـ سجده بر کاغذ، اگر چه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد صحیح است.[۵]**

۵ـ برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهداء ـ علیه‌السلام ـ می‌باشد

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۰۷۶.

* (اراکی ـ گلپایگانی) سجده بر گچ و آهک و گل پخته صحیح نیست. (مسألۀ ۱۰۹۰)

۲. توضیح المسائل، م ۱۰۷۶.

۳. توضیح المسائل، م ۱۰۹۰.

۴. توضیح‌المسائل، م ۱۰۷۸.

** (گلپایگانی) سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده و همچنین کاغذی که انسان نمی‌داند از چیزی که سجده بر آن صحیح است ساخته شده یا نه اشکال دارد. (مسألۀ ۱۰۹۱)

۵. توضیح‌المسائل، م ۱۰۸۲.

و بعد از آن بدین ترتیب:

* خاک
* سنگ
* گیاه[۱]

۶ـ اگر در سجده اول، مُهر به پیشانی بچسبد و بدون اینکه مُهر را بردارد دوباره به سجده رود نماز باطل است.[۲]

وظیفه کسی که نمی‌تواند بطور معمول سجده کند:

۱ـ کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می‌تواند خم شود و مهر را برجای بلندی مثل بالش، بگذارد و سجده کند، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول بر زمین بگذارد.[۳]

۲ـ اگر نمی‌تواند خم شود باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند،[۴] ولی احتیاط واجب آن است که مهر را بالا بیاورد و پیشانی را بر آن بگذارد.

بعضی از مستحبات سجده:

۱ـ در این موارد، مستحب است تکبیر بگوید:

* بعد از رکوع و قبل از سجدهٔ اول.
* بعد از سجدهٔ اول، در حالی که نشست و بدنش آرام گرفت.
* قبل از سجدهٔ دوم، در حالی که نشسته است و بدنش آرام است.
* بعد از سجدهٔ دوم.

۲ـ طول دادن سجده‌ها مستحب است.

۳ـ گفتن «اَستَغفِرُاللهَ رَبّی وَ اَتوبُ اِلَیهِ» بعد از سجدهٔ اول در حالی که بدنش آرام

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۰۸۳.
۲. توضیح‌المسائل، م ۱۰۸۶.
۳. توضیح‌المسائل، م ۱۰۶۸.
۴. توضیح‌المسائل، م ۱۰۶۹.

گرفت مستحب است.

۴ ـ صلوات فرستادن در سجده‌ها مستحب است.[۱]

خلاصه درس ۱۹

۱ ـ بنا بر احتیاط واجب، ذکر رکوع نباید از یک مرتبه «سُبْحانَ رَبّیَ الاَعلیٰ وَ بِحَمْدِهِ» یا سه مرتبه «سُبْحانَ اللهِ» کمتر باشد.

۲ ـ تمام ذکر رکوع باید در حالی که بدن آرام است گفته شود.

۳ ـ در سجده، باید این اعضاء بر زمین قرار گیرد: پیشانی، کف دو دست، زانوها، نوک انگشتان شستِ پا.

۴ ـ جایگاه‌سجده‌باید هموارباشد وبیش از چهارانگشت بسته، پست و بلند نباشد.

۵ ـ سجده بر چوب، خاک، سنگ، کلوخ و گل پخته صحیح است.

۶ ـ سجده بر چیزهائی که از زمین می‌روید و خوراکی یا پوشاکی انسان می‌باشد، صحیح نیست.

۷ ـ برای سجده، بهتر از هر چیز، تربت حضرت سیدالشهداء(ع) است.

؟ پرسش:

۱ ـ سجده را تعریف کنید و بگوئید جزو کدام دسته از واجبات نماز است.

۳ ـ مقدار ذکر واجب سجده را بگوئید.

۴ ـ مقصود از موالات بین دو سجده چیست؟ توضیح دهید.

۵ ـ سجده برچوب و پوست‌بادام و پوست سیب و پوست پرتقال چه حکمی دارد؟

۶ ـ سجده بر کاغذ و قوطی کبریت چه حکمی دارد؟

۷ ـ کسی که نمی‌تواند بطور معمول سجده کند، وظیفه‌اش نسبت به سجده چیست؟

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۰۹۱.

درس ۲۰

احکام واجبات نماز

سجده واجب قرآن

۱ـ در چهار سورهٔ قرآن، آیهٔ سجده است که اگر انسان آن آیه را بخواند یا وقتی که دیگری آن را می‌خواند به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آن آیه باید فوراً سجده کند.[1]

۲ـ سوره‌هائی که آیه سجده دارد:
- ۱ ـ سورهٔ شمارهٔ ۳۲ = سجده
- ۲ ـ سورهٔ شمارهٔ ۴۱ = فُصِّلت
- ۳ ـ سورهٔ شمارهٔ ۵۳ = نَجم
- ۴ ـ سورهٔ شمارهٔ ۹۶ = عَلَق[2]

۳ـ چنانچه سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده کند.[3]

۴ـ اگر آیهٔ سجده را از ضبط صوت بشنود، لازم نیست سجده کند.[4]**

۵ـ اگر آیه سجده را از بلندگو یا رادیو یا تلویزیون بشنود، چنانچه صدای انسان را

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۹۳.
۲. توضیح المسائل، م ۱۰۹۳.
۳. توضیح المسائل، م ۱۰۹۳.
۴. توضیح المسائل، م ۱۰۹۶.
** (گلپایگانی) اگر آیهٔ سجده از بلندگو یا رادیو هم خوانده شود و به آن گوش دهد باید سجده کند. (مسألهٔ ۱۱۰۲)؛ (اراکی) اگر از مثل ضبط صوت آیه را بشنود، بنابر احتیاط واجب باید سجده کند ولی اگر از مثل بلندگو که صدای انسان را می‌رساند بشنود، واجب است سجده کند. (مسألهٔ ۱۰۸۸)

می‌رساند و از نوار استفاده نمی‌شود، یعنی همان وقت که صدا پخش می‌شود، شخصی در حال خواندن آن آیه است و این وسیله، صدای او را می‌رساند واجب است سجده کند.[1]

۶ـ هنگام سجده برای این آیه‌ها، باید پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد ولی مراعات سایر شرایط سجده، لازم نیست.[2]*

۷ـ گفتن ذکر در این سجده واجب نیست، اما مستحب می‌باشد.[3]

۸ ـ تشهّد:

در رکعت دوم و آخر نمازهای واجب، نمازگزار باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند، یعنی بگوید:

«اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ
وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ و رَسُولُهُ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».[4]

۹ ـ سلام:

۱ ـ در رکعت آخر هر نماز پس از تشهد باید سلام دهد و نماز را به پایان ببرد.

۲ ـ مقدار واجب سلام یکی از این دو است:

۱ ـ «اَلسَّلامُ عَلَيْنا وَ عَلىٰ عِبادِاللّٰهِ الصّالِحِينَ».**

۲ ـ «اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ».[5]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۰۹۶.

۲. توضیح‌المسائل، م ۱۰۹۷.

* (سایر مراجع) مراعات بعضی از شرائط سجده لازم است، به توضیح‌المسائل مسألهٔ ۱۰۸۹ مراجعه کنید.

۳. توضیح‌المسائل، م ۱۰۹۹.

۴. توضیح‌المسائل، م ۱۱۰۰.

۵. توضیح‌المسائل، م ۱۱۰۵.

** (گلپایگانی) اگر این سلام را بگوید، احتیاط واجب آن است که بعد از آن «السلام علیکم و رحمةالله و برکاته» را هم بگوید. (مسألهٔ ۱۱۱۴)

۳ـ مستحب است قبل از این دو سلام بگوید:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ».

و هر سه را نیز بگوید.[1]

۱۰ـ ترتیب:

نماز باید بدین ترتیب خوانده شود: تکبیرةالاحرام، قرائت، رکوع، سجود، و در رکعت دوم پس از سجود، تشهد بخواند و دررکعت آخر، پس از تشهد، سلام دهد.

۱۱ـ مُوالات:

۱ـ موالات یعنی پشت سرهم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.

۲ـ اگر بقدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است.[2]

۳ـ طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ، موالات را بهم نمی‌زند.[3]

قنـوت:

۱ـ مستحب است در رکعت دوم نماز بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند، یعنی دستها را بلند کند و مقابل صورت بگیرد و دعا یا ذکری بخواند.[4]

۲ـ در قنوت هر ذکری بگوید اگر چه یک «سُبْحانَ اللهِ» باشد کافی است و می‌تواند این دعا را بخواند.

«رَبَّنا اٰتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ».[5]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۱۰۵.
۲. توضیح‌المسائل، م ۱۱۱۴.
۳. توضیح‌المسائل، م ۱۱۱۶.
۴. توضیح‌المسائل، م ۱۱۱۷.
۵. توضیح‌المسائل، م ۱۱۱۸.

تعقیب نماز:

تعقیب (در بحث نماز) یعنی مشغول شدن به ذکر و دعا و قرآن بعد از سلام نماز.

۱ ـ بهتر است در حال تعقیب رو به قبله باشد.

۲ ـ لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی بهتر است چیزهائی راکه در کتابهای دعا دستور داده‌اند بخواند.

۳ ـ گفتن تسبیح حضرت زهرا یعنی: ۳۴ مرتبه «اَللّهُ اکبر» و ۳۳ مرتبه «اَلحمدُ لله» و ۳۳ مرتبه «سُبْحانَ الله» مستحب است.[۱]

خلاصه درس ۲۰

۱ ـ سوره‌های، سجده، فُصّلت، نَجم، عَلَق دارای آیهٔ سجده است که با خواندن یا گوش دادن به آن آیات، سجده واجب می‌شود.

۲ ـ با شنیدن آیهٔ سجده از ضبط صوت، سجده واجب نمی‌شود، ولی اگر بلندگو یا رادیو یا تلویزیون بطور مستقیم (بدون استفاده از نوار ضبط شده) صدای انسان را پخش کند، سجده واجب می‌شود.

۳ ـ در رکعت دوم و آخر نماز، خواندن تشهد واجب است.

۴ ـ سلام، پایان بخش نماز است و در رکعت آخر، پس از تشهد خوانده می‌شود.

۵ ـ حفظ ترتیب بین اجزای نماز واجب است.

۶ ـ ترتیب اجزای اصلی نماز بدین شرح است: تکبیرةالاحرام ـ قرائت ـ رکوع ـ سجود ـ و در رکعت دوم پس از سجود تشهد خوانده می‌شود و در رکعت آخر نماز پس از تشهد سلام است.

۷ ـ اجزای نماز باید پشت سر هم انجام شود و اگر بین آنها فاصلهٔ زیاد بیفتد، نماز باطل است.

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۱۲۲.

؟ پرسش:

۱ـ با مراجعه به قرآن کریم، آیاتی که سجده واجب دارد بنویسید.

۲ـ جایگاه تشهد را در نماز بیان فرمائید.

۳ـ مقدار واجب و مستحب نماز را بیان کنید.

۴ـ فرق ترتیب و موالات را توضیح دهید.

۵ـ دعای دیگری برای قنوت غیر از آنچه در درس آمده است بنویسید.

درس ۲۱

مُبطِلات نماز

آنگاه که نمازگزار، تکبیرةالاحرام می‌گوید و نماز را شروع می‌کند تا پایان آن، بعضی از کارها بر او حرام می‌شود که اگر در نماز، یکی از آنها راانجام دهد نمازش باطل است، مهمترین آنها عبارت است از:

- خوردن و آشامیدن.
- سخن گفتن.
- خندیدن.
- گریستن.
- روی از قبله برگرداندن.
- کم یا زیاد کردن ارکان نماز.
- بر هم زدن صورت نماز.[۱]

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۱۲۶.

احکام مبطلات نماز

● **سخن گفتن**

۱ ـ اگر نمازگزار عمداً کلمه‌ای بگوید* و بخواهد با آن معنایی را برساند نمازش باطل است.[۱]

۲ ـ اگر عمداً کلمه‌ای بگوید که دو حرف یا بیشتر داشته باشد، هر چند نخواهد با گفتن آن معنائی را برساند بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.[۲]**

۳ ـ در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند واجب است جواب او را بدهد، و باید سلام را مقدم بدارد. مثلاً بگوید: «اَلسَّلامُ عَلَیْكَ» یا «اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ» و نباید «عَلَیْکُمُ السَّلام» بگوید.[۳]***

● **خندیدن و گریستن:**

۱ ـ اگر نمازگزار عمداً با صدا بخندد، نمازش باطل است.

۲ ـ لبخند زدن نماز را باطل نمی‌کند.

۳ ـ اگر نمازگزار برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند نمازش باطل است.

۴ ـ گریهٔ بدون صدا و گریه از ترس خدا یا برای آخرت، هر چند با صدا باشد، نماز را باطل نمی‌کند.[۴]****

---

۱. توضیح‌المسائل، ص ۱۵۴.

* (گلپایگانی ـ اراکی) در صورتی که آن کلمه، دو حرفی یا بیشتر باشد. (توضیح المسائل ص ۱۹۹)

۲. توضیح‌المسائل، ص ۱۵۴.

** (خوئی) نمازش باطل نیست ولی لازم است بعد از نماز سجدهٔ سهو بجا آورد. (مسألهٔ ۱۱۴۱)

۳. توضیح‌المسائل، م ۱۱۳۷.

***(اراکی ـ گلپایگانی) باید همانطور که او سلام کرده جواب دهد ولی در جواب «علیکم السلام» باید بگوید «سلام علیکم». (مسألهٔ ۱۱۴۶)؛ (خوئی) بنابر احتیاط واجب باید همانطور که او سلام کرده جواب دهد ولی در جواب «علیکم السلام» هرگونه بخواهد می‌تواند بگوید. (مسألهٔ ۱۱۴۶)

****(سایر مراجع) احتیاط واجب آن است که برای کار دنیا بی‌صدا هم گریه نکند. (توضیح المسائل ص۲۰۹)

۴. توضیح‌المسائل، ص ۱۵۶ هفتم و هشتم از مبطلات نماز.

● روی از قبله برگرداندن

۱ ـ اگر عمداً به مقداری روی خود را از قبله برگرداند به طوری که نگویند رو به قبله است نمازش باطل است.

۲ ـ اگر سهواً تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند،* احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند. ولی اگر به طرف راست یا چپ قبله نرسیده است، نماز صحیح است.[۱]

● برهم زدن صورت نماز

۱ ـ اگر در بین نماز کاری کند که صورت نماز را بر هم زند مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها، هر چند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می‌شود.[۲]

۲ ـ اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند نمازش باطل می‌شود.[۳]

۳ ـ رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) حرام است مگر در حال ناچاری، مانند این موارد:

* حفظ جان
* حفظ مال
* جلوگیری از ضرر مالی و بدنی

۴ ـ شکستن نماز برای پرداخت بدهی مردم با این شرایط اشکال ندارد:

* طلبکار، طلب خود را می‌خواهد.
* وقت نماز تنگ نیست، یعنی؛ می‌تواند پس از پرداخت بدهی، نماز را در وقت

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۱۳۱.

* (گلپایگانی) اگر سر را به طرف راست یا چپ قبله بگرداند، عمداً باشد یا سهواً، نمازش باطل نمی‌شود ولی کراهت دارد (مسألهٔ ۱۱۴۰)

۲. توضیح‌المسائل، ص ۱۵۶، نهم از مبطلات نماز.

۳. توضیح‌المسائل، م ۱۱۵۲.

آن بخواند.

* در بین نماز نمی‌تواند بدهی را بپردازد.[۱]

۵ـ شکستن نماز برای مالی که اهمیّت ندارد مکروه است.[۲]

چیزهائی که در نماز مکروه است:

۱ـ برهم گذاشتن چشمها.

۲ـ بازی کردن با انگشتان و دستها.

۳ـ سکوت کردن در هنگام خواندن حمد یا سوره و یا ذکر، برای شنیدن حرف کسی.

۴ـ هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد.

۵ـ برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (چون زیاد آن نماز را باطل می‌کند).[۳]

خلاصه درس ۲۱

۱ـ این کارها نماز را باطل می‌کند:

* خوردن و آشامیدن
* سخن گفتن
* خندیدن
* گریستن
* روی از قبله برگرداندن
* کم یا زیاد کردن ارکان نماز
* بر هم زدن صورت نماز

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۵۹ تا ۱۱۶۱.
۲. توضیح المسائل، م ۱۱۶۰.
۳. توضیح المسائل، م ۱۱۵۷.

۲ ـ سخن گفتن در نماز هر چند یک کلمه دو حرفی هم باشد نماز را باطل می‌کند.

۳ ـ خندیدن با صدا نماز را باطل می‌کند.

۴ ـ گریستن با صدا و برای کار دنیا نماز را باطل می‌کند.

۵ ـ اگر نمازگزار تمام صورت را به راست یا چپ قبله برگرداند و یا پشت به قبله کند، نمازش باطل است.

۶ ـ اگر نمازگزار کاری کند که صورت نماز بهم بخورد نمازش باطل است.

۷ ـ شکستن نماز برای حفظ جان و مال و پرداخت بدهی مردم در صورتی که طلبکار طلب خود را می‌خواهد و وقت نماز هم وسعت دارد و در نماز هم نمی‌تواند بدهی را بپردازد، اشکال ندارد.

؟ پرسش:

۱ ـ چه کارهائی نماز را باطل می‌کند؟

۲ ـ اگر کسی به نمازگزار سلام کند وظیفه نمازگزار چیست؟

۳ ـ چه نوع خنده و گریه‌ای نماز را باطل نمی‌کند؟

۴ ـ اگر نمازگزار متوجه شود که بچه‌ای به بخاری نزدیک می‌شود و ممکن است بدنش بسوزد آیا می‌تواند نماز را بشکند؟

۵ ـ مسافری در بین نماز متوجه می‌شود که قطار آماده حرکت است، آیا می‌تواند برای رسیدن به قطار نماز را بشکند؟

(۴)- برای حفظ جان نماز را شکستن صحیح است
(۵) صحیح است

درس ۲۲

ترجمه اذان، اقامه، نماز*

* «اَللهُ اَکْبَرُ».

خدا از همه بزرگتر است.

* «اَشْهَدُ اَنْ لااِلٰهَ اِلاَّ اللهُ».

گواهی می‌دهم که جز آفریدگار جهان خدایی نیست.

* «اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ».

گواهی می‌دهم که محمّد(ص) پیغمبر خدا است.

* «اشْهَدُ اَنَّ عَلِیّاً امیرالمؤمنین وَلِیُّ اللهِ».

گواهی می‌دهم که حضرت علی(ع) امیر مؤمنان و ولی خدا بر مردم است.

* «حَیَّ عَلَی الصَّلاٰةِ».

بشتابید به سوی نماز.

* «حَیَّ عَلَی الفَلاٰحِ».

بشتابید به سوی رستگاری.

* «حَیَّ عَلَی خَیرِ العَمَلِ».

بشتابید به سوی بهترین کارها.

* «قَدْ قٰامَتِ الصَّلاٰةُ».

نماز برپا شد.

---

* این درس نیاز به تدریس ندارد و مطالعهٔ آن کافی است.

* «اَللّٰهُ اَکْبَرُ».

خدا از همه بزرگتر است.

* «لاٰاِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ».

جز آفریدگار جهان خدائی نیست.

ترجمه نماز

تکبیرةالاحرام : * «اَللّٰهُ اَکْبَرُ».

خداوند از هر کس و هر چیز بزرگتر است.

حمد : * «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ».

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان.

* «اَلْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

ستایش، مخصوص خدا، پروردگار جهانیان است.

* «الرَّحمٰنِ الرَّحِيمِ».

خدای بخشندهٔ مهربان.

* «مٰالِكِ يَوْمِ الدِّينِ».

صاحب روز پاداش (قیامت).

* «اِيّٰاكَ نَعْبُدُ وَ اِيّٰاكَ نَسْتَعِينُ».

تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو کمک می‌خواهیم.

* «اِهْدِنَاالصِّرٰاطَ الْمُسْتَقِيمَ».

ما را به راه راست هدایت فرما.

* «صِرٰاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ».

راه آنانکه به آنها نعمت دادی.

* «غَيْرِالْمَغضُوبِ عَلَيْهِمْ».

نه راه کسانی که بر آنها خشم شده است.

* «وَلَا الضَّالِّينَ».

و نه راه گمراهان

سوره : * «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ».

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان.

* «قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ».

بگو اوست خدای یکتا.

* «اَللهُ الصَّمَدُ».

خدای بی‌نیاز.

* «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ».

خدائی که نه فرزند کسی است و نه فرزندی دارد.

* «وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ».

و هیچ کسی، همتای او نیست.

ذکر رکوع : * «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ».

خدای بزرگ خود را می‌ستایم و پیراسته می‌شمرم.

ذکر سجود: * «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْاَعْلىٰ وَ بِحَمْدِهِ».

خداوند خود را که از همه بالاتر است می‌ستایم و پیراسته می‌شمرم.

تسبیحات اربعه: * «سُبْحَانَ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَر».

پیراسته باد خدا، ستایش مخصوص خدا است، جز آفریدگار جهان خدایی نیست و خدا از همه بزرگتر است.

تشهّد : * «اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ».

گواهی می‌دهم که جز آفریدگار، خدایی نیست و یکتا و بی‌همتاست و شریک ندارد.

* «وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُه».

و گواهی می‌دهم که محمد(ص) بنده و فرستادهٔ خداوند است.

* «اَللّٰهُمَّ صَلِّ علىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحمّدٍ».

خداوندا بر محمد و خاندان او درود فرست».

سلام : * «اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهاالنَّبِيُّ وَ رَحْمَةُاللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ».

درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر.

* «اَلسَّلامُ عَلَيْنا وَ علىٰ عِبادِاللّٰهِ الصّالِحينَ».

درود بر ما (نمازگزاران) و بر بندگان شایستهٔ خدا.

* «اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُاللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ».

درود بر شما و رحمت و برکات خدا بر شما.

؟ پرسش:

۱ ـ جمله‌ای که در اقامه هست ولی در اذان نیست ترجمه کنید.

۲ ـ تسبیحات اربعه را ترجمه کنید.

۳ ـ سورهٔ کوتاه دیگری غیر از سوره‌ای که در درس آمده است از قرآن انتخاب کرده و ترجمه کنید.

۴ ـ ترجمه اولین و آخرین جمله نماز چیست؟

۵ ـ مجموعهٔ جمله‌های نماز (بدون اذان و اقامه) با حذف جمله‌های تکراری چند تاست؟

درس ۲۳ و ۲۴

شَکیّات نماز

گاهی ممکن است نمازگزار در انجام جزئی از نماز شک کند؛ مثلاً نمی‌داند تشهد را خوانده است یا نه و یانمی‌داند یک سجده بجا آورده است یا دو سجده و گاهی در تعداد رکعاتی که خوانده است شک می‌کند؛ مثلاً نمی‌داند اکنون مشغول رکعت سوم است یا چهارم.

برای شک در نماز احکام خاصی است و بیان تمام موارد آن از حد این جزوه خارج است ولی بطور مختصر، به بیان اقسام شک و احکام هر کدام می‌پردازیم.

اقسام شک در نماز[1]

۱ـ شک در اجزای نماز:

الف: اگر در انجام جزئی از اجزای نماز شک کند؛ یعنی، نمی‌داند آن جزء را بجا آورده است یا نه، اگر جزء بعدی را شروع نکرده است، یعنی؛ هنوز از محل آن جزء نگذشته است؛ باید آن را بجا آورد. ولی اگر بعد از داخل شدن در جزء بعدی شک پیش آمده است، یعنی؛ از محل آن گذشته است؛ به چنین شکی اعتناء نمی‌شود و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است.

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰.

ب: اگر در صحّت جزئی از نماز شک کند، یعنی نمی‌داند جزئی را که بجا آورده، صحیح انجام شده است یا نه، در این صورت به شک خود اعتناء نمی‌کند، یعنی؛ بنا می‌گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است.

۲ـ شک در رکعات:*

*** شکهائی که نماز را باطل می‌کند.**[1]

۱ـ اگر در نمازِ دو رکعتی مثل نماز صبح یا در نمازِ مغرب، شک در رکعت پیش آید نماز باطل است.

۲ـ شک بین یک و بیشتر از یک، یعنی اگر شک کند یک رکعت خوانده یا بیشتر، نماز باطل است.

۳ـ اگر در نماز نداند چند رکعت خوانده نماز باطل است.

*** شکهائی که نباید به آنها اعتناء کرد:**[2]

۱ـ در نمازِ مستحبی.

۲ـ در نمازِ جماعت؛ که توضیح این دو خواهد آمد.

۳ـ پس از سلام نماز؛ اگر بعد از تمام شدن نماز، شک در رکعت یا اجزاء پیش آید، لازم نیست نماز را دوباره بخواند.

۴ـ بعد از گذشت وقت نماز؛ اگر پس از گذشت وقت نماز، شک کند که نماز را خوانده است یا نه، خواندن آن نماز لازم نیست.

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۱۶۵ .

۲. توضیح‌المسائل، م ۱۱۶۸ .

* شک در رکعات نماز، موارد دیگری نیز دارد، امّا چون پیش آمدن آن موارد بسیار کم است از بیان آنها صرف‌نظر شد، برای آشنایی می‌توانید به رسالهٔ توضیح المسائل مسألهٔ ۱۱۶۵ تا ۱۲۰۰ مراجعه کنید.

شک در رکعات نماز چهار رکعتی[۱]

شک	درحال قیام	دررکوع	بعداز رکوع	درسجده	بعدازسجده‌ها درحالت نشسته	وظیفهٔ نمازگزار در مواردی که نماز صحیح می باشد
شک بین ۲ و ۳	باطل	باطل	باطل	باطل*	صحیح	بنابر سه گذاشته و یک رکعت دیگر می خواند و پس ازسلام، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته می‌خواند.**
شک بین ۲ و ۴	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	بنا بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده می‌خواند.
شک بین ۳ و ۴	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	بنا را برچهار می‌گذاردونمازرا تمام‌می‌کند وبعدازنماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می‌خواند.
شک بین ۴ و ۵	صحیح	باطل	باطل	باطل	صحیح	اگر در حال قیام شک پیش آمده‌است، بدون رکوع می‌نشیند و نماز را تمام می‌کند و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می‌خواند*** و اگر در حالت نشسته پیش آمده است، بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا می‌آورد.

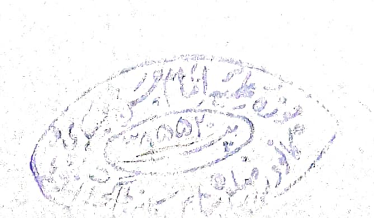
---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۱۹۹ . و العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۰، م ۳.

* به فتوای حضرت آیةالله خوئی، اگر پس از ذکر سجده شک پیش آید و به فتوای حضرت آیةالله گلپایگانی اگر بعد از ذکر واجب، شک پیش آید، حکم شک در حالت نشسته را دارد. (مسألهٔ ۱۱۹۹)

** (اراکی - خوئی) بنابر احتیاط واجب ایستاده بخواند (مسأله ۱۱۹۱). (گلپایگانی) باید یک رکعت ایستاده بخواند (مسأله ۱۲۰۸)

*** (گلپایگانی) در این صورت احتیاط لازم آن است که بعد از نماز احتیاط دو سجده سهو بجا آورد. (مسألهٔ ۱۲۰۸)



یـاد آوری:

۱ ـ هر آنچه در نماز خوانده یا بجا آورده می‌شود، جزئی از نماز است.

۲ ـ اگر نمازگزار شک کند که جزئی از نماز را خوانده است یا نه، مثلاً شک دارد سجده دوم را بجا آورده است یا نه، چنانچه وارد جزء بعدی نشده است باید آن جزء را بجا آورد، ولی اگر وارد جزء بعدی شده است به شک خود اعتناء نمی‌کند، بنابراین اگر مثلاً، در حالی که نشسته است و تشهد را شروع نکرده، شک کند یک سجده بجا آورده است یا دو سجده، باید یک سجده دیگر بجا آورد، اما اگر در بین تشهد و یا پس از ایستادن شک کند، لازم نیست سجده‌ای بجا آورد و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است.

۳ ـ چنانچه پس از بجا آوردن جزئی از اجزاء نماز مثلاً خواندن حمد و یا یک کلمه از آن شک کند که صحیح بجا آورده است یا نه، به شک خود توجه نمی‌کند و لازم نیست دوباره بجا آورد و نماز را ادامه می دهد و صحیح است.

۴ ـ شک در رکعت، یعنی در بین نماز در تعداد رکعتهای خوانده شده شک کند، مثلاً، هنگام خواندن تسبیحات نداند که اکنون رکعت چهارم را می خواند یا سوم؟

۵ ـ اگر در تعداد رکعتهای نماز مستحبی شک کند، بنابر دو می‌گذارد چون تمام نمازهای مستحبی ـ بجز نماز وتر ـ دورکعتی است پس اگر شک بین یک و دو یا دو و بیشتر از آن پیش آید، بنابر دو می گذارد و نماز صحیح است.

۶ ـ در نماز جماعت، اگر امام جماعت شک کند ولی مأموم شک نداشته باشد و مثلاً با گفتن «الله اکبر» امام را مطلع کند، امام جماعت به شک خود اعتناء نمی‌کند و همچنین اگر مأموم شک کند ولی امام جماعت شک نداشته باشد، همانگونه که امام جماعت نماز را انجام می‌دهد او هم عمل می‌کند و صحیح است.

۷ ـ اگر یکی از شکهائی که نماز را باطل می کند پیش آید، باید کمی فکر کند و چنانچه چیزی یادش نیامد و شک باقی ماند، نماز را بهم می‌زند و دوباره شروع می کند.

نماز احتیاط

۱ـ در مواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود مثل، شک بین ۳ و ۴، باید بعد از سلام نماز، بدون آنکه صورت نماز را بهم بزند و یا مبطلی از مبطلات نماز راانجام دهد برخیزد و بدون اذان و اقامه تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.

فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

* نیّت آن را نباید به زبان آورد.
* سوره و قنوت ندارد (هر چند دو رکعتی باشد).
* حمد را باید آهسته بخواند (بنابر احتیاط واجب).*

۲ـ اگر یک رکعت نماز احتیاط واجب باشد، پس از سجده‌ها، تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد، نباید در رکعت اول تشهد و سلام بخواند، بلکه باید یک رکعت دیگر هم (بدون تکبیرة الاحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد.[1]

سجدهٔ سهو

۱ـ در مواردی که سجده سهو واجب می‌شود، مانند شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته، باید بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید: بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و بهتر است بگوید: بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ** و بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید سپس بنشیند و تشهد و سلام را بجا آورد.[2]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۲۱۵ و ۱۲۱۶.

* (گلپایگانی ـ خویی) سورهٔ حمد را واجب است آهسته بخواند. (مسألهٔ ۱۲۲۵)

۲. توضیح‌المسائل، م ۱۲۵۰.

**(خوئی) احتیاط واجب آن است که جملهٔ دوّم را بگوید. (مسأله ۱۲۵۹)

۲ـ سجده سهو تکبیرةالاحرام ندارد.

خلاصهٔ درس ۲۳ و ۲۴

۱ـ اگر نمازگزار قبل از وارد شدن در جزء بعدی نسبت به انجام آن جزء شک کند باید آن را بجا آورد.

۲ـ اگر بعد از گشتن محل، در جزئی از اجزای نماز شک کند، اعتنا نمی‌شود.

۳ـ اگر نسبت به صحیح بودن جزئی از نماز شک کند، اعتنا نمی‌شود.

۴ـ اگر در تعداد رکعات نماز دو رکعتی یا سه رکعتی شک کند نماز باطل است.

۵ـ در این موارد به شک اعتنا نمی‌شود:

* در نماز مستحبی
* در نماز جماعت
* بعد از سلام نماز
* بعد از وقت نماز

۶ـ در مواردی که شک در رکعات، نماز را باطل نمی‌کند، اگر طرف بیشتر شک از چهار نگذشته باشد بنا را بر بیشتر می‌گذارد.

۷ـ نماز احتیاط برای رفع کمبود احتمالی نماز است، پس در شک بین ۳ و ۴ باید یک رکعت نماز احتیاط بخواند و در شک بین ۲ و ۴ باید دو رکعت بخواند.

۸ـ فرق نماز احتیاط با دیگر نمازها، این است:

* نیت نباید به زبان آورده شود.
* سوره و قنوت ندارد.
* حمد را باید آهسته بخواند.

۹ـ سجده سهو باید فوراً بعد از انجام نماز بجا آورده شود و دو سجده با هم است و تکبیرةالاحرام ندارد.

؟ پرسش:

۱ ـ اگر هنگام خواندن تسبیحات اربعه شک کند تشهد را خوانده است یا نه تکلیف چیست؟

۲ ـ برای شک در اجزای نماز چهار مثال بزنید؟

۳ ـ اگر در تعداد رکعات نماز صبح یا مغرب شک کند تکلیف چیست؟

۴ ـ اگر در رکوع نماز چهار رکعتی شک کند که رکعت سوم است یا چهارم تکلیف چیست؟

۵ ـ اگر ساعت چهار بعد از ظهر شک کند نماز ظهر و عصر را خوانده است یا نه تکلیف چیست؟

۶ ـ شخصی پس از گفتن تکبیرة‌الاحرام شک کند صحیح گفته است یا نه تکلیف چیست؟

۷ ـ اگر در حال قیام شک بین ۴ و ۵ پیش آید تکلیف چیست؟

۸ ـ آیا می‌دانید که چرا در نماز احتیاط باید حمد را آهسته بخواند؟

۹ ـ آیا تاکنون در نماز شک کرده‌اید؟ اگر پاسخ مثبت است توضیح دهید چگونه عمل کردید.

۱۰ ـ کیفیت انجام سجدهٔ سهو را توضیح دهید.

درس ۲۵

نماز مسافر

انسان باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت (یعنی شکسته) بجا آورد، به شرط آنکه مسافرتش ازهشت فرسخ که حدود ۴۵ کیلومتر است کمتر نباشد.[۱]

چند مسئله:

۱ ـ اگر مسافر از جائی که نمازش تمام* است ـ مثل وطن ـ حداقل چهار فرسخ می‌رود و چهار فرسخ برمی‌گردد نمازش دراین سفرهم شکسته است.[۲]

۲ ـ کسی که به مسافرت می‌رود زمانی باید نمازش را شکسته بخواند که حداقل به مقداری دور شود که دیوارهای آنجا را نبیند** و اذان آنجا را هم نشنود*** و چنانچه قبل از آنکه به این مقدار دور شود بخواهد نماز بخواند باید تمام بخواند.[۳]

---

۱. توضیح‌المسائل، ص ۱۷۳، نماز مسافر.

* به نماز چهار رکعتی، نماز تمام گفته می‌شود در مقابل نماز دو رکعتی.

** این فاصله را «حدّ تَرَخُّص» می‌گویند.

***(خوئی ـ اراکی) به قدری دور شود که اذان آنجا را نشنود و اهل آنجا او را نبینند و نشانهٔ آن این است که او اهل آنجا را نبیند. (مسألهٔ ۱۲۹۲)

۲. توضیح‌المسائل، م ۱۲۷۲ و ۱۲۷۳.

۳. توضیح‌المسائل، نماز مسافر، شرط هشتم.

۳ـ اگر از محلی مسافرت می‌کند که خانه و دیوار ندارد، * وقتی به جائی برسد که اگر آن محل دیوار داشت، از آنجا دیده نمی‌شد، باید نماز را شکسته بخواند.[۱]

۴ـ اگر به جائی می‌رود که دو راه دارد، یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد، اگر از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود باید نماز را چهار رکعتی بخواند.[۲]

در این موارد در سفر نماز تمام است:

۱ـ قبل از آنکه هشت فرسخ برود، از وطن خود می‌گذرد و یا در جائی ده روز می‌ماند.

۲ـ از اول قصد نداشته است به سفر هشت فرسخی برود و بدون قصد، این مسافت را پیموده است، مثل کسی که به دنبال گمشده‌ای می‌گردد.

۳ـ در بین راه از قصد سفر برگردد، یعنی قبل از رسیدن به چهار فرسخ از رفتن منصرف شود.

۴ـ کسی که شغل او مسافرت است، مثل رانندهٔ قطار و ماشینهای برون شهری، خلبان، ملوان (در سفری که شغل اوست).

۵ـ کسی که به سفر حرام می‌رود، مانند سفری که موجب اذیّت پدر و مادر باشد.[۳]

در این مکانها نماز تمام است:

۱ـ در وطن.

۲ـ در جائی که می‌داند و یا بنا دارد ده روز بماند.

۳ـ در جائی که سی روز با تردید مانده است، یعنی معلوم نبوده است که می‌ماند یا

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۳۲۱.

* (اراکی ـ خوئی) ساکنینی ندارد اگر به جائی برسد اگر آن محل ساکنینی می‌داشت او را نمی‌دیدند.

۲. توضیح‌المسائل، م ۱۲۷۹.

۳. توضیح‌المسائل، نماز مسافر.

می‌رود و تا سی روز به همین حالت مانده، و جائی هم نرفته است، در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.[۱]

وطن کجاست؟

۱ ـ وطن، جائی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آن جا را برای زندگی اختیار کرده است.[۲]

۲ ـ تا انسان قصد ماندن همیشگی در غیر وطن اصلی خودش را نداشته باشد، آنجا وطن او حساب نمی‌شود.*[۳]

۳ ـ اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلی او نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگری برود، آنجا وطن او حساب نمی‌شود، مانند دانشجوئی که مدتی برای تحصیل در شهری می‌ماند.[۴]

۴ ـ اگر انسان بدون قصد ماندن همیشگی در جائی آن قدر بماند که مردم او را اهل آنجا بدانند، آن جا حکم وطن او را دارد.[۵]

۵ ـ اگر به جائی برود که قبلاً وطن او بوده ولی هم اکنون از آنجا صرف نظر کرده است، نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.[۶]

۶ ـ مسافری که به وطنش برمی‌گردد، وقتی دیوار وطن خود را ببیند** و صدای

---

۱. توضیح‌المسائل، شرط چهارم و مسئله ۱۳۲۸ ـ ۱۳۳۵ ـ ۱۳۵۳ .
۲. توضیح‌المسائل، م ۱۳۲۹ .
۳. توضیح‌المسائل، م ۱۳۳۱ .
* (گلپایگانی ـ خوئی) جائی را که انسان، محل زندگی خود قرار داده و مثل کسی که آنجا وطن او است در آنجا زندگی می‌کند، که اگر مسافرتی برای او پیش آید دوباره به همانجا برمی‌گردد، اگر چه قصد نداشته باشد که همیشه در آنجا بماند در حکم وطن او حساب می‌شود. (مسألهٔ ۱۳۴۰)
۴. توضیح‌المسائل، م ۱۳۳۰ .
۵. توضیح‌المسائل، م ۱۳۳۱ .
۶. توضیح‌المسائل، م ۱۳۳۴ .
** (اراکی) وقتی که اهل وطن او را ببینند و اذان آنجا را بشنود. (خویی) وقتی که اهل وطن خود را ببیند و اذان آنجا را بشنود. (مسألهٔ ۱۳۲۰)

اذان را بشنود باید نماز را تمام بخواند.[۱]

قصد ده روز

۱ـ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده است باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.[۲]

۲ـ اگر مسافر از قصد ده روز برگردد:

الف: قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: باید نماز را شکسته بخواند.

ب: بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.[۳]

مسافری که نمازش را تمام خوانده است:

الف: اگر نمی‌دانسته است که مسافر باید نماز را شکسته بخواند: نمازی که خوانده، صحیح است.[۴]

ب: حکم سفر را می‌دانسته ولی بعضی از جزئیّات را نمی‌دانسته است و یا نمی‌دانسته که مسافر است: نمازی که خوانده است باید دوباره بخواند.[۵]*

غیر مسافری که نمازش را شکسته خوانده است:

کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته بجا آورد، در هر صورت نمازش

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۳۱۹.
۲. توضیح‌المسائل، م ۱۳۴۷.
۳. توضیح‌المسائل، م ۱۳۴۲.
۴. توضیح‌المسائل، م ۱۳۵۹.
۵. توضیح‌المسائل، م ۱۳۶۰ - ۱۳۶۱ - ۱۳۶۲.
* (گلپایگانی - خویی) اگر خارج از وقت بفهمد قضا ندارد. (مسألهٔ ۱۳۶۹)

باطل است.[۱]*

خلاصه درس ۲۵

۱ ـ انسان باید در سفر نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخواند به شرط آنکه سفرش از هشت فرسخ کمتر نباشد.

۲ ـ در سفر، زمانی باید نماز را شکسته بخواند که به قدری دور شود که دیوارهای آنجا را نبیند و اذان آنجا را نشنود.

۳ ـ اگر از محلی مسافرت می‌کند که دیوار ندارد باید فرض کند که اگر دیوار می‌داشت، کجا پیدا نمی‌بود.

۴ ـ در این موارد نماز تمام است:

* در سفری که قبل از هشت فرسخ به وطن خود می‌رسد.
* در سفری که قصد پیمودن هشت فرسخ را نداشته است.
* کسی که شغل او مسافرت است، در سفری که شغل اوست.
* کسی که به سفر حرام می‌رود.

۵ ـ در وطن و در جائی که انسان بنا دارد ده روز بماند نماز تمام است.

۶ ـ وطن جائی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است.

۷ ـ تا انسان قصد ماندن همیشگی در جائی که غیر وطن اصلی اوست نداشته باشد آنجا وطن او حساب نمی‌شود.

۸ ـ مسافر در برگشت به وطن وقتی به جائی برسد که دیوار شهر را ببیند و اذان آنجا را بشنود، باید نماز را تمام بخواند.

۹ ـ کسی که نمی‌دانسته نماز مسافر شکسته است و تمام خوانده، نمازش صحیح است ولی اگر اصل مسأله را می‌دانسته ولی بعضی از جزئیات را نمی‌دانسته است، باید

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۳۶۳.

* (خویی) مگر مسافری که قصد ماندن ده روز در جایی داشته باشد و به جهت ندانستن حکم مسأله نماز را شکسته بخواند. (مسألهٔ ۱۳۷۲)

نماز را دوباره بخواند.

۱۰ ـ کسی که می‌بایست نماز را تمام بخواند و شکسته خوانده در هر صورت نمازش باطل است.

پرسش:

۱ ـ مجموعهٔ نمازهایی که در سفر از نمازهای یومیّه کم می‌شود چند رکعت است؟

۲ ـ شخصی از وطن خود به روستائی در شرق که فاصله آن ۳۲ کیلومتر است می‌رود و سپس برمی‌گردد و به روستائی در غرب که فاصله آن با روستای اول ۵۰ کیلومتر است می‌رود و به وطن برمی‌گردد، معین فرمائید نماز او در دو روستا و در بین راه تمام است یا شکسته؟

۳ ـ کارمندان دولت یا درجه‌داران ارتش که برای کارشان چندین سال در یک محل می‌مانند آیا آنجا وطن آنها بحساب می‌آید؟

۴ ـ ملاک وطن بودن یک مکان رابیان کنید.

۵ ـ کشاورزی که هر روز، از روستا به مزرعه خود که در فاصله ۳ فرسخی است می‌رود و بر می‌گردد نمازش چه حکمی دارد؟

۶ ـ شخصی برای کار از روستائی به شهر آمده است، هنگامی که به روستا می‌رود، باید نمازش را تمام بخواند یا شکسته؟

۷ ـ مسافری به سبب فراموشی، نمازش را تمام خوانده است، آیا نماز وی صحیح است یا نه؟

درس ۲۶

نماز قضا

در درس ۱۳ بیان شد که نماز قضا، نمازی را گویند که بعد از وقت خوانده می‌شود.

انسان باید نمازهای واجب را در وقت خود بخواند و چنانچه بدون عذر نمازی از او قضا شود، گناهکار است و باید توبه کرده و قضای آن را هم بجا آورد.

۱ ـ در دو مورد بجا آوردن قضای نماز، واجب است:

الف: نماز واجب را در وقت آن، نخوانده باشد.

ب: بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده است باطل بوده.[1]

۲ ـ کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوراً آن را بجا آورد.[2]

۳ ـ حالتهای مختلف انسان نسبت به نماز قضا:

* می‌داند نماز قضا ندارد: چیزی واجب نیست.
* شک دارد نماز قضا دارد یا نه: چیزی واجب نیست.
* احتمال می‌دهد نماز قضایی دارد: مستحب است احتیاطاً قضای آن را به جا

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۳۷۰ - ۱۳۷۱.
۲. توضیح‌المسائل، م ۱۳۷۲.

آورد.

* می‌داند نماز قضا دارد، ولی شمارهٔ آنها را نمی‌داند، مثلاً نمی‌داند چهار تا بوده یا پنج تا: چنانچه کمتر را بخواند کافی است.

* اگر شمارهٔ آنها را می‌دانسته ولی فراموش کرده است: اگر مقدار کمتر را بخواند کفایت می‌کند.

* شماره آن را هم می‌داند: باید قضای آن را بجا آورد.[۱]

۴ـ قضای نمازهای یومیّه لازم نیست* به ترتیب خوانده شود مثلاً کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده، لازم نیست اوّل نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا کند.[۲]

۵ـ نماز قضا را با جماعت می‌توان خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، و لازم نیست هر دو، یک نماز را بخوانند، مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.[۳]

۶ـ اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشاء، از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی بجا آورد، اگر چه در غیر سفر بخواهد قضای آن را بجا آورد.[۴]

۷ـ درسفرنمی‌توان روزه گرفت، حتی‌روزهٔ‌قضا، ولی نماز قضا می‌توان بجا آورد.[۵]

۸ـ اگر در سفر بخواهد نمازهائی راکه در غیر سفر قضا شده است بجا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشاء را چهار رکعتی قضا کند.[۶]

۹ـ نماز قضا را در هر وقتی می‌توان بجا آورد، یعنی قضای نماز صبح را می‌توان

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۳۷۴ و ۱۳۸۳.

* (اراکی) باید به ترتیب خوانده شود. (مسأله ۱۳۶۸)

۲. توضیح‌المسائل، م ۱۳۷۵.

۳. توضیح‌المسائل، م ۱۳۸۸.

۴. توضیح‌المسائل، م ۱۳۶۸.

۵. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۲۴، م ۵. و العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۳۴، م ۱۰.

۶. توضیح‌المسائل، م ۱۳۶۸.

ظهر یا شب خواند.[1]

نماز قضای پدر

۱ـ تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز خود عاجز باشد، شخص دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا کند.[2]

۲ـ پس از مرگ پدر، نماز و روزه‌هائی را که بجا نیاورده باشد، بر پسر بزرگتر او واجب است آن نماز و روزه‌ها را قضا کند، و احتیاط مستحب* است نماز و روزه‌هائی را که از مادرش قضاء شده است بجا آورد.[3]

۳ـ حالتهای مختلف پسر بزرگتر نسبت به نماز قضای پدر:

الف: می‌داند، پدر نماز قضا داشته است و:

* تعداد آن را هم می‌داند: باید آنها را قضا کند.
* تعداد آن را نمی‌داند: اگر مقدار کمتر را بجا آورد کافی است.
* شک دارد که خودش بجا آورده است یا نه؟: بنابر احتیاط واجب باید قضا کند.[4]

ب: شک دارد که پدر، نماز قضا داشته است یا نه: چیزی بر او واجب نیست.[5]

۴ـ اگر پسر بخواهد نماز پدر یا مادر را بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند، مثلاً نماز قضای صبح و مغرب و عشاء را باید بلند بخواند.[6]

۵ـ اگر پسر بزرگتر، پیش از آن که نماز و روزهٔ پدر را قضا کند، از دنیا برود، بر پسر دوم چیزی واجب نیست.[7]**

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۹۳، م ۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۳۴، م ۱۰.
۲. توضیح‌المسائل، م ۱۳۸۷.
* (اراکی) نماز و روزهای مادر را هم باید قضا کند. (مسأله ۱۳۸۲) (گلپایگانی) احتیاط واجب است نماز و روزه‌های مادر را نیز قضا کند. (مسأله ۱۳۹۹)
۳. توضیح‌المسائل، م ۱۳۹۰.
۴. توضیح‌المسائل، م ۱۳۹۰ - ۱۳۹۲.
۵. توضیح‌المسائل، م ۱۳۹۱.
۶. توضیح‌المسائل، م ۱۳۹۵.
۷. توضیح‌المسائل، م ۱۳۹۸.
** (گلپایگانی) چنانچه بین مرگ پدر یا مادر و مرگ او به قدری طول کشیده که می‌توانسته قضای نماز و

خلاصه درس ۲۶

۱ـ قضای نمازهائی که خوانده نشده و نمازهائی که باطل بوده، واجب است.

۲ـ اگر نمی‌داند نماز قضا دارد یا نه، چیزی بر او واجب نیست.

۳ـ اگر می‌داند نماز قضا دارد ولی مقدار آن را نمی‌داند، اگر مقداری که می‌داند کمتر از آن نبوده است بجا آورد کافی است.

۴ـ نماز قضا را می‌توان با جماعت بجا آورد.

۵ـ نماز قضا را در هر وقت، چه شب و چه روز و چه در سفر و چه در غیر سفر می‌توان بجا آورد.

۶ـ پس از مرگ پدر نمازو روزه‌های قضا شدهٔ او بر پسر بزرگتر واجب است.

۷ـ اگر پسر نمی‌داند، پدرش نماز قضا داشته است یا نه؟ چیزی بر او واجب‌نیست.

۸ـ اگر پدر، پسری ندارد و یا پسر بزرگتر قبل از آنکه نمازها و روزه‌های پدر را بجا آورد از دنیا برود نماز و روزه‌های وی بر دیگری واجب نیست.



پرسش

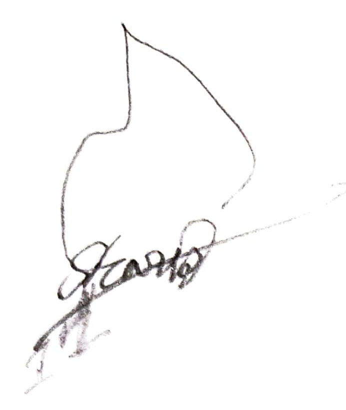
۱ـ فرق نماز ادا و قضا چیست؟

۲ـ کسی که می‌داند مدتی نمازش قضا شده است ولی تعداد آن را نمی‌داند تکلیفش چیست؟

۳ـ اگر بخواهد بعد از خواندن نماز ظهر و عصر، قضای نماز صبح را بجا آورد، آیا باید قرائت آن را بلند بخواند یا آهسته؟

۴ـ پسری نمی‌داند پدرش نماز قضا دارد یا نه و پدر هم چیزی به او نگفته است، تکلیفش چیست؟

روزه‌ها را به جا آورد، بر پسر دوّم چیزی واجب نیست و اگر این مقدار طول نکشیده بنابر احتیاط واجب پسر دوم باید قضای آنرا بجا آورد.(مسأله ۱۴۰۷)



درس ۲۷

نماز جماعت

وحدت امّت اسلامی، از جمله مسائلی است که اسلام، به آن اهمیّت بسیاری داده است، و برای حفظ و ادامهٔ آن، برنامه های ویژه‌ای دارد، یکی از آنها نماز جماعت است.

در نماز جماعت، یکی از نمازگزاران که دارای ویژگی خاصی است پیشاپیش جمعیت می‌ایستد و دیگران در صفوفی منظم، پشت سر او و هماهنگ با او نماز را بجا می‌آورند.

کسی که در این نماز دسته‌جمعی، پیشاپیش جمعیت می‌ایستد «امام جماعت» است و کسی که پشت سر او در نماز از او پیروی می‌کند «مأموم» است.

اهمّیت نماز جماعت

گذشته از آنکه در روایات زیادی، برای نماز جماعت، اَجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقّت در برخی از مسائل احکام، به اهمیّت این عبادت پی می بریم، و در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱ ـ شرکت در نماز جماعت برای هر کس مستحب است، بویژه برای همسایهٔ

مسجد.[1]

۲ـ مستحب است، انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

۳ـ نماز جماعت، هر چند اوّل وقت خوانده نشود، از نماز فُرادایِ* اوّل وقت بهتر است.

۴ـ نماز جماعتی که مختصر خوانده می‌شود، از نماز فُرادایی که آن را طول بدهد بهتر است.[2]

۵ـ سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

۶ـ حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی به آن جایز نیست.[3]

شرایط نماز جماعت

هنگام برپایی نماز جماعت، شرایط زیر، باید مراعات شود:

۱ـ مأموم از امام، جلوتر نایستد، و احتیاط واجب آن است که کمی عقب‌تر بایستد.

۲ـ جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین، بالاتر نباشد.

۳ـ فاصلهٔ امام و مأموم و فاصلهٔ صف‌ها، زیاد نباشد.

۴ـ بین امام و مأموم و همچنین بین صف‌ها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده بین صفِ مردها و زنها اشکال ندارد.[4]

امام جماعت باید بالغ و عادل باشد و نماز را به‌طور صحیح بخواند.[5]

۱. توضیح المسائل، م ۱۳۹۹.
۲. توضیح المسائل، م ۱۴۰۲.
* نمازی که به تنهائی خوانده شود و به جماعت نباشد، «نماز فُرادا» نام دارد.
۳. توضیح المسائل، م ۱۴۰۱.
۴. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۷۷۷.
۵. توضیح المسائل، م ۱۴۵۳.

پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن)

در هر رکعت، تنها در بین قرائت* و در رکوع می‌توان به «امام» اقتدا کرد، پس اگر به رکوع امام جماعت نرسد، باید در رکعت بعد اقتدا کند، و اگر تنها به رکوع امام جماعت هم برسد، یک رکعت به حساب می‌آید.

حالتهای مختلف برای پیوستن به نماز جماعت.

رکعت اوّل

۱ ـ در بین قرائت ← مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و بقیّهٔ اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.

۲ ـ در رکوع ← رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.[۱]

رکعت دوّم

۱ ـ در بین قرائت ← مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و با امام، قنوت و رکوع و سجده را بجا می‌آورد و آنگاه که امام جماعت تشهد می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب باید به‌صورت نیم‌خیز، بنشیند و اگر نماز دو رکعتی است یک رکعت دیگر به تنهائی بخواند و نماز را تمام کند و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوّم که امام جماعت در رکعت سوّم می‌باشد، حمد و سوره بخواند (هر چند امام جماعت تسبیحات بخواند) و آنگاه که امام جماعت رکعت سوّم را

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۲۷.

* در قنوت رکعت دوّم هم می‌تواند اقتدا کند و قنوت را با امام بخواند و همانند آنچه برای اقتدای در بین قرائت گفته می‌شود عمل کند.

تمام کرد، و برای رکعت چهارم برمی‌خیزد، مأموم باید پس از دو سجده، تشهد بخواند، و برخیزد و قرائت رکعت سوّم را بجا آورد و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد یک رکعت دیگر می‌خواند.[1]

۲ - در رکوع: ← رکوع را با امام جماعت بجا می‌آورد و بقیهٔ نماز را همانگونه که گفته شد، انجام می‌دهد.

رکعت سوّم

۱ - در بین قرائت ← چنانچه می‌داند که اگر اقتدا کند برای خواندن حمدِ و سوره و یا حمد تنها وقت دارد، می‌تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره یا حمد را بخواند، و اگر می‌داند فرصت ندارد، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.

۲ - در رکوع ← چنانچه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام بجا می‌آورد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است، و بقیهٔ نماز را همانگونه که قبلاً بیان شد بجا می‌آورد.[2]

رکعت چهارم

۱ - در بین قرائت ← حکم اقتدا در رکعت سوّم را دارد، و آنگاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می‌نشیند، مأموم می‌تواند برخیزد و نمازش را به

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۳۹ ـ ۱۴۴۰.
۲. توضیح المسائل، م ۱۴۴۳ ـ ۱۴۴۲ و تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۷۱ - ۲۷۲، م ۵، ۶ - ۸.

تنهائی ادامه دهد، و می‌تواند، به طور نیم‌خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد.

۲ـ در رکوع ← رکوع و سجده‌ها را با امام بجا می‌آورد، (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اوّل مأموم است) و بقیهٔ نماز را همانگونه که گذشت انجام می‌دهد.[1]

خلاصهٔ درس ۲۷

۱ ـ خواندن نماز جماعت در تمام نمازهای واجب بخصوص نمازهای یومیّه مستحب است.

۲ ـ نماز جماعت از نماز فرادایی که اوّل وقت خوانده می‌شود برتر است.

۳ ـ نماز جماعت از نماز فرادائی که طول داده می‌شود بهتر است.

۴ ـ حاضر نشدن به جماعت از روی بی‌اعتنائی جایز نیست.

۵ ـ سزاوار نیست، بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

۶ ـ امام جماعت باید بالغ و عادل باشد و نماز را بطور صحیح بخواند.

۷ ـ مأموم نباید جلوتر از امام بایستد و امام هم نباید بالاتر از مأموم بایستد.

۸ ـ فاصله امام و مأمومین و فاصلهٔ صف‌ها نباید زیاد باشد.

۹ ـ در هر رکعت، تنها در بین قرائت و در رکوع می‌توان اقتدا کرد، بنابراین اگر به رکوع امام جماعت نرسد، باید در رکعت بعد اقتدا کند.

؟ پرسش:

۱ ـ این جمله را توضیح دهید:
«شرکت نکردن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنائی جایز نیست».

---

۱. همان مدرک.

۲ـ در چه صورتی می‌توان در نماز چهار رکعتی، چهار بار تشهد را خواند؟

۳ـ کدامیک از واجبات نماز را مأموم نباید بخواند؟

۴ـ اگر در رکوع رکعت دوّم نماز مغرب به امام جماعت اقتدا کردید، توضیح دهید بقیه نماز را چگونه باید بجا آورید؟

۵ـ عدالت را توضیح دهید.



درس ۲۸

احکام نماز جماعت

۱ ـ اگر امام جماعت یکی از نمازهای یومیّه را می‌خواند، هر کدام از نمازهای یومیّه را می‌توان به او اقتدا کرد، بنابراین اگر امام، نماز عصر را می‌خواند، مأموم می‌تواند، نماز ظهر را به او اقتدا کند، و یا اگر مأموم پس از آنکه نماز ظهر را خواند، جماعت برپا شود می‌تواند، نماز عصر را به ظهر او اقتدا کند.[1]

۲ ـ مأموم می‌تواند نماز قضای خود را به نماز ادای امام، اقتدا کند، هر چند قضای دیگر نمازهای یومیّه باشد، مثلاً امام جماعت نماز ظهر را می‌خواند و او قضای نماز صبح را.[2]

۳ ـ نماز جماعت، حدّاقل با دو نفر برپا می‌شود، یک نفر امام و یک نفر هم مأموم، مگر در نماز جمعه و عید فطر و قربان.[3]

۴ ـ نمازهای مستحبی را نمی‌توان به جماعت خواند، مگر نماز طلب باران.[4]

صلاةِ استسقا

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۰۸.
۲. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۶۵، م ۱، العروةالوثقی، ج ۱ ص ۷۶۵ م ۳.
۳. العروةالوثقی، ص ۷۶۶، م ۸.
۴. العروةالوثقی، ج ۱، ص ۷۶۴، م ۲.

وظیفهٔ مأموم در نماز جماعت

۱ ـ مأموم نباید تکبیرةالاحرام را پیش از امام بگوید، بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، تکبیر نگوید.[۱]

۲ ـ مأموم، باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اوّل یا دوّم او، و رکعت سوّم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند.[۲]

چگونگی پیروی مأموم، از امام جماعت

الف): در خواندنی‌ها، مانند حمد، سوره، ذکر و تشهد، جلو افتادن از امام یا عقب افتادن از او اشکال ندارد، مگر در تکبیرةالاحرام.

ب): در اعمال، مانند رکوع، سر برداشتن از رکوع و سجده، پیش افتادن جایز نیست، یعنی نباید قبل از امام به رکوع برود و یا از رکوع برخیزد، یا به سجده برود، ولی عقب افتادن اگر زیاد نباشد اشکال ندارد.[۳]

مسأله:

اگر موقعی که امام جماعت در رکوع است اقتدا کند، ممکن است، یکی از این حالت‌ها را داشته باشد.

* قبل از تمام شدن ذکر رکوع امام جماعت به رکوع می‌رسد ← نمازش به جماعت صحیح است.

* وقتی به حدّ رکوع می‌رسد، ذکرِ رکوعِ امام جماعت تمام شده ولی هنوز، امام در رکوع است ← نمازش به جماعت صحیح است.

* به رکوع رود ولی به رکوع امام هم نرسد ← نمازش بطور فُرادا صحیح است و

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۶۷.
۲. توضیح المسائل، م ۱۴۶۱.
۳. توضیح المسائل، م ۱۴۶۷ ـ ۱۴۶۹ و ۱۴۷۰، العروةالوثقی، ج ۱، ص ۷۸۵، م ۰

باید آن را تمام کند.*

اگر مأموم، سهواً پیش از امام:

۱ـ به رکوع رود	← واجب است برخیزد و باامام جماعت به رکوع برود.**
۲ـ ازرکوع برخیزد	← باید به رکوع برگرددوبا امام سراز رکوع بردارد، ودراین صورت زیاد شدن رکوع که رکن است، نماز را باطل نمی‌کند.
۳ـ به‌سجده‌رود	← واجب است، سر از سجده بردارد و با امام به سجده رود.
۴ـ سرازسجده‌بردارد	← بایدبه‌سجده‌برگردد.[۱]

اگر جای مأموم بلندتر از امام باشد، در صورتی که بلندی آن به مقدار متعارفِ زمان قدیم باشد، اشکال ندارد، مثل آنکه امام در صحن مسجد و مأموم در پشت بام به نماز بایستد ولی اگر مثل ساختمانهای چند طبقهٔ این زمان باشد، جماعت اشکال دارد.[۲]***

برخی از مستحبات و مکروهات نماز جماعت:

۱ ـ مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و تقوا در صف

۱. العروةالوثقی، ج ۱، ص ۷۸۶، م ۱۲.

* (خوئی ـ اراکی) نمازش باطل است. (مسألهٔ ۱۴۳۶)؛ (گلپایگانی) جماعت باطل است ولی نمازش صحیح است. (مسأله ۱۴۳۶)

** (گلپایگانی) بنا براحتیاط، باید برخیزد و با امام جماعت به رکوع رود. (العروةالوثقی، ج ۱، ص ۷۸۶)

***(گلپایگانی ـ خوئی) اگر جای مأموم بلندتر از جای امام باشد اشکال ندارد ولی اگر به قدری بلند باشد که نگویند اجتماع کرده‌اند، جماعت صحیح نیست. (مسألهٔ ۱۴۲۵)

۲. توضیح المسائل، م ۱۴۱۶.

اوّل بایستند.

۲ ـ مستحب است صفهای جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند فاصله نباشد.

۳ ـ اگر در صف‌های جماعت جا باشد، مکروه است انسان تنها بایستد.

۴ ـ مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.[۱]

خلاصهٔ درس ۲۸

۱ ـ نماز مستحب به جماعت صحیح نیست، مگر نماز طلب باران.

۲ ـ هر کدام از نمازهای یومیه را می‌توان به دیگری اقتدا کرد.

۳ ـ نماز قضا را هم می‌توان به جماعت خواند.

۴ ـ حداقل افراد تشکیل دهندهٔ نماز جماعت دو نفر است، مگر در نماز جمعه و عید فطر و قربان.

۵ ـ چگونگی پیروی از امام جماعت:

* در اقوال (خواندنیها):
  - تکبیرةالاحرام: نباید پیش از امام یا همراه او گفته شود.
  - غیر تکبیرةالاحرام: جلو افتادن یا عقب افتادن از امام مانع ندارد.

* در افعال:
  - پیش افتادن: جایز نیست.
  - عقب افتادن: زیاد نباشد، اشکال ندارد.

۶ ـ اگر به رکوع امام جماعت برسد، هر چند ذکر رکوع تمام شده باشد جماعت صحیح است.

۷ ـ اگر سهواً پیش از امام:

- به رکوع برود ← باید برگردد و با امام به رکوع برود.
- از رکوع برخیزد ← باید به رکوع برگردد.

---

۱. توضیح المسائل، ص ۱۹۷ ـ ۱۹۸.

● به سجده رود ← واجب است سر بردارد و با امام به سجده رود و اگر سر بر نداشت نماز صحیح است.

● سر از سجده بردارد ← باید به سجده برگردد.

۸ ـ اگر جای مأموم بلندتر از جای امام باشد اشکال ندارد.

؟ پرسش:

۱ ـ مسافری که نماز او شکسته است، آیا می‌تواند در نماز ظهر در دو رکعت باقیمانده، نماز عصر را به نماز ظهر امام جماعت اقتدا کند؟

۲ ـ آیا مأموم می‌تواند قبل از امام جماعت به رکوع و سجده برود؟

۳ ـ اگر مأموم سر از سجده بردارد و ببیند امام جماعت در سجده است تکلیف چیست؟

۴ ـ اگر مأموم در رکعت اوّل نماز جمعه، سهواً قبل از خواندن قنوت به رکوع برود تکلیف چیست؟

۵ ـ کدام نماز مستحبی است که می‌توان به جماعت خواند؟

درس ۲۹

نماز جمعه ـ نماز عید

نماز جمعه[1]

یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان «نماز جمعه» است، و نمازگزاران در روز جمعه می‌توانند به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند.*[2]

اهمّیت نماز جمعه

امام خمینی(ره) در اهمّیت نماز جمعه چنین نگاشته‌اند:

«نماز جمعه و دو خطبهٔ آن، مانند حج و نماز عید فطر و قربان، از مراسم بزرگ مسلمانان است، ولی متأسفانه، مسلمانان از وظایف مهم سیاسی این عبادت، غافل و ناآگاهند، در صورتی که انسانی، با اندک مطالعه و دقت در احکام کشوری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام در می‌یابد که اسلام دین سیاست است و کسی که دین را از سیاست جدا می‌داند، نادانی است که نه اسلام را می‌شناسد و نه سیاست را.»[3]

* (گلپایگانی) بنا بر احتیاط واجب باید نماز ظهر را نیز بخوانند. (مجمع المسائل، ج۱، ص۲۵۱)

۱. بحث نمازجمعه دررسالهٔ آیةالله گلپایگانی و حاشیهٔ وسیلة‌النجاة نیامده ولی با مجمع‌المسائل، مطابقت شد

۲. تحریرالوسیله، ص ۲۳۱، م ۱.

۳. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۳۴، م ۹.

چگونگی نماز جمعه

▣ واجبات:

نماز جمعه دو رکعت است، مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه، قبل از نماز ایراد می‌شود.

▣ مستحبات:

۱ - خواندن حمد و سوره با صدای بلند (توسط امام جمعه)*.

۲ - خواندن سورهٔ «جمعه» بعد از حمد، در رکعت اوّل (توسط امام جمعه).

۳ - خواندن سورهٔ «منافقون» پس از حمد در رکعت دوّم (توسط امام جمعه).

۴ - خواندن دو قنوت، یکی در رکعت اوّل، پیش از رکوع، دیگری در رکعت دوّم، پس از رکوع.[1]

شرایط نماز جمعه

۱ - تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه هم معتبر است.**

۲ - باید به جماعت برگزار شود و فُرادا صحیح نیست.

۳ - حداقل تعداد افراد برای برپائی نماز جمعه، پنج نفر می‌باشد؛ یعنی یک نفر امام، و چهار نفر مأموم.

۴ - بین دو نماز جمعه، حداقل باید یک فرسخ فاصله باشد.[2]

وظیفهٔ امام جمعه هنگام ایراد خطبه‌ها

۱ - حمد و ثنای الهی را بجا آورد.

---

۱. تحریرالوسیله، ج۱، ص ۲۳۲، الثانی.

* (گلپایگانی - اراکی) احتیاط واجب آن است که حمد و سورهٔ نماز جمعه را بلند بخواند.(مسألهٔ ۱۴۸۴)

** شرائط نماز جماعت در درس ۲۷ گذشت.

۲. تحریرالوسیله، ج۱، ص ۲۳۱.

۲ـ بر پیامبر اکرم(ص) و ائمهٔ مسلمین(ع) درود بفرستد.

۳ـ مردم را به تقوای الهی و پرهیز از گناهان سفارش کند.

۴ـ سورهٔ کوتاهی از قرآن بخواند.

۵ـ برای مردان و زنان با ایمان طلب آمرزش کند.*

و سزاوار است این مطالب را نیز بگوید.**

۱ـ آنچه مسلمانان در زندگی دنیا و آخرت به آن نیاز دارند.

۲ـ مردم را از آنچه در جهان می‌گذرد و به سود و زیان مسلمانان است، آگاه کند.

۳ـ از مسائل سیاسی و اقتصادی که در استقلال و آزادی آنان دخالت دارد و چگونگی رفتار آنها با سایر ملت‌ها سخن بگوید.

۴ـ مسلمانان را از دخالت دولت‌های ستمگر و استعمارگر در امور سیاسی و اقتصادی که منجر به بهره کشی از آنان می‌شود، آگاه کند.[۱]

وظیفهٔ نمازگزاران جمعه

۱ـ بنابر احتیاط واجب باید به خطبه‌ها گوش دهند.

۲ـ احتیاط مستحب است از سخن گفتن بپرهیزند، و چنانچه سخن گفتن، سبب از بین رفتن فایدهٔ خطبه‌ها و یا گوش ندادن به آنها شود، ترک آن واجب است.

۳ـ احتیاط مستحب است، شنوندگان، هنگام ایراد خطبه‌ها، رو به امام جمعه بنشینند، و بیش از مقداری که در نماز اجازه داده شده، به اطراف نگاه نکنند.[۲]

نماز عید

در دو عید «فطر» و «قربان» خواندن نماز مخصوص عید مستحب است.

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۳۳و ۲۳۴، م ۷ ـ ۸ ـ ۹.

* برخی از این مسائل فتواست و برخی احتیاط واجب و برخی مربوط به هر دو خطبه است و برخی دیگر مربوط به یکی از خطبه‌ها.

** این قسمت از تحریرالوسیلهٔ امام خمینی(ره) آورده شده است.

۲. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۳۵، م ۱۴.

وقت نماز عید

۱ ـ وقت نماز عید، از اوّل آفتاب است تا ظهر است.[۱]

۲ ـ مستحب است نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب، بخوانند.

۳ ـ مستحب است، در عید فطر، بعد از بلند شدن آفتاب، افطار کنند و زکات فِطره* را هم بدهند،** سپس نماز عید را بخوانند.[۲]

چگونگی نماز عید

۱ ـ نماز عید فطر و قربان دو رکعت است، با نُه قنوت و اینگونه خوانده می‌شود:

* در رکعت اوّل نماز پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود، و بعد از هر تکبیر یک قنوت، و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده.

* در رکعت دوّم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می‌شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت چهارم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام.

* در قنوت‌های نماز عید هر دعا و ذکری بخوانند، کافی است، ولی بهتر است به امید ثواب، این دعا را بخوانند.

«اَللّهمَّ اَهْلَ الْکِبْریاءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُودِوَالْجَبَروتِ و اهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ وَ اَهْلَ التَّقوىٰ وَ الْمَغْفِرَةِ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْیَومِ الَّذی جَعَلْتَهُ لِلْمُسلِمینَ عیداً و لِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ذُخراً وَ شَرَفاً وَ کَرامَةً وَ مَزیداً اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُدخِلَنِی فی کُلِّ خَیْرٍ اَدْخَلْتَ فیهِ مَحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُخرِجَنِی مِنْ کُلِّ سُوءٍ

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۱۷.

۲. توضیح المسائل، م ۱۵۱۸.

* زکات فطره یکی از واجب‌های مالی است که روز عید فطر باید پرداخت شود. (به درس ۳۴ مراجعه کنید).

** (گلپایگانی) در عید فطر مستحب است، بعد از بلند شدن آفتاب افطار کنند و به احتیاط لازم زکات فطره را هم بدهند یا جدا نمایند و بعد نماز عید را بخوانند. (مسألهٔ ۱۵۲۷)

اَخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وَ عَلَیهِمْ اَللّهُمَّ اِنّی اَسأَلُکَ خَیرَ ما سَأَلَکَ بِهِ عِبادُکَ الصّالِحُونَ وَ اَعُوذُبِکَ مِمّا استَعاذَ مِنهُ عِبادُکَ المُخلَصُونَ».

خلاصهٔ درس ۲۹

۱ـ نماز جمعه بجای نماز ظهر روز جمعه خوانده می‌شود.

۲ـ نماز جمعه دو رکعت است، و قبل از آن خواندن دو خطبه واجب است.

۳ـ شرائط نماز جمعه عبارت است از:

* تمام شرائط نماز جماعت.
* باید به جماعت برگزار شود.
* حداقل افراد برای برپائی آن پنج نفر می‌باشد.
* حداقل فاصله دو نماز جمعه باید یک فرسخ باشد.

۴ـ خطیب جمعه باید در ضمن خطبه، به علاوهٔ حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر و ائمه معصومین، مردم را به تقوا و پرهیزکاری توصیه کند، و سورهٔ کوچکی از قرآن بخواند.

۵ـ مأمومین در هنگام ایراد خطبه، بنا بر احتیاط واجب باید به خطبه‌ها گوش دهند. و مستحب است از سخن گفتن بپرهیزند.

۶ـ نماز عید دو رکعت است و نُه قنوت دارد.

۷ـ در رکعت اوّل نماز عید پس از حمد پنج قنوت و شش تکبیر و در رکعت دوّم چهار قنوت و پنج تکبیر، خوانده می‌شود.

پرسش:

۱ـ فرق نماز ظهر با نماز جمعه چیست؟ برشمارید.

۲ـ حداقل مأمومین در نماز جمعه چند نفر باید باشند؟

۳ـ با مراجعه به درسهای گذشته، شرائط امام جماعت را که در امام جمعه هم

شرط است، برشمارید؟

۴ ـ از دیدگاه امام خمینی(قدس سره) کسی که دین را از سیاست جدا بداند، چگونه فردی است؟

۵ ـ نماز عید چند تکبیر و چند قنوت دارد؟





درس ۳۰

نماز آیات، نمازهای مستحبی

نماز آیات

یکی از نمازهای واجب «نماز آیات» است که به سبب برخی حوادث آسمانی یا زمینی، واجب می‌شود مانند:

* زلزله
* خسوف (ماه گرفتگی)
* کسوف (خورشید گرفتگی)
* رعد و برق و بادهای زرد و سرخ و مانند آن، اگر بیشتر مردم بترسند.*[1]

چگونگی نماز آیات

۱ـ نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد.

۲ـ در نماز آیات، قبل از هر رکوع، سورهٔ حمد و سورهٔ دیگری از قرآن خوانده می‌شود، که در این صورت، در دو رکعت، ده حمد و ده سوره خوانده می‌شود، ولی می‌توان یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند، که

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۹۱.

* (گلپایگانی) در صورتی که به آنها آیت صدق کند [غیرعادی باشد] اگر چه کسی هم نترسد، نماز آیات واجب است (مسأله ۱۵۰۰).

در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می‌شود.

در اینجا با تقسیم سورهٔ «اخلاص» چگونگی نماز آیات را می‌آوریم.

* رکعت اوّل

حمد و «بسم اللّه الرحمن الرحیم» ← رکوع.

«قل هو اللّه احد» ← رکوع.

«اللّه الصمد» ← رکوع.

«لم یلد ولم یولد» ← رکوع.

«ولم یکن له کفواً احد» ← رکوع.

و سپس سجده‌ها را بجا آوره و برای رکعت دوّم برمی‌خیزد.

* رکعت دوّم

رکعت دوّم را نیز مانند رکعت اوّل بجا می‌آورد و سپس با تشهد و سلام، نماز به پایان می‌برد.[۱]

احکام نماز آیات

۱ ـ اگر یکی از سبب‌های نماز آیات در شهری اتفاق بیفتد فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست.[۲]

۲ ـ اگر در یک رکعت پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر، یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند صحیح است.[۳]

۳ ـ مستحب است پیش از رکوع دوّم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند، و اگر تنها یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است.[۴]

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۰۸.
۲. توضیح المسائل، م ۱۴۹۴.
۳. توضیح المسائل، م ۱۵۰۹.
۴. توضیح المسائل، م ۱۵۱۲.

۴ـ هر یک از رکوع‌های نماز آیات، رکن است، که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.[۱]

۵ـ نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند.[۲]

نمازهای مستحب

۱ـ نماز مستحب را «نافِلَه» گویند.

۲ـ نمازهای مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش تمام آنها را ندارد، امّا برخی از آنها راکه اهمیت بیشتری دارد می‌آوریم.[۳]

نماز شب

نماز شب ۱۱ رکعت است که بدین ترتیب خوانده می‌شود:

دو رکعت ← به نیّت نافلهٔ شب.
دو رکعت ← به نیّت نافلهٔ شب.
دو رکعت ← به نیّت نافلهٔ شب.
دو رکعت ← به نیّت نافلهٔ شب.
دو رکعت ← به نیّت نافلهٔ شَفع.
یک رکعت ← به نیّت نافلهٔ وَتْر.[۴]

وقت نماز شب

۱ـ وقت نماز شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۱۵.
۲. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۷۳۰، م ۱۳.
۳. توضیح المسائل، م ۷۶۴.
۴. توضیح المسائل، م ۷۶۵.

خوانده شود.[۱]

۲ـ مسافر و کسی که برای او سخت است نافلهٔ شب را بعد از نصف شب بخواند، می‌تواند آن را در اوّل شب بجا آورد.[۲]

نافلهٔ نمازهای یومیّه

۱۷ رکعت نماز واجب که در شبانه روز خوانده می‌شود، ۲۳ رکعت نافله دارد که خواندن آنها، مستحب است. از جملهٔ آنها دو رکعت نافلهٔ نماز صبح است که قبل از نماز صبح خوانده می‌شود و ثواب بسیاری دارد.*

نماز غُفیلَه

یکی دیگر از نمازهای مستحبی، نماز «غُفیلَه» است که پس از نماز مغرب خوانده می‌شود.

کیفیّت نماز غفیله

نماز غفیله دو رکعت است، که در رکعت اوّل، پس از حمد، باید به جای سوره، این آیه خوانده شود:[۳]

«وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنادیٰ فِی الظُّلُماتِ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَ نَجَّیْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَ کَذٰلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنینَ».

و در رکعت دوّم، پس از حمد، به جای سوره، این آیه خوانده می‌شود:

«وَ عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَیْبِ لا یَعْلَمُها اِلّا هُوَ و یَعْلَمُ ما فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ و ما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلّا یَعْلَمُها وَلا حَبَّةٍ فی ظُلُماتِ الْاَرْضِ وَ لا رَطْبٍ وَ لا یابِسٍ اِلّا فی کِتابٍ مُبینٍ».

---

۱. توضیح المسائل، م ۷۷۳.

۲. توضیح المسائل، م ۷۷۴.

* جهت آشنائی با کیفیت نافلهٔ یومیّه و وقت آنها، می‌توانید به رسالهٔ توضیح‌المسائل، مسألهٔ ۷۶۴ و ۷۶۸ مراجعه کنید.

۳. توضیح المسائل، م ۷۷۵.

و در قنوت آن این دعا خوانده می‌شود:

«اَللّٰهُمَّ إِنّی اَسأَلُكَ بِمَفاتِحِ الْغَیْبِ اَلَّتی لا یَعْلَمُها إِلّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَلی ذُنوبی* اَللّٰهُمَّ اَنْتَ وَلِیُّ نِعْمَتی وَ الْقادِرُ عَلی طَلِبَتی تَعْلَمُ حاجَتی فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ و عَلَیْهِمُ السَّلامُ لَمّا قَضَیْتَها لی».[۱]

خلاصهٔ درس ۳۰

۱ـ اگر زلزله شود و یا خسوف یا کسوف رخ دهد، نماز آیات واجب می‌شود.

۲ـ اگر رعد و برق شود و یا بادهای زرد و سرخ بوزد و بیشتر مردم بترسند، نماز آیات واجب می‌شود.

۳ـ نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد.

۴ـ در هر رکعت از نماز آیات می‌توان پنج حمد و پنج سورهٔ کامل خواند و یا سوره‌ای را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع بخشی از آن را خواند.

۵ـ اگر در شهری یکی از اسباب نماز آیات رخ دهد تنها بر مردم همان شهر نماز آیات واجب می‌شود.

۶ـ هر یک از رکوع‌های نماز آیات رکن است که با کم شدن یا زیاد شدن آنها، نماز باطل می‌شود.

۷ـ نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند.

۸ـ از جمله نمازهای مستحبی، نماز شب و غفیله و نافله‌های نمازهای یومیّه است.

؟ پرسش:

۱ـ آیا می‌توانید توضیح دهید که چرا به نماز زلزله و مانند آن نماز آیات گفته می‌شود؟

* به جای جملهٔ «ان تَغْفِرَلي ذُنوبي» می‌تواند حاجت دیگری از خدا بخواهد.

۲ ـ نماز آیات چند رکوع و چند قنوت دارد؟

۳ ـ یکی از شاگردان، در کلاس نماز آیات را با تقسیم سوره‌ای از قرآن بخواند.

۴ ـ مجموع ارکان نماز آیات از اوّل تا پایان چند تاست؟

۵ ـ آیا می‌توانید یک نماز یک رکعتی نام ببرید؟

٦ ـ مجموع نافله‌های یومیه با نماز شب، چند رکعت است؟ و با تعداد رکعتهای نمازهای واجب چه نسبتی دارد؟

درس ۳۱

روزه

تعریف روزه

یکی دیگر از واجبات و برنامه‌های سالانهٔ اسلام برای خودسازی انسانها «روزه» است، و روزه آن است که انسان از «اذان صبح» تا «مغرب» برای اطاعت فرمان خداوند از برخی کارها که شرح آنها خواهد آمد بپرهیزد. برای آشنایی با احکام روزه ابتدا باید اقسام آن‌را بشناسیم.

اقسام روزه:

۱ ـ واجب
۲ ـ حرام
۳ ـ مستحب
۴ ـ مکروه

روزه‌های واجب

این روزه‌ها واجب است:

* روزهٔ ماه مبارک رمضان.

* روزهٔ قضا.
* روزهٔ کفّاره*
* روزه‌ای که به سبب نذر واجب شود.
* روزهٔ قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است.[1]**

برخی از روزه‌های حرام

* روزهٔ عید فطر (روز اوّل ماه شوال).
* روزهٔ عید قربان (روز دهم ماه ذی‌حجه).
* روزهٔ مستحبی فرزند که سبب اذیت و آزار پدر و مادر شود.
* روز مستحبی فرزند که پدر و یا مادر او را از گرفتن آن نهی کرده باشند (بنابر احتیاط واجب).[2]

روزه‌های مستحب

روزه گرفتن در تمام ایّام سال - بجز روزه‌های حرام و مکروه - مستحب است ولی نسبت به بعضی از روزه‌ها تأکید و سفارش بیشتری شده است، که برخی از آنها بدین شرح است:

* هر پنجشنبه و جمعه.
* روز مبعث (۲۷ ماه رجب).
* عید غدیر (۱۸ ذی‌حجه).
* روز میلاد پیامبر اکرم(ص) (۱۷ ربیع الاوّل).
* روز عرفه (نهم ذی‌حجه) چنانچه روزه گرفتن سبب بازماندن از دعاهای آن روز نشود.

---

۱. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۴۰ و توضیح المسائل، م ۱۳۹۰.

* توضیح روزهٔ قضا و کفاره و موارد آنها خواهد آمد.

** (اراکی) و روزهٔ قضای مادر (مسألهٔ ۱۳۸۲) - (گلپایگانی) بنابر احتیاط واجب نماز قضای مادر هم بر او واجب است. (مسألهٔ ۱۳۹۹)

۲. توضیح المسائل، م ۱۷۳۹ تا ۱۷۴۲.

* تمام ماه رجب و شعبان.
* عید نوروز.
* ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ هر ماه.[1]

21-March

روزه‌های مکروه

* روزهٔ مستحبی مهمان بدون اجازهٔ میزبان.
* روزه مستحبی مهمان با نهی میزبان.
* روزهٔ مستحبی فرزند بدون اجازهٔ پدر.
* روزهٔ عاشورا.
* روزهٔ عرفه اگر سبب بازماندن از دعاهای آن روز بشود.
* روزهٔ روزی که نمی‌داند عرفه است یا عید قربان.[2]

نیّت روزه

۱ ـ روزه از عبادات است و باید برای انجام فرمان خداوند بجا آورده شود.[3]

۲ ـ انسان می‌تواند در هر شب ماه رمضان برای روزهٔ فردای آن، نیّت کند، و بهتر است که شب اوّل ماه هم روزهٔ همه ماه را نیّت کند.[4]

۳ ـ در روزهٔ واجب، نیّت روزه نباید بدون عذر از اذان صبح تأخیر بیفتد.[5]

۴ ـ در روزهٔ واجب، اگر به واسطهٔ عذری، مانند فراموشی، یا سفر نیّت روزه نکرده اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، تا ظهر می‌تواند نیّت روزه کند.[6]

۵ ـ لازم نیست نیّت روزه را به زبان بگوید بلکه، همین قدر که برای انجام دستور

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۷۴۸.
۲. توضیح المسائل، م ۱۷۴۷.
۳. توضیح المسائل، م ۱۵۵۰.
۴. توضیح المسائل، م ۱۵۵۰.
۵. مسأله ۱۵۵۴ ـ ۱۵۶۱.
۶. مسأله ۱۵۵۴ ـ ۱۵۶۱.

خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب، کاری که روزه را باطل می کند، انجام ندهد کافی است.[۱]

خلاصهٔ درس ۳۱

۱ ـ وقت روزه از «اذان صبح» است تا «مغرب».

۲ ـ روزهٔ ماه مبارک رمضان و روزه قضا و کفاره و روزهٔ نذری از روزه‌های واجب است.

۳ ـ روزهٔ قضای پدر، پس از مرگ وی بر پسر بزرگتر او واجب است.

۴ ـ روزهٔ عید فطر و قربان و روزه مستحبی فرزند که سبب اذیت پدر و مادر شود حرام است.

۵ ـ روزه گرفتن در تمام ایام سال، بجز روزهای حرام و مکروه، مستحب است ولی در بعضی از روزها بیشتر سفارش شده است از جمله.

* هر پنجشنبه و جمعه.
* روز میلاد و مبعث پیامبر.
* روز نهم و هیجدهم ذی‌حجّه (روز عرفه و عید غدیر).

۶ ـ روزهٔ مستحبی فرزند بدون اجازه پدر مکروه است.

۷ ـ در ماه رمضان می‌توان هر شب برای روزهٔ فردای آن نیّت کرد و بهتر است که شب اوّل ماه هم روزهٔ همه ماه را نیّت کند.

؟ پرسش:

۱ ـ روزه گرفتن در این ایام چه حکمی دارد؟

* دهم محرم * دهم ذی‌حجه * نهم ذی‌حجه * اوّل فروردین * اوّل شوال

۲ ـ آیا اگر پدر به فرزندش بگوید فردا روزه نگیر، می‌تواند روزه بگیرد؟

۳ ـ اگر شخصی پس از اذان صبح از خواب بیدار شود، آیا می‌تواند نیّت روزه کند؟

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۵۰.



درس ۳۲

مُبطلات روزه

روزه‌دار باید از «اذان صبح» تا «مغرب» از برخی کارها بپرهیزد و اگر یکی از آنها را انجام دهد، روزه‌اش باطل می‌شود، به مجموعهٔ این کارها «مُبطلاتِ روزه» گفته می‌شود، که از جملهٔ آنهاست:

* خوردن و آشامیدن.
* رساندن غبار غلیظ به حلق.
* فرو بردن تمام سر در آب.
* قی کردن.
* آمیزش.
* استمناء.
* باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.[1]

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۷۲.

احکام مُبطلات روزه

■ خوردن و آشامیدن

۱ ـ اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل می‌شود.[۱]

۲ ـ اگر کسی عمداً چیزی راکه لای دندانش مانده است فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود.[۲]

۳ ـ فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی‌کند، هر چند زیاد باشد.[۳]

۴ ـ اگر روزه‌دار به سبب فراموشی (نمی‌داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.[۴]

۵ ـ انسان نمی‌تواند، بخاطر ضعف روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.[۵]

● تزریق آمپول

تزریق آمپول، اگر به جای غذا نباشد، روزه را باطل نمی‌کند،* هر چند عضو را بی‌حس کند.[۶]

■ رساندن غبار غلیظ به حلق

۱ ـ اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برساند، روزه‌اش باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکیها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی، مانند خاک.

۲ ـ در این موارد، روزه باطل نمی‌شود:

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۷۳.
۲. توضیح المسائل، م ۱۵۷۴.
۳. توضیح المسائل، م ۱۵۷۹.
۴. توضیح المسائل، م ۱۵۷۵.
۵. توضیح المسائل، م ۱۵۸۳.
* (گلپایگانی) اگر لازم شد و تزریق کرد، روزه‌اش باطل نمی‌شود و فرقی بین آمپولها نیست. (مسأله ۱۵۸۵)؛ (اراکی ـ خویی) تزریق آمپول روزه را باطل نمی‌کند (استفتاء ـ مسأله ۱۵۸۵).
۶. توضیح المسائل، م ۱۵۷۶.

* غبار غلیظ نباشد.
* به حلق نرسد. (فقط به داخل دهان برسد).
* بی‌اختیار به حلق برسد.
* نمی‌داند روزه است.
* شک کند غبار غلیظ به حلق رسیده است یا نه.[۱]

▪ فرو بردن تمام سر در آب

۱ـ اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب مطلق* فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود.

۲ـ در این موارد روزه باطل نیست:

* سهواً سر را زیر آب ببرد.
* قسمتی از سر را زیر آب ببرد.
* نصف سر را یکبار و نصف دیگر را بار دیگر در آب فرو برد.
* بی‌اختیار در آب بیفتد.
* شخصِ دیگری به زور سر او را در آب فرو برد.
* شک کند، تمام سر زیر آب رفته است یا نه.[۲]

▪ قی کردن

۱ـ هر گاه روزه‌دار عمداً قی کند، هر چند به سبب بیماری باشد، روزه‌اش باطل می‌شود.[۳]

۲ـ اگر روزه‌دار نداند روزه است یا بی‌اختیار قی کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود.[۴]

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۸۶، الثامن ـ توضیح المسائل، م ۱۶۰۸ تا ۱۶۱۸.

* (اراکی ـ گلپایگانی) احتیاط واجب آن است که سر را در آبهای مضاف هم فرو نبرد. (مسأله ۱۶۴۷).

۲. توضیح المسائل، م ۱۶۰۹ ـ ۱۹۱۰ ـ ۱۹۱۳ ـ ۱۶۱۵ ـ العروة‌الوثقی، ج ۲، ص ۱۸۷، م ۴۸.

۳. توضیح المسائل، م ۱۶۴۶.

۴. توضیح المسائل، م ۱۶۴۶.

* استمناء

۱ـ اگر روزه‌دار «استمناء» کند؛ یعنی با خود، کاری کند که منی از او بیرون آید، روزه‌اش باطل می‌شود.[۱]

۲ـ اگر بی‌اختیار منی از او بیرون آید، مثلاً در خواب جنب شود، روزه‌اش باطل نیست.[۲]

خلاصهٔ درس ۳۲

۱ـ خوردن و آشامیدن، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، قی کردن، آمیزش، استمناء و باقی بودن بر جنابت تا اذان صبح روزه را باطل می‌کند.

۲ـ فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی‌کند.

۳ـ اگر کسی به سبب فراموشی، چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نیست.

۴ـ تزریق آمپول، اگر به جای غذا نباشد، روزه را باطل نمی‌کند.

۵ـ اگر غبار غلیظ نباشد و یا به حلق نرسد و یا روزه‌دار شک کند به حلقش رسیده یا نه، روزه‌اش باطل نیست.

۶ـ اگر کسی سهواً سر در آب فرو برد، یا بی‌اختیار به آب بیفتد و یا به اجبار او را در آب بیندازند، روزه‌اش باطل نیست.

۷ـ اگر روزه‌دار بی‌اختیار قی کند و یا نداند روزه است، رزوه‌اش باطل نیست.

۸ـ اگر روزه‌دار در حال خواب جنب شود روزه‌اش باطل نیست.

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۸۸.
۲. توضیح المسائل، م ۱۵۸۹.

پرسش:

۱ـ خلال کردن و مسواک زدن در حال روزه چه حکمی دارد؟

۲ـ آیا جویدن آدامس روزه را باطل می‌کند؟

۳ـ شخصی در حال نوشیدن آب، یادش می‌آید که روزه است، تکلیفش چیست و روزه‌اش چه حکمی دارد؟

۴ـ سیگار کشیدن جزو کدام‌یک از مبطلات روزه است؟

۵ـ شنا کردن در حال روزه چه حکمی دارد؟

درس ۳۳

مبطلات روزه

■ باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

اگر شخص جنب، تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفهٔ او تیمم است، تیمم نکند. در برخی موارد روزه‌اش باطل می‌شود؛ اینک برخی از مسائل آن:

۱ ـ اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفه‌اش تیمم است تیمم نکند:

* در روزهٔ رمضان } روزه‌اش باطل است.
* در قضای روزه } روزه‌اش باطل است.
* در بقیهٔ روزه‌ها ← روزه‌اش صحیح است.

۲ ـ اگر غسل یا تیمم را فراموش کند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید:

* در روزهٔ ماه رمضان ← باید آن روزه‌ها را قضا کند.
* در روزهٔ قضای ماه رمضان ← بنا بر احتیاط واجب باید آن روزه‌ها را قضا کند.*
* در روزه‌های غیر ماه رمضان و قضای آن؛ مانند روزهٔ نذری یا کفاره ← روزه‌اش صحیح است.[1]

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۶۲۲ ـ ۱۶۳۴ ـ ۱۶۳۶.

* (خوئی) روزه‌اش باطل است ـ مسأله ۱۶۴۳. (گلپایگانی) اگر وقت وسعت داشته باشد روزه‌اش باطل

۳ـ اگر روزه دار، در خواب جنب شود، واجب نیست فوراً غسل کند و روزه‌اش صحیح است.[۱]

۴ـ اگر شخص جنب در شب ماه رمضان می‌داند برای غسل، قبل از اذان صبح بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد و اگر بخوابد و بیدار نشود، روزه‌اش باطل است.[۲]

کارهایی که بر روزه‌دار مکروه است

۱ـ انجام دادن هر کاری که سبب ضعف بشود؛ مانند خون دادن.

۲ـ بوییدن گیاهان معطر (عطر زدن مکروه نیست).

۳ـ خیس کردن لباسی که بر تن دارد.

۴ـ مسواک کردن با چوب تر.[۳]

قضا و کفارهٔ روزه

*** روزهٔ قضا**

اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد، باید روز دیگری، به جای آن روزه بگیرد، پس روزه‌ای که بعد از وقت آن، بجا آورده می‌شود، «روزهٔ قضا» نام دارد.

*** کفارهٔ روزه**

کفّاره همان جریمه‌ای است که برای باطل کردن روزه، معین شده است و عبارت است از:

* آزاد کردن یک بَرده

* دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد

است و اگر وقت تنگ باشد، بنابر احتیاط واجب، باید روزهٔ آن روز را به پایان ببرد و عوض آن را هم بعداز ماه مبارک رمضان بگیرد. (مسأله ۱۶۴۳)

۱. توضیح المسائل، م ۱۶۳۲.

۲. توضیح المسائل، م ۱۶۲۵.

۳. توضیح المسائل، م ۱۶۵۷.

* سیر کردن شصت فقیر، یا دادن یک مُدّ* طعام به هریک از آنها.

کسی که کفّاره بر او واجب شود، باید یکی از این سه را انجام دهد، و چون امروزه «برده» به معنای فقهی آن یافت نمی‌شود، مورد دوّم یا سوّم را انجام می‌دهد، و اگر هیچ‌یک از اینها برایش مقدور نیست، هر مقدار که می‌تواند باید به فقیر طعام بدهد و اگر اصلاً نتواند طعام بدهد، باید استغفار کند.[۱]

▣ **در این موارد بجا آوردن قضای روزه واجب است ولی کفّاره ندارد.**

۱ ـ عمداً قی کند.**

۲ ـ در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت، یک یا چند روز، روزه بگیرد.

۳ ـ در ماه رمضان بدون اینکه تحقیق کند صبح شده یا نه؟ کاری کند که روزه را باطل می‌کند؛ مثلاً آب بخورد، و بعداً معلوم شود صبح بوده است.

۴ ـ کسی بگوید صبح نشده و روزه‌دار به گفتهٔ او، کاری کند که روزه را باطل می‌کند، و بعداً معلوم شود صبح بوده است.

* اگر عمداً روزهٔ رمضان را نگیرد و یا عمداً آن را باطل کند، قضا و کفاره واجب می‌شود.***

خلاصهٔ درس ۳۳

۱ ـ اگر شخص جنب در روزه ماه رمضان و قضای آن، عمداً تا اذان صبح غسل

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۶۶۰ ـ ۱۶۶۱.

* یعنی باید حدود ۱۰ سیر گندم یا برنج و مانند آن به فقیر بدهد. (توضیح المسائل، م ۱۷۰۳)

** (اراکی) بنابر احتیاط واجب باید کفاره هم بدهد. (مسأله ۱۶۹۱)؛ (خوئی ـ گلپایگانی) کفاره هم واجب است. (مسأله ۱۶۶۷)

***قی کردن و بیدار نشدن جنب برای غسل، حکم دیگری دارد. (به توضیح المسائل مسأله ۱۶۵۸ مراجعه کنید).

نکند و یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، تیمم نکند روزه‌اش باطل است.

۲ـ اگر در روزهٔ ماه رمضان، غسل یا تیمم را فراموش کند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید، باید آن روزه‌ها را قضا کند.

۳ـ اگر روزه‌دار در بین روز، در خواب جنب شود، واجب نیست فوراً غسل کند و روزه‌اش صحیح است.

۴ـ اگر شخص جنب در شب ماه رمضان می‌داند که اگر بخوابد، قبل از اذان برای غسل بیدار نمی‌شود نباید بخوابد، و اگر بخوابد و بیدار نشود، روزه‌اش باطل است.

۵ـ بو کردن گیاهان معطر و خیس کردن لباسی که بر تن دارد، درحال روزه مکروه است.

۶ـ روزه پس از وقت را روزه قضا و جریمهٔ روزه خواری را کفّاره گویند.

۷ـ کسی که کفّاره به او واجب شود، باید یک برده آزاد کند، یا دو ماه روزه بگیرد و یا شصت فقیر را سیر کند.

۸ـ اگر عمداً قی کند و یا در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و یک یا چند روز روزه بگیرد، باید قضای آن روزه‌ها را بجا آورد ولی کفاره ندارد.

۹ـ اگر بدون تحقیق غذا بخورد و سپس بفهمد پس از اذان صبح غذا خورده، روزه‌اش باطل است و قضا دارد ولی کفاره ندارد.

۱۰ـ اگر عمداً روزه رمضان را نگیرد، به علاوهٔ قضا، کفاره هم واجب است.

؟ پرسش:

۱ـ فرق قضا و کفارهٔ روزه چیست؟

۲ـ اگر درروزه مستحبی تا اذان‌صبح غسل‌نکرده باشد، روزه‌اش چه حکمی دارد؟

۳ـ اگر زمانی از خواب بیدار شود که برای غسل جنابت فرصت ندارد، تکلیفش چیست؟

۴ـ عطر زدن در حال روزه چه حکمی دارد؟

۵ـ ساعت شخصی عقب بوده، و مطابق با آن سحری خورده، و بعداً متوجه شده است که پس از اذان صبح غذا خورده است، تکلیفش نسبت به قضا و کفاره چیست؟



درس ۳۴

احکام قضا و کفارهٔ روزه

۱ـ لازم نیست قضای روزه را فوراً بجا آورد، ولی بنابراحتیاط واجب* باید تا رمضان سال بعد، انجام دهد.[۱]

۲ـ اگر چند ماه رمضان، روزهٔ قضا دارد، هر کدام را اوّل بگیرد اشکال ندارد، ولی اگر وقت قضای روزهٔ آخرین ماه رمضان تنگ است مثلاً ده روز از رمضان آخر، قضا دارد و ده روز به رمضان مانده است، باید** اوّل قضای آن را بگیرد.[۲]

۳ـ انسان نباید در بجاآوردن کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست، فوراً آن را انجام دهد.[۳]

۴ـ اگر کفّاره بر انسان واجب شود، چند سال بر آن بگذرد و بجا نیاورده باشد، چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.[۴]

۵ـ اگر به سبب عذری مانند سفر، روزه نگرفته و پس از رمضان عذر او بر طرف

---

۱. العروةالوثقی، ج ۲، ص ۲۳۳، م ۱۸ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۹۸، م ۴.

* (خوئی ـ گلپایگانی) بنابراحتیاط مستحب ـ العروةالوثقی، ج ۲، ص ۲۳۳، م۱۸.

** (خوئی ـ گلپایگانی) بهتر است ـ احتیاط مستحب ـ (مسألهٔ ۱۷۰۷)؛ (اراکی) احتیاط واجب است. (مسأله ۱۷۳۱)

۲. توضیح المسائل، م ۱۶۹۸.

۳. توضیح المسائل، م ۱۶۸۴.

۴. توضیح المسائل، م ۱۶۸۵.

شود و تا رمضان سال بعد، عمداً قضای آن را بجا نیاورد، باید علاوه بر قضا، برای هر روز، یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.[۱]

۶ـ اگر روزهٔ خود را با کار حرامی؛ مانند استمناء باطل کند، بنابر احتیاط واجب* کفّارهٔ جمع لازم می‌شود؛ یعنی باید یک برده آزاد کند، دو ماه روزه بگیرد و به شصت فقیر طعام بدهد؛ اگر هر سه برایش ممکن نیست، هر کدام از آنها را که می‌تواند باید انجام دهد.[۲]

▣ در این موارد، نه قضا واجب است و نه کفّاره:

۱ـ روزه‌هایی که قبل از بلوغ نگرفته است.[۳]

۲ـ روزه‌های ایّام کفر برای تازه مسلمان؛ یعنی اگر کافری مسلمان شود قضای روزه‌های گذشته واجب نیست.[۴]

۳ـ کسی که به واسطهٔ پیری نمی‌تواند روزه بگیرد و بعد از رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را انجام دهد.** ولی اگر روزه گرفتن برایش دشوار است، باید برای هر روز، یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.[۵]

روزهٔ قضای پدر و مادر

پس از مرگ پدر، پسر بزرگ او باید نمازها و روزه‌های قضا شدهٔ او را بجا آورد و احتیاط مستحب*** است قضای نماز و روزه‌های مادر را هم بجا آورد.[۶]

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۷۰۵.

* (اراکی ـ گلپایگانی) کفارهٔ جمع واجب می‌شود. (مسألهٔ ۱۶۹۸ ـ ۱۶۷۴)

۲. توضیح المسائل، م ۱۶۶۵.

۳. توضیح المسائل، م ۱۶۹۴.

۴. توضیح المسائل، م ۱۶۹۵.

** (گلپایگانی) در این صورت هم بنابر احتیاط لازم، یک مُدّ طعام به فقیر بدهد. (مسألهٔ ۱۷۳۴)

۵. توضیح المسائل، م ۱۷۲۵ ـ ۱۷۲۶.

۶. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۲۷ م ۱۶ ـ توضیح المسائل، م ۱۷۱۲ و ۱۳۹۰.

***(اراکی) قضای نماز و روزهٔ مادر هم بر او واجب است. (مسألهٔ ۱۷۴۶)؛ (گلپایگانی) بنابر احتیاط واجب، قضای نماز و روزهٔ مادر را هم باید بجا آورد. (مسأله ۱۷۲۱)

روزهٔ مسافر

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نباید در آن سفر روزه بگیرد ولی باید قضای آن را بجا آورد، و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند؛ مثل کسی که شغل او سفر است، باید در سفر روزه بگیرد.[۱]

حکم روزهٔ مسافر:

- به سفر رفتن
  - ۱ - قبل از ظهر به مسافرت می‌رود ← وقتی به حد ترخص* رسید روزه‌اش باطل می‌شود و اگر قبل از آن روزه را باطل کند، به احتیاط واجب باید کفاره بدهد.**
  - ۲ - بعد از ظهر به مسافرت می‌رود ← روزه‌اش صحیح است و نباید آن را باطل کند.
- از سفر برگشتن
  - ۱ - قبل از ظهر به وطن یا جایی که بنا دارد ده‌روز بماند می‌رسد
    - ۱ - کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده است: باید روزهٔ آن روز را تمام کند و صحیح است.
    - ۲ - روزه را باطل کرده است: روزهٔ آن روز بر او واجب نیست و باید قضای آن را بجا آورد.
  - ۲ - بعد از ظهر برسد ← روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را بجا آورد.[۲]

توجه: مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است.[۳]

زکات فِطره

پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان؛ یعنی در روز عید فطر، باید مقداری از مال

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۷۱۴ - توضیح المسائل، م ۱۷۱۴.

۲. توضیح المسائل، م ۱۷۱۴ - ۱۷۲۱ - ۱۷۲۲ - ۱۷۲۳.

* توضیح «حد ترخص» در درس ۲۵ گذشت.

** (خویی) کفاره واجب است. (مسألهٔ ۱۷۳۰)

۳. توضیح المسائل، م ۱۷۱۵.

خود را به عنوان زکات فطره به فقیر بدهد.

مقدار زکات فطره

برای خودش و کسانی که نان‌خور او هستند؛ مانند همسر و فرزند، هر نفر یک صاع که تقریباً سه کیلوست.[۱]

جنس زکات فطره

جنس زکات فطره، گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرّت و مانند اینهاست، و نیز اگر پول یکی از اینها را بدهد کافی است.[۲]

خلاصهٔ درس ۳٤

۱ ـ قضای روزه ماه رمضان بنابر احتیاط واجب باید تا رمضان سال بعد بجای آورده شود.

۲ ـ اگر چند ماه رمضان روزهٔ قضا داشته باشد، هر کدام را اوّل بگیرد اشکال‌ندارد، مگر آنکه‌وقت‌برای‌قضای‌رمضانِ‌سالِ گذشته تنگ‌شده باشد.

۳ ـ اگر کفّاره را چند سال تأخیر بیندازد، چیزی بر آن افزوده نمی‌شود.

۴ ـ اگر بدون عذر، قضای روزهٔ رمضان را تا رمضان سال بعد انجام ندهد، علاوه بر قضای آن، باید برای هر روز، یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.

۵ ـ اگر روزهٔ خود را با کار حرام باطل کند، کفارهٔ جمع واجب می‌شود.

٦ ـ روزه‌های قبل از بلوغ و روزه‌های ایام کفر (برای تازه مسلمان) قضا ندارد.

۷ ـ پسر بزرگتر باید نماز و روزه‌های قضا شدهٔ پدر خود را پس از مرگ وی انجام دهد.

۸ ـ در سفری که نماز شکسته است، روزه هم باطل است.

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۹۹۱.
۲. همان مدرک.

۹ـ اگر روزه‌دار بعد از ظهر به مسافرت برود روزه‌اش صحیح است.

۱۰ـ اگر مسافر قبل از ظهر به وطن، یا جایی که بنا دارد ده روز بماند برسد و تا آن وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، باید روزهٔ آن روز را تمام کند و صحیح است.

؟ پرسش:

۱ـ وقت قضای روزه رمضان را بیان کنید؟

۲ـ وقت کفارهٔ روزه را بیان کنید؟

۳ـ اگر کسی تا رمضان سال بعد قضای روزه‌ها را نگیرد، تکلیفش چیست؟

۴ـ پیر مردی که نمی‌تواند روزه بگیرد تکلیفش چیست؟

۵ـ اگر پسر اوّل، از دنیا رفته باشد، قضای روزه‌های پدر بر عهدهٔ چه کسی است؟

۶ـ چه کسانی باید در سفر روزه بگیرند؟